

فدراسیون یهودیان ایرانی

شماره
شوفار
SHOFAR

Iranian Jewish Federation

سال دوم - شماره ۲۳ - مارچ ۱۹۸۴ - فروردین ۱۳۶۳ - آدارشنی ۵۷۴۴

حیدشاه مبارک

رقص ایرانی

سیاوش کسرانی

چو گل‌های سپید صبحگاهی،
در آغوش سیاهی،
شکوفاشو!

به پابرخیزو پیراهن رها کن!
گره از گیسوان خفته وا کن.
فریاشو.
گریزاشو.

چو عطر نغمه کز چنگم تراود،
بتاب آرام و در ابره‌هاشو.

ببر، پرواز کن، دیوانگی کن.
ز جمع آشناییگانگی کن.
چو دود شمع شب از شعله بر خیز.

گریز گیسوان بر باد هاریز.

پرواز!

ببرهیز!

چو رقص سایه هادر روشنی شو.
چو پای روشنی در سایه هارو.

گهی زندگی بر انگشتی بیاو یز.
نواونغمه ای با هم بیامیز.
دلارام!
میارام!

گهی بردار چنگی،
به هردروازه رو کن،
سر هر رهگذاری جستجو کن،
به هر راهی، نگاه کن؛
به هر سنگی، درنگ کن؛
برقص و شهر را پره‌های وهو کن

منت می پویم از پای اوفتاده؛
منت می پایم اندر جام باده.
تو بر خیز.
تو بگریز.

برقص آشفته برسیم ربایم؛
شدی چون مست و بیتاب،
چو گل‌هایی که می لغزند بر آب،
پریشان شو بر امواج شرابیم.

ایران
۱۳۶۳

PACIFIC COMMERCIAL INSURANCE AGENCY

Agent & Broker

بیمه

خدمات بیمه



بیمه



اتومبیل

لیموزین

رنت کار



تعمیرگاه

کارواش



مسکن

آتش سوزی



کارگری

کارخانجات



حمل و نقل

نرخ بیمه مورد نظر شمارا با
بیش از ده شرکت بیمه از طریق
کامپیوتر مقایسه خواهیم کرد
و بهترین نرخ ممکن را بشما
ارائه خواهیم کرد

● سرویس سریع

● نرخهای غیر قابل رقابت

● پرداخت سریع خسارت

هدف ما است

آپارتمان ییلدینگ



آفیس ییلدینگ

شاپینگ سنتر

هتل

سوپرمارکت



لیکور استور

رستوران

خشک شویی



بوتیک

مبل فروشی



درمانی

باند

نمایندگی مستقیم از ده ها شرکت بیمه معتبر امریکا :

- | | | | |
|------------|-----------------------|--------------|----------------------|
| 1- AETNA | 5- WORKMAN AUTO | 9- SECURITY | 13- MERCURY CASUALTY |
| 2- INA | 6- BLUE RIDGE | 10- REPUBLIC | 14- AMERICAN GENERAL |
| 3- GULF | 7- EMPLOYERS CASUALTY | 11- FREMONT | 15- BLUE CROSS |
| 4- MISSION | 8- GOLDEN WEST | 12- FAIRMONT | 16- BLUE SHIELD |

شهباز ربان

(213) 550-6315

SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION

6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048

Tel: (213) 655-7730
(213) 655-7731

شوفار

سال دوم

فروردین ۱۳۶۳

مارچ ۱۹۸۴

• شوفار بوسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیرانتفاعی و ثبت شده منتشر میشود. هدف ما اعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ فارسی در میان یهودیان ایرانی خارج از کشور است.

مدیراداری: الیاس اسحقیان
مشاور فنی و هنری: کامران خاورانی
با همکاری شورای نویسندگان

• نویسندگان و علاقه مندان که نوشته هایشان در این ماهنامه منتشر میشود همگی قلم خود را برایگان در اختیار ما گذاشته اند. باشد که این خدمت گامی در راه تشویق شما دوستان دست بقلم برای پیوستن به ما بشمار آید.

• مقالاتی که با ذکر نام نویسنده و یا منبع خیری چاپ میشوند در محدوده مسئولیت خود نویسنده و آن منبع خیری است.
• نقل و اقتباس مطالب شوفار با ذکر مأخذ آزاد است.

بهای درج یک نوبت آگهی

۱/۱ صفحه	۵۰ دلار
۱/۲ صفحه	۸۵ دلار
۱/۳ صفحه	۱۲۰ دلار
۱/۴ صفحه	۱۵۰ دلار
یک صفحه کامل	۲۵۰ دلار
پشت جلد	۳۵۰ دلار

مهلت قبول آگهی برای درج در شماره آینده تا ۲۵ مارس ۱۹۸۴ می باشد.



مسئول آگهی ها:
شرکت کتاب

(213) 99 KETAB
995-3822

۶۷۶۶-۶۹۷ (۴۱۵) شمال کالیفرنیا



یادداشت روز



فرارسیدن نوروز باستانی رابه همه مردم ایران تبریک می گوئیم و برای فرزندان سرزمین کهن ایران آرزوی صلح و شادکامی و همدردی می نمایم. همچنین انتشار این شماره شوفار مقارن است با برگزاری جشن پوریم. جشن پیروزی حق بر باطل و جشن نابودی خود کامگی و بیداد. فرارسیدن این جشن نیز فرصتی بدست می دهد که برای همه خواهران و برادران خود در سراسر جهان آرزوی صلح و سلامت نمایم.

نوروز و پوریم در حقیقت مظهر یک واقعیتند. و آن چیرگی گرمی بر سردیها - نور بر تاریکی ها، مظهر علیه عدالت بر ظلم و بیدادگری یا بعبارتی وسیع تر مظهر چیرگی اهورا بر اهریمن است.

نوروز را از آن روگرمی می داریم که نه تنها طبیعت جلوه و شکوفایی خود را مجدداً بدست می آورد بلکه این روز پیام آور صفا و صمیمیت و دوستی است.

بزرگداشت جشن پوریم نیز بزرگداشت فداکاری و اصالت انسانها در قبال فرعون های زمانه است. نشانه فداکاری انسانی که نجات ملتش را از جور و بیداد وظیفه حتمی خود می داند، در مقابل بیدادگران سرخم نمی کند، بلکه با همه توان و قدرت خود و با بهره گیری از همه امکانات توفیق آنرا بدست می آورد که هاما یکی از بزرگترین مردان امپراطوری آن روز رابه زانو در آورد.

پوریم و نوروز همچنین نشانه پیوند و همبستگی جاودانه ملت یهود با ایران است، ملتی که در طول هزاران سال تاریخ پرنشیب و فراز سرزمین آریاها همواره به آن وفادار بوده و هیچگاه دیده نشده است که هیچ فردی از افراد یهودی ایران در طول قرنهای متمادی اقامت خود در این سرزمین کوچکترین قدم یا عملی برخلاف منافع و مصالح کشورش برداشته باشد و این امر برای همه یهودیان ایران موجب افتخار و مباهات است.

ما معتقدیم که همه افراد ایرانی دارای هر کیش و آیین که اینک از وطن دور افتاده اند موظفند جشن نوروز را هر چه باشکوه تر بر پا دارند و تاریخ سراسر افتخار و حماسی ایران را برای فرزندان خود بازگو کنند تا شعله مهر ایران همواره فروزان تر و پابراتر در اذهان جوانان مابقی بماند.

باشد که بار دیگر فروغ مینوی بر آسمان سرزمین رنج دیده و اندوه بار ما پرتو افکن شود و بار دیگر جوانان وطن ما شادمانه سرود زندگی سر دهند و قدرت خلاقه خود را نه در زمین زارهای خوزستان و بیشه زارهای شط العرب ازدست دهند بلکه آن را برای آبادی، توسعه و ترقی میهن بکار برند.



فدراسیون

وشمه‌ای از نیازهای جامعه

چنین به نظر می رسد که جامعه مهاجر مابعدازگذشت چند سال متوجه تضادهای فرهنگی و دیدگاه های فلسفی خود با جامعه امریکایی شده و بر مشکلات اقتصادی و مسایل روانی خود تا حدود زیادی آشنا و به فکر چاره جویی است. زیربنای زندگی گروهی مادر ایران بر اساس خانواده و فامیل و دوستان و آشنایان نزدیک خلاصه می شد و به هنگام وقوع حوادث و مشکلات مرجعی به جز فامیل نزدیک و در ظرف چند سال قبل از انقلاب انجمن کلیمیان تهران، وجود نداشت.

اما دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی در این مملکت لزوم همکاری و معاضدت اجتماعی را چندین برابر تشدید کرده و بدون سازمان دهی صحیح اجتماعی و تشکیلات اداری مرتب، جامعه ماموق نخواهد شد با مسایل موجود مقابله و آنها را رفع و رجوع کند.

فدراسیون یهودیان ایرانی ارگانی است که با خواست و اراده جامعه و وقوف بر نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوجود آمده است و در این مدت کوتاه سعی داشته است تا هماهنگی های لازم را بین سازمان ها بوجود آورد و برنامه های کوتاه مدت و طویل المدت بر حسب نیازهای جامعه طرح و پیاده کند. برنامه هایی که بطور خلاصه از نظر خوانندگان در ذیل خواهد گذشت هر یک، بعد از تحقیقات و نشست ها و مشورت ها با سازمان های یهودی امریکایی و ایرانی تحقق یافته اند.

ما امیدواریم که این برنامه ها بتوانند قسمتی از نیازهای جامعه ما را برآورند. البته شرط استفاده از آنها تشخیص نیازمندی متقاضیان خواهد بود:

۱- وام تحصیلی به دانشجویان دانشگاهی بدون بهره. وام شرافتی برای براه انداختن کسب های کوچک.

۲- معالجات پزشکی. با کوشش پیگیر فدراسیون و سازمان های وابسته به آن موفق شده ایم توافق هایی در زمینه بستری کردن

بیماران در بیمارستان سینای تحت شرایط مخصوص بدست آوریم. بیماران واجد شرایط بطور رایگان از خدمات بیمارستانی برخوردار خواهند شد.

۳- با کلینیک دندانپزشکی بیمارستان سینای نیز توافق شده است تا بیماران بی بضاعت با شرایط معینی تحت درمان قرار گیرند.

۴- فدراسیون با آگاهی از مسایل جدایی خانواده ها و خطراتی که بعضی از جوامع یهودی را در نقاط بحرانی دنیا تهدید می کند، قادر است به هر کس که مایل به مهاجرت به اسرائیل باشد کمک کند.

۵- برای رفع مشکلات حقوقی در نظر است برنامه هایی مورد بررسی قرار گیرد. ما از تمام و کلا دعوت می کنیم که ما را در این راه مشورت و یاری دهند.

۶- اخیراً با کمک سازمان بانوان گروه جوانانی بوجود آمده بنام گروه جوانان پیوند که همکاری خود را با فدراسیون یهودیان ایرانی اعلام داشته و هدف این گروه نزدیک کردن جوانان یهودی به یکدیگر از نظر فکری و معنوی و آشنایی بیشتر جوانان می باشد. تا کنون این گروه ۲ جلسه سخنرانی و بحث آزاد و ۲ برنامه تفریحی داشته که مورد استقبال زیادی قرار گرفته است.

فدراسیون یهودیان ایرانی در گام های اولین خود در راه تحقق اهداف بسیار نزدیک برای پیشبرد و اعتلای موقعیت سیاسی، اقتصادی و تحکیم روابط اجتماعی می باشد و به کمک و پشتیبانی معنوی و مادی شما عزیزان نیازمند است. پیشنهادات و انتقادات شما را می پذیریم و در راه سربلندی جامعه دوش به دوش شما قدم برمی داریم. خود را یاری دهید و ما را در راه مقدسی که می رویم رهنما باشید.

دکتر ملامد

متخصص کودکان و نوجوانان

مطب سیدرسانای

8631 W. 3rd. St., Suite 745 E.

مطب گلندل

1500 S. Central Ave., No. 125

تلفن ۲۴ ساعته ۴۱۶۲-۲۴۱ (۲۱۳)

دکتر ژاله ما کابی (منصوری)

دندانپزشک

افتتاح مطب خود را به اطلاع می رساند

Warner Victory Medical Center

6325 Topanga Canyon Blvd.
No. 326

Woodland Hills, CA 91367

(213) 340-8202

تلفن ۲۴ ساعته ۹۱۹-۷۱۰

بیمه های درمانی پذیرفته می شوند

دکتر فریدون نیسان

دندانپزشک

F. Naysan D.D.S.

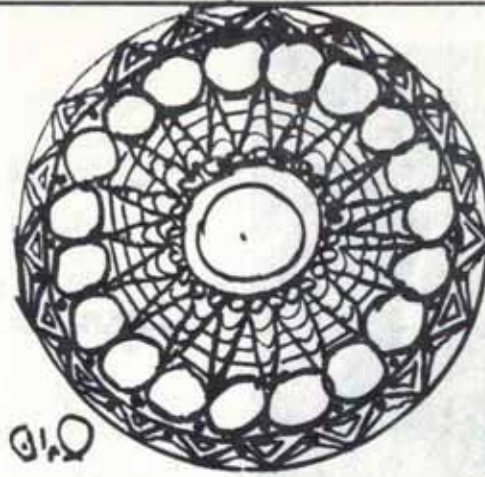
10350 Santa Monica Blvd., Suite 190,
L.A., Ca. 90025

تقاطع سانتامونیکا کوچک و بوری گلی

(213) 557-1704

بیمه های درمانی پذیرفته می شود.

شاهنامه فردوسی یا گنجینه آئین ایران



۱۵۴

«متن قسمتی از سخنرانی آقای شاهرکی در انجمن آئین ایران»

کتاب آسمانی تورات، که بی گمان بنیاد همه دین های پس از آئین یهوداست و بیشترین ستایشگر رادرمیان جهانیان داراست، بر پایه همین نیک خواهی برای انسانیت است که تا این اندازه بامهر و بزرگداشت از پادشاهان ایران هخامنشی یاد می کند و کوروش را برانگیخته خدای یگانه می شناسد. می نویسد:

«در سال نخستین پادشاهی کوروش شاه پارس خداجان کوروش پادشاه پارس را برانگیخت که به سراسر قلمرو پادشاهی فرمان دهد و بنویسد تا آنکه سخن خدا که از زبان «برمه» گفته شده بود به واقعیت بپیوندد.»

«چنین است فرمان کوروش پادشاه پارس: خدا، خدای آسمان همه پادشاهی کشورهای روی زمین را به من ارزانی داشته است و مرا بر گماشته است که برای او در اورشلیم که یوداست خانه بسازم...»

آیا این فرمان خودنشانه آن نیست که کوروش خدای یگانه را باوردارد و میان خدای خود و خدای یهود جدایی نمی بیند؟ آیا این همان باورداشت آئین ایران نیست که سده هاپس از کوروش بدینگونه از اندیشه و زبان حافظ بیرون می آید که:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند؟

کتاب عنبرادستان ساختمان خانه خدا زادنیال می کند و از نوشته های کتاب مقدس آشکاراست که فرمانروایان و گماشتگان آنسوی رود پس از گذشت کوروش در کار ساختمان خانه خدا دشواریهایی بار می آروند و به شاه ایران می نویسند که اگر یهودیان خانه خدا را بسازند و بر شهرشان حصار بکشند دیگر به فرمان ما نخواهند بود. که ایشان مردمی سرکش و نافرمانند. هنگامی که پادشاهی به داریوش می رسد سران یهود به او نامه می نویسند

ارمغان می کند و ساختن خانه خدا را در اورشلیم فرمان می دهد؟ آیا می توان این فرمان کوروش را جز آزادی و عشق و ایمان به خدای یگانه بحساب دیگری گذاشت؟ آیا می توان پذیرفت که این سروری و پرتواکنی فرهنگی بی آئین به اوج برسد و بی سازمان هزار و دوست سال یعنی برابر بانیمی از تاریخ ۲۵۰۰ ساله شناخته شده مادام بیاورد؟ اینکه داریوش می تواند با همه کارشکنی های فرمانروایان آنسوی رود کار ساختمان خانه خدا را با اقتدار دنبال کند و آنرا بی چون و چرا بفرجام برساند، نشانه داشتن یک سازمان نیرومند برای فرمانروایی نیست؟

نمی توان پذیرفت که آئین فرمانروایی و بزرگی تنها با پادشاهی کوروش در سال ۵۵۰ پیش از میلاد یکشبه برای ایرانیان پدیدار شده و به اوج رسیده باشد.

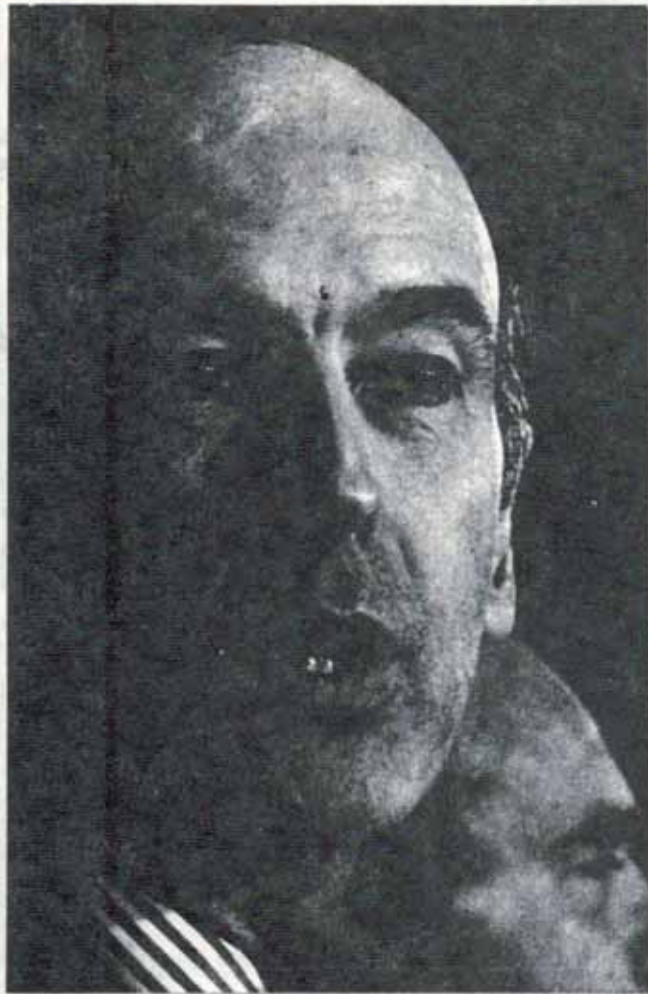
همچنین نمی توان پذیرفت که باشکست یزدگرد سوم و چیره شدن عرب ها بر ایران آئین بزرگی یکشبه از میان ایرانیان رفته باشد. می دانیم که این آئین ریشه های فرهنگی بسیار کهن داشته است و همان ریشه های فرهنگی است که مردان بزرگی چون کوروش و داریوش را در امان خود پرورانده است. بر بنیاد این ریشه های فرهنگ آریایی از هنرهای اخلاقی که در پرورش ایرانیان وجود داشت و با سازمانی که کوروش و داریوش برای استوار نگاهداشتن سازمان پادشاهی گسترده خود به وجود آوردند آئین بزرگی توانست در درگ و ریشه مردم حوزه فرمانروایی ایران بی چون و چرا جریان پیدا کند و در دین و آئین همه سرزمینها نفوذ یابد. برای اینکه این آئین همگانی شود و همه مردم دوستدار آن باشند بخشی از این میراث کهن فرهنگی به زبان دلنشین افسانه درآمده بود، تا همه آن افسانه ها را با زگو کنند و سخن دانایی و آئین بزرگی همچنان زنده و پایدار در دل ها بماند و سینه به سینه به نسل های بعدی سپرده شود. نیروی راستی آئین ایران چنان بود که حمله اسکندر نیز نه تنها آنرا از میان نبرد بلکه در پراکندن تخم این اندیشه ها و باورها نیز یاری بخش آئین کهن ایران شد. از این گذشته حمله اسکندر و آتش زدن کاخ هخامنشیان به داناایان و بزرگان ایرانی آموخت تا از گنجینه میراث کهن خود با دقت بیشتری نگاهبانی و پاسداری کنند و راه نگاهداری دانش را تنها در نوشتن کتابها ندانند. این خود سبب شد که موبدان آن بخش از داناایان کهن را که امیل ترین میراث فرهنگی ایران بشمار می رفت میان خود تقسیم کنند و آنها را از بزرگ کنند و سپس سینه به سینه به جانشینان خود بپارزند تا جنگها و آتش افروزیهای دشمنان نتواند اسباب از میان رفتن آن میراث فرهنگی شود.»

و دشواریها را در دمندهانه گزارش می دهند. داریوش پس از آنکه از این ناروایی ها آگاه می شود و فرمان کوروش را درباره ساختمان خانه خدا در آرشبو اکباتان پیدا می کند به فرمانروای آنسوی رود چنین می نویسد... دست بردارید. کار به ساختمان خانه خداندانسته باشید، بگذارید فرمانروای یهود و سران آنان خانه خدا را در همانجا بازسازی کنند. افزون بر این درباره آنچه که شما باید برای سران یهود و بازسازی خانه خدا انجام دهید فرمان می دهم، همه هزینه های این مردان از درآمد خزانه پادشاه و از خراج ایالت آنسوی رود بی کم و کاست و بی تعلل پرداخت شود. آنچه نیاز آنان باشد از گاو و گاو نر و از میش و گوسفند برای پیش کش کردن به خدای آسمان، گندم، نمک، شراب یا روغن به اندازه ای که پیشوایان دینی اورشلیم بخواهند همه روزه بدون چون و چرا به آنان داده شود...

تورات سپس می افزاید:

«آنگاه به فرمان داریوش پادشاه فرماندار ایالت آنسوی رود و یارانش با پشتکار هر چه تعامتر فرمان او را به جا آوردند و این خانه به خواست خدا و فرمان کوروش و داریوش و... در سیمین روز ماه آذر در ششمین سال پادشاهی داریوش پادشاه به پایان رسید.»

اینک که نمونه های کوتاهی از نوشته های دیگران را درباره بزرگی ایرانیان باستان و دورنمای فرهنگی آنان بدست داریم این نکته گفتنی است که بزرگی بی مایه و بی آموزش و پرورش درست و بدون تکیه به آئین راستی پدیدار نمی شود. شاید بتوان بزرگی و سرافرازی فردی را در یک دوره کوتاه بحساب پیش آمدهای تصادفی و نیک بختی های شخصی قلمداد کرد ولی بزرگی ملتی را که ۱۲۰۰ سال پایایی به عنوان بزرگترین پادشاهی از هند تا مصر با دادگری فرمانروایی کرده است، می توان تصادفی بشمار آورد؟ آیا این تصادفی است که کوروش ملتی را از اسارت بابل می رهاند و آزادی را به آنها



ژیسکاردستن

میهمان اداره روزنامه یدیعت

● سوء تفاهم بین دولت من و یهودیان فرانسه به آن صورت که شما تصور می کنید واقعیت نداشت

● در مقام ریاست جمهوری فرانسه هرگز دست بعملی مخالف امنیت اسرائیل نزدم

وشنیدید با آنچه قبلاً تصور می کردید تفاوت دارد؟

ج: در درجه اول باید بگویم زیربنای تشکیلات سیاسی واجتماعی وامینتی شمارابه مراتب بیش از آنچه قبلاً فکر می کردم پیشرفته وهمراه با برنامه های حساب شده یافتم، از طرفی کسی منکر دانش وفرهنگ گسترده تحرک قدرت وعظمت ارتش شما نیست. احاطه بسیار اسرائیلی ها ومشکلات منطقه مراتحت تاثیر فراوان قرارداد.

س: آیا به مسایل امنیتی هائیز بدروستی پی بردید؟

ج: تا حد بسیار بله، یکی از رهبران سیاسی شما بمن گفت: دوستان اسرائیل باید بدانند که نحوه خوداستقلال وامینت اسرائیل بابسیاری از کشورهای جهان تفاوتی فاحش دارد ومنباب مثال از فرانسه نام برد واضافه کرد شما فرانسویها در بعضی جنگ هاشکست خوردید وکشورتان به اشغال بیگانگان درآمد، اما آن شکست ها وحشی نفوذ دشمن در سرتاسر خاک فرانسه موجب محور نابودی

ج: اساساً هدفم از مسافرت به کشور شما تحقیق ومطالعه در زمینه مسایل سیاسی، اجتماعی وفرهنگی واستفاده از تجاربی است که اسرائیلی ها در مبارزه بامشکلات گوناگون بدست آورده اند بود. در این مورد باید به اختصار بگویم این دیدار برایم بسیار جالب ودرموردی حتی آموزنده بود، البته از هر فرصتی به منظور مذاکره وتبادل نظر با رهبران ودانشمندان واحیاناً مردم عادی استفاده کردم وباید بگویم در باره یکپارچگی مردم اسرائیل تصورات دیگری داشتم در حالیکه اکنون فکر می کنم خصوصیات اخلاقی واجتماعی ساکنان گالیل بامردم تل او یوفرق دارد وتل او یوی هائیز کمتر وجه مشترکی از نقطه نظر آداب وروحیات با اهالی حیرون دارند. اما از نقطه نظر لر این کشور در منطقه باید صراحتاً بگویم که اسرائیل به هیچ وجه وکیل یانماینده ومجری نظرات امریکا یارو پا درخاور میانه نیست، شما کشوری کاملاً جدا از بسیاری کشورهای جهان دارید وبعد بنظر می رسد به نابودی کشانده شوید.

س: باین کیفیت آیا آنچه را دیدید

● والری ژیسکاردستن از خاطرات خود در ارتباط با اسرائیل سخن می گوید:

... والری ژیسکاردستن که بین سال های ۱۹۷۴-۱۹۸۱ ریاست جمهوری فرانسه رابعهده داشت طی ده روز اقامت خود در اسرائیل بابسیاری از مردان سیاسی واز جمله رهبران اقلیت ودانشمندان آن کشور مذاکرات مفصلی بعمل آورد. در زیر متن قسمتی از مصاحبه ژیسکاردستن راباخبرنگاران روزنامه اسرائیلی یدیعت می خوانید:

سوال: ظرف مدت هفت سالی که در کاخ الیزه اقامت داشتید قطعاً مطالب بسیاری درمورد اسرائیل شنیدید یاخواندید، ممکن است اکنون که در حال ترک این کشور هستید بفرمایید آیا تفاوت هایی با آنچه در ذهن خود داشتید نیز مشاهده کردید؟ و آیا اساساً تغییری در عقاید شما نسبت به اسرائیل بوجود آمد یا نه؟



● از مناخیم بگین بکرات دعوت کردم به پاریس بیاید لکن او هر بار به نحوی دعوتم رارد کرد

● من برخلاف فرانسوا میتران
هرگز نام یک دولت فلسطینی را
به زبان نیاوردم

● امریکا آن طور که لازم است به اسرائیل کمک نمی کند

فرانسه از کجا سرچشمه می گرفت.

ج: لازم بیاد آوری است که من در سن ۴۸ سالگی به مقام ریاست جمهوری فرانسه رسیدم و صادقانه بگویم که اطلاعات و تجربیات درستی در زمینه مسایل پیچیده خاورمیانه نداشتم. تعجب می کنی اگر اعتراف کنم حتی با مسأله فلسطینی هابسیگانه بودم بهمان علت در حله اول تحقیق و مطالعه در اطراف مسایل منطقه را وجه همت قرار دادم و بدنبال آن بود که انقلاب سیاسی در اسرائیل پیش آمد و حزب لیکود قدرت را در دست گرفت و سپس موضوع کمپ دیوید بر سر زبانها افتاد و نظرات فرانسه مورد انتقاد دولت و رسانه های گروهی شما قرار گرفت. ما معتقد بودیم صلح در خاورمیانه باید جنبه عمومی داشته باشد و اسرائیل تنها در صدد رفع تیرگی قسمتی از صحنه بود. البته این یک امر طبیعی است که هر رهبر سیاسی علاقه مند است رهبران دیگر سیاست وی را تایید کنند اما واقع این است که ما بدون آنکه مخالفتی با اسرائیل داشته باشیم علاقه مند به شرکت سایر طرفهای درگیر و از جمله اردن و سایرین در کنفرانس کمپ دیوید بودیم. می گویند موضع ما موجب عدم شرکت ملک حسین در مذاکرات شد، این واقعیت ندارد،

شمانشد لکن اگر وضع مشابهی برای ما پیش بیاید بطور قطع و تعیین یکبار دیگر از روی نقشه جغرافیای جهان محو و نابود خواهیم شد. به آن سیاستمدار گفتم: تا آنجا که من اطلاع دارم و در زمان تصدی مقام ریاست جمهوری با بسیاری از رهبران صاحب نفوذ و قدرت جهان مذاکره کردم، از هیچیک نشنیدم که قصد تمایل نابودی شمارا در سر بپروراند و بخصوص از برژنف نام می برم که ضمن بحث و گفتگو در باره اسرائیل می گفت: ما هرگز به نابودی اسرائیل رضایت نخواهیم داد، البته من منکر این نیستم که در صورت یک درگیری بزرگ بین المللی ممکن است همسایگانان به پشتیبانی از شوروی و یها بشما حمله ور شوند لکن این نیز یک احتمال ضعیف و نامحتمل است. محققاً در صورت دخالت بیشتر اوضاع و امکان بکار بردن اسلحه های هسته ای وضع متفاوت خواهد بود معذراً آن نیز احتمال وقوع ضعیفی دارد.

س: تحولات اخیر سیاست امریکا در خاورمیانه را با در نظر گرفتن موضع شورویها چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: به اعتقاد من اولاً امریکا ظرف چند ماه آینده نیروهای خود را از لبنان فرا خواهد خواند (این مصاحبه قبل از خروج نیروهای امریکا از لبنان انجام گرفته است)، زیرا پرزیدنت ریگان تمایل بسیار به ادامه اقامت در کاخ سفید دارد و می خواهد محبوبیت بیشتری بدست آورد. او هم چنین برنامه خاورمیانه را مجدداً رو خواهد کرد اما لازم به یاد آوری است که در زیر بنای سیاست خود تغییری نخواهد داد و هرگز دست بکاری نخواهد زد که امنیت اسرائیل به خطر بیفتد. بنابراین از این پس با احتیاط قدم بر خواهد داشت.

اما در مورد شورویها تردید نداشته باشید که آنها همواره فکر نفوذ هر چه بیشتر در خاورمیانه را از خود دور نمی کنند و مایلند بیش از پیش در مسایل منطقه صاحب نفوذ باشند و صراحتاً می گویند هیچ نوع موافقت و سازش در خاورمیانه بدون دخالت و اراده آنان جامه عمل نخواهد پوشید. بر مبنای نفوذ در سوریه دستهایشان در لبنان آشکار است و همانطور که می بینید می توانند در بسیاری از خواسته های غرب اختلال کنند. رهبران کرم لین دخالت های نظامی در گرانادا و لبنان را ماجراجویی های خطرناک توصیف می کنند و شخصاً تصور می کنم در پیازود عکس العملی از خود نشان خواهد داد تا اذهان جهانیان را بیش از پیش متوجه حضور و قدرت خود در منطقه کنند.

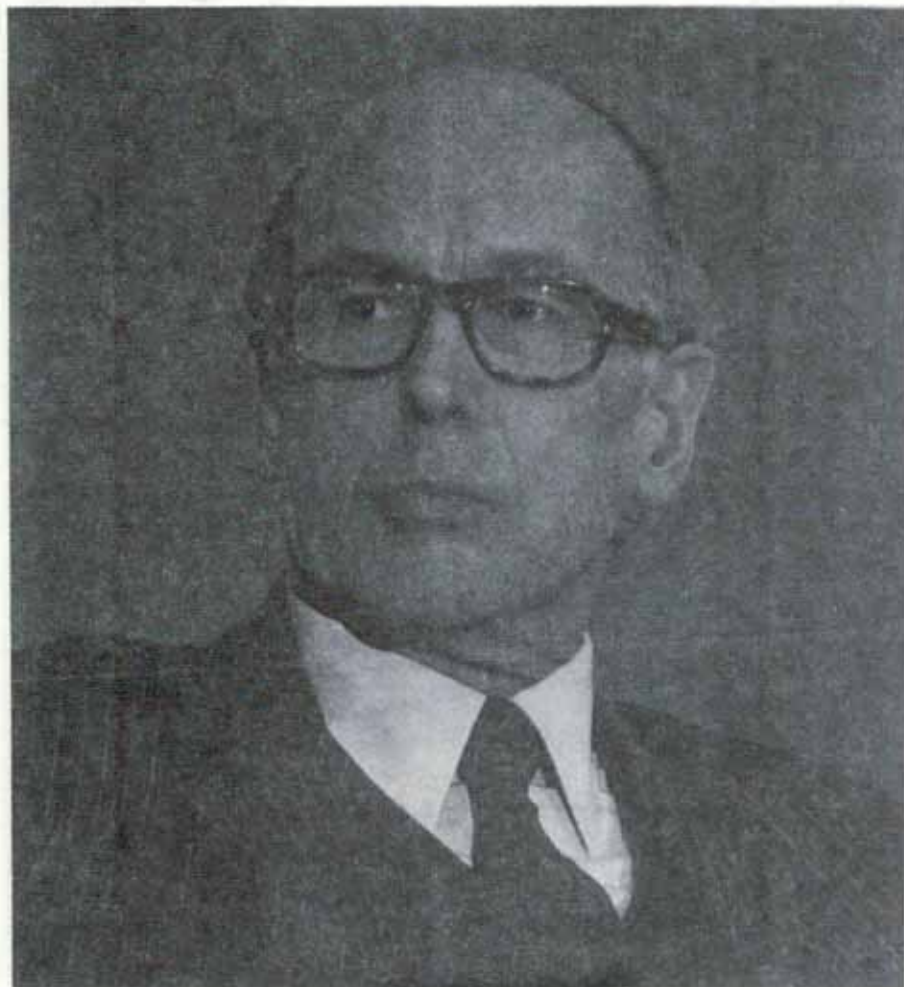
س: چرا به هنگام تصویری ریاست جمهوری از اسرائیل دیدن نکردند؟ سؤال دیگر اینست که سوء تفاهم بین شما و یهودیان

بهمان علت به منظور رفع سوء تفاهم از آقای بگین دعوت کردم به هنگام مراجعت از واشنگتن در کاخ الیزه میزبان او باشم و او باینکه در لندن توقف کرد به پاریس نیامد بعداً نیز درخواستم را تکرار کردم و او بانوعی بی اعتنائی در واقع بمیزان کدورتها افزود معذراً به ملاحظه آنکه روابط دو کشور به تیرگی بیشتری نرسد از آقای شمیر وزیر خارجه وقت و چند تن از رهبران اقلیت دعوت کردم شاید راه حل مشترکی پیدا کنیم و از تیرگی بیشتر روابط دو کشور جلوگیری بعمل آوریم.

س: در همان اوقات با موشه دیان نیز به تنهایی ملاقات داشتید و ظاهراً سؤال مشکلی را با او در میان گذاردید. ممکن است بگویند نظرات وی را چگونه یافتید.

ج: بله اطلاعات شما کاملاً درست است. ضمن مذاکره مفصل در زمینه روابط دو کشور به او گفتم صادقانه بگویند آیا هدف شما در کمپ دیوید فقط صلح جداگانه با مصر است؟ او با سادگی و خوشرویی پاسخ داد: مگر تردیدی هم در این مورد دارید؟ این راهم اضافه کنم که بعداً ترک مقام ریاست جمهوری بنیدار و ملاقات فرانسوا میتران با رهبران

یهودیان فرانسه در رفاه و آسایش کامل بسر می برند و هیچ مقامی در صدد سلب کوچکتري حقوقی از آنان نیست.



شماره اسرائیل امید فراوان بستم و اوراتاید کردم
تصور من این بود که همدردی بیشتری با اسرائیل
نشان خواهد داد اما ظاهراً چنان نشد و اکنون
نیز سیاست خاورمیانه ای وی راتاید نمی کنم.
س: بالاخره نگفتید موضوع سوء تفاهم
شما با یهودیان فرانسه از چه قرار بود.

ج: متأسفانه در این مورد اطلاعات شما ناقص
است. قطعاً باید بدانید که یهودیان فرانسه در رفاه
و آسایش کامل بسر می برند و هیچ مقامی در صدد
سلب کوچکتريين حقوقی از آنان نیست.
از سیاست های ضد یهودی نیز اثری
در کشورمان نیست. عده ای که تصور می کردند
سیاست خارجی ما بر مبنای بهره برداری از ثروت
کشورهای عرب علیه منافع و مصالح اسرائیل
است، همراه دولت شما مزایای انتقاد می گرفتند
قطعاً دچار اشتباه محض بودند. صادقانه می
گویم، من هیچگاه از یک سیاست مزورانه
پیروی نکرده ام و ثروت اعراب را اساس تمایل
خود به آنها قرار نداده ام و همواره طرفین را به
مذاکره و پیدا کردن راه حلی مسالمت آمیز
تشویق می کردم، بخصوص در گفتگو با سران
عرب بکرات برای آنها توضیح دادم که تنها صلح
و آشتی کلید راه موفقیت آنان بخصوص در راه رفع
مشکلات داخلی است و اما در مورد یهودیان
فرانسه آنها را نباید بدو قسمت مجزا از یکدیگر
تفکیک کرد. بخش اول یهودیان اصلی فرانسه
که از قرن دوازدهم به بعد در کنار مازیسه اند
و بخش دوم یهودیان مستعمرات سابق فرانسه.
لازم به یادآوری است که اکثر یهودیان مراکش
به اسرائیل مهاجرت کردند لکن تعداد بسیاری
از یهودیان الجزایر که باید اعتراف کرد صدمات
بسیاری از جنگ در آن سرزمین دیده بودند به
فرانسه آمدند و همین ها بودند که به نفع شما
و مخالفت با اعراب بدون توجه به سیاست کلی
فرانسه از خود عکس العمل های مختلفی نشان
دادند.

س: گفتید با بعضی از رهبران محافظه
کار عرب ملاقات هایی داشتید، آیا آنها
خواستار راههای مسالمت آمیز در رفع
اختلافات منطقه اند؟

ج: قطعاً می خواهید نتیجه گیری کنید که
آنچه رهبران نامبرده با من در میان گذارده اند
با آنچه به ملت هایشان می گویند دوتا است
و یاد اصطلاح سیاسی بادوزبان سخن می
گویند. اجازه بدهید صراحتاً بگویم که این
خاص رهبران عرب نیست بلکه خصالت ذاتی
تمام رهبران جهان است. به هر کیفیت باید
بگویم در مرحله اول ملک حسین دوست
صمیمی من بهترین و شایسته ترین رهبر عربی

است که هنگام بحث و گفتگو با شماست، البته
فراموش نکند که او در درجه اول به ثبات و امنیت
کشور خود می اندیشد و سپس در فکر منطقه یهودا
و شومرون است. ملک حسین یک سال قبل
در صدد گفتگو با اسرائیل برآمد اما نتوانست
موافقت و پشتیبانی یا سرعرفات را بدست آورد.
در باره سعودیها گرچه آنها حرارت همسایگان
هم مرز شما در مسایل مورد اختلاف ندارند اما بهر
صورت نوعی سازش را به جنگ و خونریزی ترجیح
می دهند و مشکل اساسی آنها موضوع بیت
المقدس است.

س: اکنون روابط فرانسه و اسرائیل
را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج: ما فرانسوی ها اساساً طرفدار حسن روابط
با اسرائیل هستیم اما تنها مانع عمده، دو مسأله
فلسطین و لبنان است.

س: آیا در طول مدت ریاست جمهوری
بر خلاف تمایلات و احساسات باطنی خود
تصمیمی بر علیه مصالح کشور ما گرفتید؟

ج: هرگز دست به چنین کاری نزد
و هیچگاه تصمیمی مخالف امنیت شما اتخاذ
نکردم. منیاب مثال باید بگویم، انور سادات
مذاکره در اطراف بدست آوردن تعدادی موشک
زمین به زمین از صنایع خصوصی فرانسه را بپایان
رسانده بود که من به محض اطلاع از جریان
دستور ابطال معامله را صادر کردم زیرا می دانستم
این موشک ها روزی به طرف اسرائیل شلیک
خواهند شد در حالیکه شما می دانید از گذرگاه آن
چه پول قابل ملاحظه ای عاید کشور ما می شد.

س: زمانی عده ای از تروریست های بین
المللی مرکز عملیات اروپایی خود را در فرانسه
قرار دادند. ممکن است بفرمایید

چرا در مواردی از تنبیه آنان صرف نظر کردید؟

ج: شما بهتر از هر کسی می دانید که مبارزه با تروریست راه سهل و ساده ای نیست، معذراً ماموران ماتوفیق های بسیار در مبارزه با تروریست بدست آوردند و صدمات حاصله از آن راجع اقل رساندند، هم اکنون نیز چند تروریست در زندان های ما هستند.

س: اما چرا بوداود رابدون محاکمه آزاد کردید؟

ج: دولت ما مطیع رأی دادگاه عالی فرانسه است و وقتی دادگاه عالی دستور آزادی نامبرده رابدون محاکمه صادر کرد چاره ای جز تسلیم نداشتیم.

س: با خلاصه نگفتید آیا دیدار از اسرائیل موجب تغییراتی در نظرات و عقاید شما نسبت به این کشور شده یانه؟ و چه تدبیری رابه منظور حل مشکلات منطقه مناسب می دانید؟

ج: در مرحله اول باید بگویم همدردی و همگامی لازم بین اسرائیل و فرانسه وجود ندارد و این راباید حتماً در فکر چاره بود. در مورد مسایل منطقه من همچنان بر سر حرف و عقیده خود ایستاده ام و تاکید می کنم، تا وقتی فلسطینی ها را در مذاکرات شرکت ندهید کاری از پیش نخواهید برد البته من هیچگاه از یک دولت فلسطینی نام نبرده ام و همواره گفته ام زادگاه فلسطینی ها و یا سرعزفات رانیز هیچ وقت مورد تحسین و تمجید قرار نداده ام در حالیکه جانشین من فرانسوا میتران که شما او را دوست امین و صمیمی خود می دانید هم نام از یک دولت مستقل فلسطینی می برد و هم به حمایت و تشویق از عزففات می پردازد. در مورد حفظ امنیت و استقلال اسرائیل البته تضمین دولت های بزرگ رانباید سرسری گرفت. نکته ای را که باید حتماً یادآور شویم نیز این است که امریکا باید بیش از دوستان ارو پای شمارا دریابد اما به نظر من آنها آنطور که باید و شاید اسرائیل راپاری نمی دهند و نسبت به احتیاجات ضروری شما واقع بین نیستند.

س: بزودی با ملک حسین گفتگو خواهید داشت آیا از رهبران اسرائیل پیامی برای او دارید؟
ج: محققاً آنچه را اینجا دیده و شنیده ام برای او بازگو خواهم کرد و امیدوارم بتوانم کاری در راه صلح و آرامش منطقه انجام دهم. در دسر این است که هر کس نام فلسطین رابه زبان می آورد مورد خشم و غضب شما قرار می گیرد بنابراین چگونه می توان از من یاسیاستمدار دیگری انتظار داشت که عامل اساسی در راه این بحران باشد؟ می شود فقط طرفین را تشویق به مذاکره نمود. باید به هر حال ابتکارهای تازه ای به خرج دهید، باتشکیل فدراسیون و غیره شاید بتوان کاری کرد،

عده ای از رهبران شما تصویری کنند که می توان با همه این اشکالات به زندگی ادامه داد. به شما می گویم این اشتباه است. آنچه راماز الجزایر آموختیم شما از مسأله فلسطین بیاموزید اگر چه بین دولت تفاوت های آشکار به چشم می خورد.

س: شما سال های دراز در پشت وزارت دارائی فرانسه بودید و اکنون اگر فرضاً از بخت بد وزارت دارائی اسرائیل رابه شما سپارند چه راه حلی برای رفع مشکلات اقتصادی ما ارائه خواهید داد؟

ج: سؤال مشکلی است. محققاً شما بحرانی ترین دوران استقلال خود را می گذرانید. باید

بگویم هر روز مالیات تازه ای وضع کردن چاره رفع دور نیست. سرمایه داران باید سرمایه های بیشتری در راه تولید بکار اندازند، مردم باید سطح توقعشان رابا توجه به اوضاع و احوال جهانی پایین تر بیاورند، و از عالم تخیلات خارج شوند و در مبارزه با بحران اقتصادی همگامی و همکاری بیشتری با دولت نشان دهند و ضمناً دولت باید اصل صرفه جویی در هزینه های عمومی را در صدر برنامه های اقتصادی قرار دهد و تا آنجا که ممکن است از رواج بوروکراسی بکاهد.

ترجمه: سیروس حلاوی

تسلیت

بانهایت تأسف اطلاع یافتیم که آقای اسحاق مراد که سالها در امور اجتماعی در ایران و اسرائیل فعالیت داشته اند اخیراً در اسرائیل بدرود حیات گفته اند. فدراسیون یهودیان ایران درگذشت این رادرمرد رابه بازماندگان آن شادروان صمیمانه تسلیت می گوید.

تشکر از دو وکیل عالیقدر و انسان دوست

بدین وسیله از محبت های بی دریغ و زحمات خستگی ناپذیر سرکار خانم رانی دویج و همکار گرامی ایشان آقای دان کورن برگ که در نهایت صفا و صمیمیت نسبت به پرونده کارت سبز این جانبان و تعداد بیشماری از هموطنان عزیز اقدام نموده و در اسرع وقت موفق به اخذ نتیجه مثبت شده اند سپاسگزاری می نمایم.

الیهوداداش کلیمی و خانواده

حق اشتراک مجله شوفار

خواهشمند است مبلغ ۳۶ دلار بابت اشتراک سال ۱۹۸۴ مجله شوفار رابه ضمیمه این پرسشنامه برای فدراسیون یهودیان ایرانی ارسال فرمایند.

Name _____

Address _____

Tel. No. _____

IRANIAN JEWISH FEDERATION

6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, CA 90048

دنیای عرب

دنیایی که در دسر آن برای جهان هیچگاه

تمام شدنی نیست

از اقیانوس اطلس گرفته تا خلیج فارس بیست و یک دولت عربی با نظرات و عقاید مختلف و توقعات متفاوت وضعی بوجود آورده اند که برقرار صلح را درخواهر میانه غیرممکن ساخته است.

دنیای وسیع عرب ناحیه ای است بادشواری ها و در دسرهای تمام نشدنی با اهمیتی حیاتی برای غرب و در حال جنگ وجدال بایکدیگر که ممکن است ابرقدرتها بخاطر این ناحیه ناگزیر شوند که بایکدیگر رو برو شوند و در مقابل یکدیگر مسلحانه صف آرایی نمایند یا حداقل منافع و شکوفائی یکدیگر را به خطر بیندازند. این دنیا دنیایی است وسیع با تضادهای فراوان و دشواریهای بی امان. از یک طرف کمپ های وسیع پناهندگان، از طرف دیگر کمیوتراهی های آخرین سیستم، از جانب دیگر زنان پنهان شده در زیر چادر مانند چندین صد سال قبل و از طرفی زنهای شیک و آرایش شده بالباس های آخرین در این دنیای وسیع در جوار یکدیگر زندگی می کنند. بیست و یک دولت عرب که از ساحل اقیانوس اطلس تا بابل سابق در عراق پراکنده شده اند و جمعیتی در حدود ۱۲۰ میلیون نفر را تشکیل می دهند که فقط از لحاظ زبان و مذهب وجه مشترکی بیش ندارند. اختلاف و مجادله این اقوام بایکدیگر مانند اخبار روز بطور دائم جریان دارد.

اولین بحران نفتی که جهان با آن رو برو گردید توسط اعراب تولید کننده نفت در سال ۱۹۷۳ بوقوع پیوست. این روزها بحران لبنان و قضیه سپاه صلح در آنجا همین در دسر را برای

غرب بوجود آورده است. برای اکثریت امریکاییها «اعراب» اداره کنندگان ماشین های جنگی و تربیت کننده و تعلیم دهندگان تروریسم بین المللی که از پشت خنجر می ززند و ناجوانمردانه با تله انداختن به افراد و مقامات ضربت وارد آورده و مستبدانه مملکت خویش را اداره می کنند و کینه ای علاج ناپذیر نسبت به اسرائیل داشته و متعصبی سرسخت و خونخواری باشند که رهبران و اداره کنندگان خونخواری بر آنها حکومت می کنند. معذرتا تمام این



تفصیل، فرقه های مختلف عرب، با آداب و رسوم متفاوت و معتقدات مذهبی و سیاسی مختلف و تعصبات بیجا و عدم متابعت از موازین زندگی جدید ماعده ای با سرعت هر چه تمامتر بسوی تعالی و ترقی و زندگی نوین و تسهیلات جدید گام برمی دارند و از نعم تمدن جدید برخوردار می گردند. مجله دوگلاس داتسن در جریان مسافرتی که از دنیای عرب و تماس با تمام این طبقات مختلف قوم عرب از بازارهای سر پوشیده و زنان چادری و زنان متجدد عرب که درارو با و امریکا بر می برند بعمل آورد می گوید که شانس و احتمال آنکه این فرقه های مختلف بتوانند روزی بایکدیگر توافق حاصل نمایند و اختلافات خود را برطرف سازند تقریباً وجود ندارد.

اسرائیل: تبرک شده و نفرین شده
در دنیای وسیع عرب دولت کوچک و لاغر اسرائیل یک قدرتی عظیم و متشکلی به حساب می آید. یک دیپلمات امریکایی می گوید: اسرائیل برای اعراب هم تبرک شده و هم نفرین شده به حساب می آید. تبرک شده به علت آنکه مسبب آن شده است که اعراب تاحدی بایکدیگر بسازند و دور هم جمع شوند و بایکدیگر متحد شوند. نفرین شده از جهت آنکه وجود او نشان دهنده و مبین بی اثر بودن فعالیت آنان بوده است. از این جهت مورد سرزنش واقع می شود که اعراب تصور می کنند که این کشور سبب رکود و کساد و عدم پیشرفت امور اقتصادی اعراب می باشد، و مانع از آن است که اعراب بتوانند موازین دموکراسی را در مملکت خود پیاده کنند و رفورم های لازمه را به مورد اجرا در آورند و با غرب روابط دوستانه برقرار نمایند. به علت قدرت نظامی عظیم اسرائیل اعراب معتقدند که باید مقدار زیادی از پول خود را صرف تهیه مهمات و خرید اسلحه از دول غرب بنمایند بجای آنکه این پولها صرف پیشرفت امور اقتصادی و بهبود وضع آموزش و زندگی اعراب گردد. سوریه کشوری که به تنهایی جمعیتش یک ششم جمعیت فرانسه می باشد تعداد تانگ های که در ارتش خود دارد دو برابر تعداد تانگ های ارتش فرانسه می باشد و طبق گزارش دول غرب بالغ بر چهار هزار تانگ می گردد. هیچیک از دول عرب هنوز به رشد

و پایه اصلی و نمو سیاسی برای احراز استقلال کامل نرسیده است. هنوز در هیچیک از ممالک عربی یک انتخابات صحیح طبق موازین دموکراسی صورت نگرفته است که بتواند تغییرات اصولی در طرز حکومت این اقوام بوجود آورد و بازنده ای نباشد که بابت ترین موارد اذیت و آزار و شکنجه قرار نگرفته است. اختلاف و تیرگی روابط بین اسرائیل و اعراب اصولی ترین و مهمترین دلیل این عقب افتادگی به حساب می آید و همواره دول عرب این موضوع را مستمک قرار می دهند، و بدان توسل می جویند. رهبران و سران مستبد و مطلق العنان این ممالک می دانند بهترین وسیله برای حفظ رهبری خود جلوگیری از برخورداری ملتشان از موازین دموکراسی و رفورم های اجتماعی و ایجاد ترس و وحشت در دل اعراب از موجودیت اسرائیل و قصد تجاوز به سرزمین آنها است. رهبران عرب این فکر را بهر وسیله و با قدرت هر چه تمامتر در جامعه عرب تشویق و ترغیب می نمایند. سیاست دول عرب بر روی این ضرب المثل قدیمی استوار است که «دوستان دشمنان، دشمنان ماهستند» و دول عرب با پیروی از این اصل و برای مبارزه با اسرائیل تمام کمپانی هایی را که با اسرائیل روابط تجارتي داشته باشند تحریم نموده و در تجارت با اسرائیل آنان را منع می نمایند. در ضمن وضع موجود و این سیاست پیروی شده توسط دول عرب سبب ایجاد خصومت و دشمنی با دولت امریکا در جریان سی سال اخیر بوده است که همواره با اسرائیل روابط دوستانه داشته و از لحاظ اقتصادی و نظامی هم به این دولت کمک های قابل توجه نموده است، در حالی که این کشورها ترس و وحشت فراوان و زائد الوصفی از رژیم روسیه شوروی کمونیسم و مارکسیسم دارند. بدون شک این وضع و موقعیت به این زودی ها تغییر نخواهد کرد ولی معهذاً بعضی از علائم و شواهد امیدوارکننده ای بنظر می رسد. یکی آنکه دول عرب دریافتند که اسرائیل به تنهایی یگانه دولتی نیست که دنیای عرب را مورد تهدید قرار داده باشد. چند سال پیش دولت عراق برای اتخاذ تصمیمات نظامی بر علیه اسرائیل پیشقدم گردید ولی در حال حاضر بغداد با ایران در جنگی نافرجام درگیر است و تعصبات شدید ضد

امریکایی خود را کنار گذاشته و با شوقی وصف ناپذیر از یک هیأت عالی رتبه امریکایی استقبال شایانی بعمل می آورد و دلیل این امر همان جنگ فرساینده و بی امان عراق با دولت مسلمان غیر عرب ایران می باشد. یک موضوع امیدوارکننده نیز مسأله وضعیت اعراب میانه رومی باشد که مایلند روشی مسالمت آمیزتر و آشتی پذیرتری با اسرائیل در پیش گیرند و با این دولت در حل مسأله فلسطینی ها همکاری کنند و کنار بیایند. خانواده های لبنانی که در حملات هوایی جنگ لبنان فرزندان خود را از دست داده اند نمی توانند خاطره عزیزان از دست رفته خود را فراموش کنند ولی تجار و اشخاصی که در این میان با تجارت با اسرائیلی ها سود برده اند با این وضع تن داده و اذعان دارند که معهذاً این دشمنی که جنبه انسانی داشته و بسود لبنان بوده است. دشمنی اعراب و یهود یک خصومت نژادی نیست زیرا که این دو قوم هردو نژاد سامی می باشند و لغت «انتی سمیت» در خیابان های قاهره و کویت کمتر از بعضی شهرهای امریکا بگوش می خورد. اختلاف اصلی بین این دو قوم یکی موضوع زمین و دیگری موضع بین المقدس است که برای هر دو قوم مقدس و مورد احترام می باشد. سالها لازم است تا بتوان این دو مسأله غامض را حل کرد حتی اگر بحران های جدیدی هم اجتناب ناپذیر باشد. بیت المقدس که یکی از مراکز مقدسه و متبرکه و مورد احترام و علاقه تمام مذاهب یهود است - مسیحیت و اسلام می باشد حساس ترین موقعیت و دشوارترین مسأله مورد

اختلاف می باشد که سیاستمداران معتقدند که در حال حاضر باید موضوع بیت المقدس را کنار بگذارند تا بعداً پس از حصول بهبودی اقتصادی و پیشرفت و بوجود آمدن یک اتمسفر مناسبتری برای مذاکره و توافق مورد بحث واقع شود.

از سال ۱۹۴۸ که دولت اسرائیل استقلال یافت در پنج جنگ متوالی با اعراب درگیر بوده و اکنون به اغلب دول عرب ثابت شده است که آنها نمی توانند قوم یهود را بدریابریزند ولی معهذاً ترس و کینه از اسرائیلی ها احساس دول عرب را بر علیه اسرائیل برانگیخته است و در حال حاضر از رو برو شدن مسلحانه با اسرائیل جلوگیری می نماید و این موضوع خود در درسی عظیمی درده سال آینده برای جهان عرب بوجود خواهد آورد.

ابرقدرتها از نظر دنیای عرب - دنیای عرب
 امریکا را بر روسیه شوروی ترجیح می دهد و آنرا بهتر می داند. با وجود تمام گرفتاریها در خاور میانه و مخصوصاً در مورد مسایلی که پای اسرائیل بمیان می آید دنیای عرب احساسات بهتری از امریکا نسبت به شوروی در خود احساس می کند و بیشتر مایلند با امریکا کنار بیایند و سازش نمایند. چند عامل در این موضوع موثر است. یکی آنکه اغلب ممالک دنیای عرب به امریکا باینده احترام آمیز و تحسین آمیز نگاه می کنند چه از لحاظ موقعیتها و فرصت های شایسته و مناسب برای پیشرفت در اغلب جهات مایلند از امریکا پیروی نمایند چه امریکا را دنیای آینده آل خود می دانند و آرزو می کنند روزی فرارسد که جامعه دنیای عرب نیز به پای امریکا برسد. هزاران هزار افراد دنیای عرب برای دریافت کارت سبز و مهاجرت به امریکا اقدام نموده اند. در حال حاضر اعراب امریکایی یکی از پیشرفته ترین اجتماعات اقلیت ها را تشکیل می دهد. نداشتن مذهب رسمی و آزاد و اذیت پیروان مذاهب مختلف در روسیه برای دنیای عرب که سخت پای بند به مذهب اسلام می باشند و شبانه روز سه مرتبه برای ادای نماز و سجده کردن اقدام می نمایند غیر قابل تحمل است. اغلب تجار و کاسب کاران تعاملی برای تجارت و خرید و فروش امتعه روسی ندارند و هر چند تعدادی از دانشجویان به کمونیسم روی آورده اند ولی کشورت آنان به فرا گرفتن زبان



انگلیسی اقدام نموده اند تا بتوانند شغلی در مراکز غربی برای خود دست و پا کنند. یک عامل دیگر آنست که امریکا در ناحیه نفوذ دارد و از خود فعالیت نشان می دهد و دست به اقداماتی می زند در حالی که روسیه شوروی در تمام مبارزات لبنان کوچکترین قدم مثبتی برنداشت و حتی هنگامی که ارتش اسرائیل برای مدت کمی در سال ۱۹۸۲ به سفارت شوروی در بیروت وارد شد اقدامی ننمود و در مورد جنگ بین فرقه های مختلف فلسطینی سازمان آزادیبخش فلسطین و فلسطینی هایی که مورد حمایت سوریه قرار گرفته بودند کوچکترین اقدامی به نفع سازمان پی.ا.ا.و. بعمل نیاورد. دنیای عرب همواره شوروی ها را مردمی روستایی کوچک و بی ارزش و خشن می دانند در حالی که امریکاییان را مردمی با ارزش بیشتر و متین تر و نرمتر دانسته که مدارس و دانشگاهها و بیمارستانهای آن مورد احترام و علاقه آنان می باشد و همه ساله تعداد زیادی از دانشجویان و جوانان آنها برای ادامه تحصیلات و تجسبات علمی خود بدانجا روی می آورند. اعراب متقاعد شده اند و اذعان دارند که واشنگتن همچنان به کمک های خود به اسرائیل ادامه خواهد داد و بقول اسرائیل راپنجاه و یکمین ایالت امریکا می دانند معهدا اعراب مایلند درهای خود را برای امریکا بیش از روسیه شوروی باز بگذارند و با وی روابط دوستانه برقرار نمایند.

بنیاد گران - «قدرتی که روز بروز عظیم تر می شود»

یکی از خطرناکترین و پردر دسترترین قدرتی که دنیای غرب و مقامات امریکایی و حتی خود اعراب را تهدید و گرفتار کرده است فرقه (متعصبین و بنیادگرایان مذهبی) می باشد. این فرقه که از مردمانی متعصب تشکیل شده پیر و مکتب اجتماعی و سیاسی است که برنامه خود را مخالفت با غرب اعلام نموده است. اسلام مذهب سیاست را از هم جدا نمی داند و این هردو بایکدیگر به پیش می روند. بدین معنی که سیاست نیز در دست روحانیون می باشد و بهمین مناسبت صد هاسال روحانیون بنام خلفا بر ممالک اسلامی حکومت کرده اند که هم مذهب را در مسجد رهبری می نمودند و هم سپاهیان را در میدان جنگ. نمونه بارز این موضوع نماز جمعه است که در روزهای جمعه که برای مسلمانان روز مقدسی است در مساجد ترکیبی از مذهب و فعالیت های سیاسی دیده می شود. تروریست ها به ارتش اسرائیل در جنوب لبنان حمله می کنند به امید آنکه اگر کشته شدند

مستقیماً به بهشت بروند. در جهاد اسلامی یعنی جنگ مقدس بر علیه کفار شرکت می نمایند و معتقدند که به بهشت می روند. شدیدترین و متعصب ترین افراد این فرقه شیعه های مسلمان هستند که رسالت آنها برای خود قائلند که بر علیه متصرف و اشغال گر مبارزه نمایند. غم انگیز ترین افراد این دسته جوانان مسلمانی هستند که در اراضی مین گذاری شده در سرحدات عراق قدم می گذارند با الله و اکبر گویند. راه را برای پیشرفت و عبور ارتش هموار سازند و مستقیماً وارد بهشت موعود شوند. حاملین بمب اندازی مانند افرادی که با اتومبیل حامل مواد منفجره به اقامتگاه ملوانان امریکایی و فرانسوی و اسرائیلی حمله بردند و جایگاه آنان را ویران کردند و چنین کشت و کشتاری بوجود آوردند از همین فرقه می باشند. هنوز در بعضی از ممالک اسلامی قانون قصاص اجرا می شود. در عربستان سعودی و سودان طبق شریعت اسلام جنایتکاران و خلافکاران را با قطع دست و پا و گردن زدن مجازات می نمایند. هزاران هزار از زنان عرب که در سابق آرایش می نمودند در حال حاضر از ترس این فرقه ناگزیرند صورت خود را با نقابی بپوشانند و اقدام به آرایش نمایند. بیست درصد از مسلمانان شیعه می باشند و هشتاد درصد دیگر سنی هستند. اکثریت مسلمانان شیعه در ایران و لبنان و پاکستان زندگی می کنند. چیزی که از لحاظ دول غرب حائز اهمیت است اختلاف شدید بین این دو فرقه و عدم وجود هم آهنگی بین خط مشی سیاسی این دو گروه بایکدیگر می باشد.

سنی های پیشرفته تر ولیبرال تر از شیعه ها بوده و به موازین و شرایط زندگی امروزی بیشتر تمایل دارند. شیعه ها معمولاً فقیر و تحصیلاتی نداشته و بیشتر تندرو و متعصب می باشند. در بین فرقه شیعه اغلب افرادی پیدا شده که به مبارزه با سنی ها برخاسته و اغتشاشات و انقلاباتی در ممالک عربی بر علیه رهبران این سنت بر پا نموده اند. در ایران غیر عرب، انقلاب اسلامی تأثیر زیادی بر روی دولت های خاورمیانه عربی برجای گذاشته است. هیجانان ضد امریکایی مردم و اینکه مردم را متقاعد ساخته اند که تمام بدبختی ها و نابسامانی های اسلام مربوط به دولت امریکا و متحدین غربی وی می باشد، نفوذ این فرقه را افزایش داده و برای دول عرب میانه رو و اقتصاد جهان غرب مخاطره فراوان بوجود خواهد آورد.

فلسطینی ها - مرکز آشوب و فتنه

دنیای فلسطینی ها از نظر اکثر امریکایی ها از یک مشت تروریست و یک عده پناهندگان بی سرو سامان تشکیل شده است در حالی که

قسمت اعظم از فلسطینی ها به هیچکدام از این دودسته وابسته نیستند. بیش از هر قوم عرب مقیم دنیای عرب فلسطینی ها افرادی تحصیل کرده اند که مدارج دانشگاهی را طی نموده و شاغل پست های بسیار حساس در تجارت و صنعت می باشند و معمولاً تعداد زیادی از آنان کارگر متخصص و مهندس می باشند که در وضعی قرار گرفته اند که هیچگاه خود مایل نبوده اند بدان گرفتار باشند. متأسفانه این افراد با سواد و تحصیل کرده اغلب افرادی هستند که سیاست ضد اسرائیلی و ضد امریکایی را انتخاب نموده اند بطوریکه گاهی اختلافات بین خود آنها منجر به کشت و کشتار و مجادله و دعوا می گردد.

اکثریت قریب به اتفاق از چند ملیون جمعیت فلسطینی که در حال حاضر در ممالک مختلف زندگی می کنند هنوز در سال ۱۹۴۸ و پایان یافتن تسلط انگلیس بر فلسطین بوجود آمدن دولت اسرائیل متولد نشده بودند و از فرزندان و نواده های افرادی هستند که در اولین جنگ بین اسرائیل و اعراب در ۱۹۴۸ از منازل و محل سکونت خود فرار نموده و بسایر ممالک عرب پناهنده شده اند. رهبران غرب از این فرقه پشتیبانی می نمایند و آنانرا به داشتن یک سرزمین مستقل محق می دانند در حالی که هنوز حتی یک دولت عرب حاضر نشده است یک مایل مربع اراضی خود را به این پناهندگان برای اقامت دائم واگذار نماید که در آنجا وطنی برای فلسطینی ها تشکیل دهد.

اسرائیل هم بنسب خود با خواست دول عرب در برقراری یک حکومت خود مختار فلسطینی در سواحل غربی اردن بشدت مخالفت می نماید و این موضوع را حاصل برابری بین رفتن امنیت در سرحدات خود تلقی می نماید. بعضی از سیاستمداران معتقدند که یک دولت فلسطینی باید در اردن که بیش از نصف جمعیتش فلسطینی است تشکیل شود چه فلسطینی در حقیقت قسمت اردنی فلسطین سابق به حساب می آید. سه چهارم از فلسطینی ها در خاورمیانه اقامت نموده و بقیه به امریکای لاتین یا امریکا مهاجرت نموده اند. تعداد زیادی از فلسطینی ها زندگی خوش و راحتی را در اردن و در سواحل خلیج فارس بعنوان متخصص و کارگرماهر، مهندس، معلم و بانکار می گذرانند. ۷۳۳۰۰۰ نفر فلسطینی در حال حاضر در کمپ پناهندگان در اردن، لبنان، سوریه، سواحل غربی رود اردن و غزه بسر می برند و عده ای هم که از مهارت مخصوصی برخوردار نیستند در خارج به کارگری پرداخته اند. عده ای هم حاضر نیستند در هیچ جایی جز مملکت موروثی خود اقامت بگیرند و تعدادی هم کمپ ها را محل تربیت تروریست نموده اند و تروریسم را به سایر نقاط جهان صادر می نمایند.



باید دانست که نفت سبب ثروتمند شدن تمام ممالک عربی نشده است ولی سبب آن شده که در دسر طولانی برای جهان غرب بوجود آورد.

وضع اجتماعی

در هیچ نقطه از جهان زندگی افراد مانند زندگی اعراب شاهد تغییراتی چنین سریع و محسوس نبوده است. تازه سال پیش اعراب از چاه آب استفاده می کردند در حالی که در حال حاضر در تمام شهرها از آب لوله کشی استفاده می شود و حتی تهویه مطبوع در اکثر منازل کشورهای ثروتمند عرب دیده می شود. فرزندان مردمی که جز فرا گرفتن چند آیه از قرآن در مکتب خانه ها کار دیگری نداشتند و کتاب دیگری خواندند به دیدن برنامه های تلویزیونی، کشتی تفریحی، و داینامی مشغول می باشند. هنوز عده ای از اعراب به زندگی در چادرها ادامه می دهند و گوسفندان خود را برای چرابه بیابان هادی برزند ولی از سوی دیگر در آینده ای نزدیک یک کارخانه پتروشیمی آخرین سیستم در عربستان سعودی، آسمان خراشها در سوریه و جاده های وسیع «فری وی» در مراکش و هتل های ۵ ستاره در شهرهای مختلف این ممالک در جریان ساختمان واحداث است. تغییرات اجتماعی وسیعی با وجود موانع مذهبی در جریان است. در مورد ازدواج و انتخاب همسر مانند قدیم نادیده و ناشناخته صورت نمی گیرد بلکه طرفین قبل از ازدواج یکدیگر را می بینند و بایکدیگر معاشرت می نمایند. زنان که از ادامه تحصیلات عالی محروم بودند امروزه دانشگاهها راه یافته اند. در قاهره زنان برای کنترل موالید قرصهای ضد بارداری در قیاب شوهرشان مصرف می نمایند. این تمایلات شدید برای پیوستن به زندگی جدید غربی اسباب نگرانی بعضی از مقامات دولتی و مذهبی را فراهم نموده است.

ترجمه و اقتباس - دکتر باروخ بروخیم

دیده می شود و اختلاف بین غنی و فقیر فوق العاده زیاد است. ملل قوی چندان دلسوزی و تفقدی نسبت به ملل فقیر نشان نمی دهند. در قاهره با وجود عواید نفتی که پس از واگذاری سینا از طرف اسرائیل به مصر که برای این مملکت تامین شد معهداً سالیانه مبلغ ۲ بلیون دلار کمک امریکا توانسته است وضع مردم را از لحاظ مسکن و بوجود آوردن کار برای بیکاران و افرادی که شب رادرنیابان ها بیطوطه می کنند فراهم نماید. با وجود تمام مساعی که برای بسط و توسعه کشاورزی و صنایع غیر نفتی بعمل می آید وضع اقتصادی دنیای عرب برای سالهای آینده هنوز وابستگی به نفت خواهد داشت. اگر تولیدات نفت در ممالکی نظیر عربستان سعودی، کویت، الجزایر، قطر، فنر و نیشیند و نقصان باید در این صورت این ممالک با کسر بودجه عظیمی روبرو خواهند شد و مخصوصاً ضربه محکمی به ممالکی که از منابع نفت محروم می باشند زندگی آنها وابسته به ممالک صادرکننده نفت از لحاظ کارگر و کمک مالی و غیره می باشد وارد خواهد شد. اعراب امیدوارند که فنر و نیشین صادرات نفت دائمی نخواهد بود مخصوصاً در آرزوی رسیدن زمانی هستند که مجدداً امریکا ساخت اتومبیل های بزرگ را مجدداً آغاز نماید و در دسر و گرفتاری انرژی هسته ای در صنعت سبب ترقی قیمت و افزایش مصرف نفت گردد.



چیزی که بیش از هر چیز موجب بدنامی فلسطینی ها شده و تضادی در بین دست جات مختلف بوجود آورده است وجود ۱۳۰۰۰ تروریست در بین سازمان آزادیبخش فلسطین است که خود را «جنگجویان آزادی» نام نهاده اند. اسرائیل بنوبه خود تمام این سازمان ها را بعنوان قاتل یا تروریست تلقی می نماید که دائماً محل آسایش ساکنین سرحدات اسرائیل را فراهم نموده اند و هیچگاه حاضر نیست فرقه های مختلف فلسطینی را به رسمیت بشناسد و با آنها وارد مذاکره گردد. فلسطینی ها نیز که از طرف سوریه حمایت و پشتیبانی می شوند و رهبران آنها از سوریه الهام می گیرد کاملاً با هرگونه مذاکره و صحبت با دولت اسرائیل مخالفت می ورزند.

نفت

هیچ عاملی در دنیای عرب موثر تر و با نفوذ تر از ثروتی که در این ممالک از راه فنر و نفت انباشته شده نیست. منابع نفت بعضی از ممالک عربی را بطرز وحشتناکی ثروتمند کرده است و با وجود یکسال رکود در بازار نفت و تنزل قیمت و تقلیل تولیدات معهداً درآمد سالیانه در عربستان سعودی نزدیک به ۱۶۰۰۰ دلار است در حالی که درآمد سرانه در امریکا ۱۳۰۰۰ دلار می باشد. موجودی دلاری بعضی از ممالک عربی بقدری است که اگر تصمیم بگیرند این مبالغ را در بانک ها جابجا نمایند وضع مالی بین المللی را دگرگون می نمایند و برهم می زنند ولی فقط ۸ دولت عربی تولیدات نفتی آنها به این اندازه قابل ملاحظه و موثر می باشد. بعضی از این ممالک که جمعیت زیاد دارند مثل مصر اساساً فقیر مانده اند. ممالک عربی بدون نفت هم مانند سایر ممالک جهان سوم زیر بار قرض های کمر شکن رنج می برند و دست و پامی زنند و دچار تورم و رکود اقتصادی و مالی می باشند. بطور کلی اختلاف طبقاتی شدیدی در تمام ممالک عربی



روزیکه پدرمرد

روزیکه پدرمرد، باران سختی می بارید. برادرم گفت «گویس آسمان هم می گرید». درسوک مرگ پدر، آسمان هم می گریست حق بود. از بهشتیه که برگشتیم، مشهدی حسن، گوشه نهارخوری، روی زمین، زانوهارابه بغل گرفته ونشسته بود. مارا که دید، سرش راروی زانوهایش گذاشت وگریه سرداد.

مشهدی حسن، بقال سرگذر، پدرراهم مشاورمی دانست وهم مباشر. مغازه کوچکی داشت شاید جمعاً به مساحت بیست مترمربع. میوه وسبزی می فروخت. وقتی شروع بکارکرد براستی مستمند بود. پدرمی گفت: «حسن آقا، برادر، توقعقل معاش نداری. از قدیم گفته اند بی مایه فطیراست. توهرچه پول درمی آوری، خرج می کنی ومایه برای خریددوباره نداری. این طرزکاسبی نیست. باید سرمایه ای کنار بگذاری.»

وکنار گذاشتن پول برای مشهدی حسن برابر بود بانخرج کردن - ناینکه پدرکوزه سفالی دهانه تنگی خرید و به اوداد و به اواموخت که هرروز آخروقت، دست کم بیست می تومان درآمد روزانه اش رادراین کوزه بریزد و به آن دست نزنند تاپوشد. و به این ترتیب مشهدی حسن صاحب سرمایه شد و به زندگی درهم ریخته اش سروسامانی داد و به گفته پدرعقل معاش پیداکرد.

مشهدی حسن گاهگذاری عصرهابخانه مامی آمد وکنار پدرروی نیمکتی که کنارحوض بود می نشست، باپدرشرابی می نوشید ودرد دل یابقول خودش صلاح ومصلحت می کرد. حالا برای دخترش خواستگارآمده

— دوچرخه فروش محل که پایش می لنگد — ولی دخترش دوپایش رادریک کفش کرده که خدایکی وبنده هزارتا، من زن آدم چلاق بیسواد نمی شود. مشهدی حسن از پدرخواست به اوراهتمایی کند. فرداشب مشهدی حسن وهمسرش ازجلوونرگس، دخترش، از پشت سرآنها بخانه ماآمدند. مشهدی کنار پدرروی نیمکت نشست وهمسردخترش روی نیمکت کنارمادر. چادرازسرنرگس بروی شانه اش افتاد. نرگس سخت زیبابود. موهای سیاه، لغزنده وبلند — چشمان براق ومژه های بلند، گونه های برجسته ونگاهی شیطننت آمیز. مشهدی حسن می گوید:

— «حاجی آقا، شماصاحب فهم وکمالات هستید — درحق بنده هم پدری کرده اید. محض رضای خدا، به این بچه بگوئید ازجان من چه می خواهد. تاحالا ده تاخواستگار راجواب کرده. به هرکدام یک ایراد گرفته. شما بفرمائید این اسمعیل دوچرخه چی چه ایرادی دارد که خانم نمی پسندد. کاسب نیست، هم محل خودمان نیست، بچه سربراهی نیست، آخرچه عیبی دارد؟»

پدرازنرگس علت عدم تمایل اورا می پرسد وقتی نرگس زبان به پاسخ می گشاید، می بینی که پشت این چهره زیبا چه استعدادی نهفته است. نرگی نمی خواهد بخانه بخت برود — ترجیح می دهد به دانشکده برود وبخت خودراروی نیمکت های کلاس درس بیازماید تادرخانه اسمعیل دوچرخه چی. مؤمنانه وقاطع حرف می زند ولحظه ای دم فرو نمی بندد. ومن ازنگاه پدرمی خوانم که تسلیم منطق نرگس شده است.

از بهشتیه که برگشتیم، مشهدی حسن گوشه اطاق نهارخوری نشست بود وسخت می گریست. رفتن کنارش نشستم. مرادراغوش

کشید و گله سرداد :

«چرا ما را خبر نکردید؟»

گفتم: «خواستیم مراسم راتا حدامکان خصوصی برگزار کنیم که این خواست پدر بود» و مشهدی حسن بازم گله که:

«ای برادر، از ما کی نزدیک تر. حاجی آقا جای پدر ما بود. کنیزتان نرگس را پنج سال پیش داشتم بادت خودم بدیخت می کردم. یادتان هست. روحش شاد. مرا کشید کنار و گفت: مشهدی، بگذار این بچه درسش را بخواند. حرف پدرتان هم که برای من حجت بود، پذیرفتم.»

ومن می دانستم که نرگس مهندس ساختمان شده و بایکی از همکلاسی هایش عروسی کرده است.

بچه که بودیم، هر بامداد، بازمزه پدر از خواب بیدار می شدیم، که در حالیکه سماور روشن می کرد، می خواند:

«برخیز، آتش بدل سماور انداز». هوا تاریک و روشن بود که از خواب برمی خاست، با جا روی دسته بلندی که خود ساخته بود، حیاط و ایوان را جا روی کرد، سماور را روشن می کرد، سفره صبحانه می انداخت و همزمان می خواند:

«تنبلی آردیه چشمان تو خواب! فرموده است خداوند در تورا که نگذارید آفتاب شمار بیدار کند - بر شما است که آفتاب را بیدار کنید.»

و اگر تنبلی ما ادامه پیدا می کرد، فریاد می زد:

«بلند شوید، وقت مدرسه است!»

دیگر هیچ جای درنگ نبود. باید برمی خاستیم. دست و صورت ما را می شستیم و بر سر سفره صبحانه می نشستیم. و پدر که قبل از ما صبحانه اش را خورده بود، می نشست و ما را نگاه می کرد و می دیدی چقدر صادقانه از غذا خوردن مالذت می برد - و اگر کم می خوردی پر خاش می کرد که:

«بخور بچه جان تا جان بگیري.»

و ما می خوردیم و پدر زمزمه می کرد:

«دست به دسمالم زن جونم،

دسمالم حریره، عزیز دلمی،

دسمالم حریره...»

دخترم رابه مدرسه می رسانم. از پخش صوت اتومبیل صدای پری زنگنه می آمد که آهنگ مورد علاقه پدر را می خواند، و گروه کر به دنبال او دم می گیرد:

«دسمالم حریره» - ومن با این آهنگ در گذشته های دور و دورتر

در حال سیروس باحتم که دخترم صدایم می زند:

- «بابا، اجازه هست این آهنگ را عوض کنم. الان که آی. کیو. کیو. برنامه جالبی دارد. امروز را اختصاص داده اند به آهنگ های لاینل

ریچی...» جواب می دهم:

- «عوض کن بابا، عوض کن.»

و با قطع شدن صدای پخش صوت، از سرزمین افسانه ای کودکی به دنیای واقعیت های ملموس پامی گذارم. سفری از صدای جادویی پری زنگنه به نعره های آن چنانی آقای ریچی. با خود می اندیشم - راستی اگر پدر زنده بود و می دید به سراچه آمده، چه می کرد؟ می دید که نسل های بعد از او فرهنگ مادری خود را بی رحمانه از یاد می برند و یک کلمه در میان انگلیسی می پرانند. می دید که پری زنگنه ها و سیمین قدیری ها و عبدالوهاب شهیدی ها خاموش می شوند و شاملوها و مهدی اخوان ثالث ها و سیاوش کسرانی هادم فرد می بندند و جای آنرا عربه توپها و خمپاره ها می گیرد.

دخترم را جلومدرسه از اتومبیل پیاده می کنم و بار دیگر نوار را می گذارم:

- «از محله دزفول جونم، با تو آشنایم...»

آری، محله های دزفول امروز میعادگاه گلوله های تازیان بیرحم است با گوشت و پوست و استخوان مردان و زنانی که روزگاری در همین کوچه با هم آشنا می شدند و عشق و اسلام می گفتند و حالا از صفر رسته آور گلوله ها پشتشان می لرزد و عشق را از یاد می برند و مرگ و نیستی و نابودی و آدمکشی اسلام می گویند.

عصر است و اولین روز درگذشت پدر و مراسم مینها و عرویت. دونفر از دوستان دوران جوانی پدر گوشه اطاق نشسته اند و سخت مشغول خواندن و نیایش. پس از پایان مراسم کنارشان می نشینم.

- «خدا رحمت کند پدرتان را، ما زنده گیمان را امیدون ایشان هستیم». بیاد می آورم. پدر چند بار داستان فرار جمعی خود را با این دودوست برایمان تعریف کرده بود - هر بار جالب تر از دفعه قبل...

«آن زمان که مادر رشت تجارتخانه داشتیم، شایع شد که بزودی بلشویک ها می آیند. در آن روزگار عوض شدن حاکم و حکومت امری عادی بود - ما سرمان گرم کاسبی خودمان بود و به سیاست کاری نداشتیم. پیش خودمان فکرمی کردیم خوب بلشویک ها هم یک چیزی هستند مثل سایر حکمرانان.

دیری نپائید که بلشویکها شمال ایران را گرفتند. ظرف همان چند روز اول معلوم شد کار اینها شوخی بردار نیست. بگیر و ببند ها شروع شد و ما تا آمدیم بخودمان بچنینیم، بعنوان سرمایه دار و خلق گوشه سر بازار خانه کشاوریوار ایستاده بودیم. در آن زمان من و دونفر دیگر از همکارانم تنها تجاریهودی مقیم رشت بودیم و حالا هر سه نفر کنار دیوار در انتظار سرنوشت ناشناخته خود ایستاده بودیم. این سرنوشت ناشناخته خیلی زود شناخته شد - زنده بگور شدن.

به خط کشاوریوار ایستاده بودیم و می دیدیم که گروه آنانکه به اعتقاد این گروه حاکم، ضد انقلاب تلقی شده بودند راجا که نشده بداخل گودال هایی که از قبل کنده شده بود می انداختند و رویشان دوغاب گچ می ریختند. دوستان همراه من «شمع اسرائیل» خوانان بزانو افتادند و گریستند و از خداوند طلب آمرزش بخشایش کردند، و من در اندیشه پیدا کردن راهی برای نجات بودم.»

پدر همیشه بر این باور بود که پول درزندگی هر انسان معقولی باید وسیله باشد، نه هدف، تنها در چنین صورتی است که با این وسیله می توان بسیاری از مشکلات زندگی را حل کرد. بویژه در رو باورنی با آنانکه پول برایشان هدف است نه وسیله. باتکیه به این طرز فکر بود که پدر برای نجات جان خود و دوستانش دست بکار می شود.

«جلوی فرمانده روسی که مشغول بازدید از اعدام های انقلابی بود دویدم و مانع حرکتش شدم. تفنگ های نگهبانانش بسوی من نشانه رفت. فریاد زدم:

- قربان، واجب العرضم.

برایش ترجمه کردند. ایستاد. به مترجمش چیزی گفت. مترجم پرسید:

- فرمانده می پرسند چکاره ای؟

- خدمتشان بفرمایید من دوستانم بازرگانیم. ما طلا و جواهر فراوان داریم. راستش مخفی کرده ایم. اینها می تواند در خدمت انقلاب بلشویکی آقایان باشد. از کشتن ما که چیزی عاید آقایان نمی شود. به مافروستی بدهند برویم ثروت خود را بیاوریم در اختیار ایشان بگذاریم، به شرط اینکه بما امان بدهند.

باشنیدن ترجمه گفته های من، چشمان فرمانده روسی برق زد، و من می دیدم که در خیال خود دارد میان گنجی که من برایش تصویر کرده بودم غلط

می زند. پس از پرس وجوی مفصل از ما، دونفر از نگهبانان خود را به دنبال ما فرستاد تا طلا و جواهرات مورد ادعای مرا تحویل گرفته و همراه با خود ماسه نفر، تحت الحفظ به پادگان انقلابیون برگردانند.

تا اینجای داستان، ما ماسلمان را دادیم و جانمان را نجات بخشیدیم. یا حداقل چند قدمی از چند قدمی گور عقب نشستیم. قدر مسلم این بود که اگر ما با یک قافله طلا و جواهر هم به پادگان برمی گشتیم، اولین اقدام انداختن مادر گورهای گچی بود. نقشه من این بود که وقتی به تجارتخانه هایمان رسیدیم، داروندار را به نگهبانان مان بدهیم و بهر نیرنگی شده فرار کنیم. وقتی به کاروانسرای که حجره های مادران قرار داشت رسیدیم، دیدیم خدا بدهد تجارتخانه - مردم ریخته اند داخل حجره ها و چپاول می کنند. ماسه نفر همینطور بهت زده ایستاده بودیم و نگران اینکه حالا چه کنیم که من ناگهان متوجه شدم که نگهبانان ما هم مارا رها کرده به جمع چپاولگران پیوستند.

در میان شلوشی، فرصت را غنیمت شمردیم و پابفرار گذاشتیم. غروب آفتاب به قهوه خانه ای بیرون شهر رسیدیم. نشستیم. دستور چای ونان و تخم مرغ دادیم. موجودی پولی که هر کدام همراه داشتیم را بررسی کردیم. دوستان چند سکه طلا داشتند که من در کفشهایم پنهان کردم. رو بهمرفته حدود بیست تومان هم پول نقد داشتیم که آنرا نیز پنهان کردیم و شبانه، به امید خدا گویان، سمت تهران را پرسیدیم و چون تمام جاده های اطراف رشت را انقلابیون بسته بودند، زدم به کوه».

داستان ما جراحیهاییکه طی این مسافرت برای پدر و همراهانش اتفاق افتاده بقدری زیاد است که بیاد دارم وقتی مابچه بودیم، پدر هر از چند گاه یکی را بر ایمان تعریف می کرد. پدر قافله سالار و دوستانش بدنبال او پس از نزدیک به دوهفته پیاده روی در کوه و کمر، خود را به قزوین رسانده و از آنجا به تهران می آیند. یکی از جالب ترین اتفاقاتی که برای این گروه سه نفری افتاده از این قرار است:

«شاید سومین شب فرار ما بود. شبی مهتابی از شب های زیبای شمال. خسته بودیم و گرسنه و همراهانم بشدت روحیه خود را باخته بودند. تازه جنگلی پر درخت را پشت سر گذاشته بودیم و کوهی نه چندان مرتفع در پیش داشتیم. به بالا نگاه کردیم، چراغی در سینه کوه سوسومی زد. یکی از همراهانمان گفت:

- باید قهوه خانه باشد.

و ما تصدیق کردیم و بسویش برآه افتادیم. قهوه خانه کوچکی بود. نشستیم و غذایی سفارش دادیم و بعد از غذا چای. گفتیم امشب را اینجا می خوابیم که برای فردا توان با زهم راه رفتن داشته باشیم. روی نیمکت هایمان دراز کشیدیم - ولی دیری نپایید که متوجه شدیم که پناهگاهمان جای مشکوکی بنظر می رسد.

صاحب قهوه خانه زنی بود که کارگران قهوه خانه او را «خانم» صدا می زدند. گوشه قهوه خانه برای خانم سفره ای گسترده بودند پراز اغذیه و مشروب. بر سر این سفره، خانم در بالاتر نشسته بود و همسفرگانش یکی یکی، از درمی رسیدند، کوله بارهای خود را زمین می گذاشتند، بازمی کردند و گزارش چگونگی راهزنی خود و غنایم بدست آمده را می دادند - دست خانم را می بوسیدند و کنار سفره اش به مشروب خواری می نشستند. به دوستان ندادیم - بر خیزید که اینجا جای ماندن نیست. داشتیم آرام از در خارج می شدیم که بانره خانم سر جایمان خشکمان زد.

- کجا؟

برگشتیم و به برق نگاه خشمگین خانم و راهزنان سیبل از بنا گوش در رفته و قلندری که گرداگرد او نشسته بودند خیره ماندیم. مارا به زور کنار خود نشانند و خود به میگساری پرداختند. ساعتی بعد خانم سخت مست بود. اطرافیان نیز، و ما وحشت زده کنار اینان نشسته بودیم - در این فکر که

بسرمان چه خواهد آمد. که خانم خطاب به یکی از راهزنان گفت:

- «از قیافه اینها سرسفره ام خوشم نمی آید، بیرشان!»

و ما تا آمدیم بخود بجنبیم، ضربه های قنداق تفنگ بود که از چپ و راست به پهلوهایمان باریدن گرفت. ماسه نفر از جلو و راهزن تفنگ بدست از عقب از در قهوه خانه بیرون آمدیم. بالوله تفنگ به کوره راهی در پشت قهوه خانه که مشرف به دره ای عمیق بود اشاره کرد. گفتیم که شبی مهتابی بود و همه جاروشن. به ته دره نگاه کردم، پر بود از اسکلت آدم. لوله تفنگ ما مور قتل مابوسی من نشانه رفته بود و دوستان بزانو افتاده «شمع اسرائیل» می خوانند.

پدر می گفت: تعصب خطرناکترین صفت هاست که ریشه در جهل دارد. یعنی انسان متعصب طبعاً جاهل نیز هست - پس اگر تو دانستی که دشمنت متعصب است، بدان که با جاهلی درستی که از جهل او به نفع خود می توانی استفاده کنی. و پدر چنین می کند.

دویدم جلوه تفنگش و فریاد زدم.

- دست نگه دار، وصیتی دارم.

به چشمانش چشم دوختم، دیدم اثر کرد. گفت بگو. گفتیم:

- تومی دانی که مایهودی هستیم؟

- اینکه وصیت نشد. حرفت را بزن!

- تومی دانی که اگر خون یهودی را بر زمین بریزی دامت را می گیرد و رهایت نمی کند؟

نگاهی به ته دره کرد و گفت:

- اینها را می بینی؟ نصف اینها را من به جهنم فرستاده ام.

امانش ندادم. پرسیدم:

- اما چقدر تا از اینها یهودی بوده اند؟

- پناه بر خدا، مرد!

- شاید حالا بتوانی بخدا پناه بیاوری ولی از لحظه ای که مارا بکشی، خون ما قدم به قدم به دنبال خواهد بود. به مارحرم نمی کنی به زن و بچه ات رحم کن!

سرتفنگ را روی زمین گذاشت و با نگاهی مستاصل و پرسشگر ما نگرست.

برای ملاحظه ها، لحظه های مرگ و زندگی بود، ولی من مطمئن بودم که حبله ام کار خود را کرده بود.

- خیلی خوب، من کاری به شما ندارم. از این راهی که نشان می دهم بروید و پشت سر خودتانرا هم نگاه نکنید. اگر خانم بفهمد که من شمارا نکشته ام، تکه بزرگ من و شما گوشمان خواهد بود. و ما از راهی که نشان داده بود، پابفرار گذاشتیم.

اولین روز درگذشت پدر است. دودوست همسفر او کنارم نشسته اند. بیاد او، با هم، «شمع اسرائیل» می خوانند. مشهدی حسن از در وارد می شود. کنار من می نشیند و درگوشی بمن می گوید:

- عرضی داشتم، یک دقیقه تشریف بیاورید بیرون.

همراه او به بیرون از اطاق می روم.

- بچه های همسایه برای حاجی در تکیه محل امشب روضه خوانی دارند. خواسته اند شما و خانواده هم تشریف بیاورید.

من، مادر و سایر افراد خانواده به تکیه می رویم. معلولست از آدم های که ما اغلب آنها را می شناسیم، ارمنی، مسلمان و یهودی.

با ورود ما فریاد شیون و زاری زن و مرد به آسمان برمی خیزد.

روزی که پدر مرد، تمام محله عزادار بود - چه پدر همه انسانها را، صرف نظر از اعتقاد و باورشان، دوست می داشت. روانش شاد.

ص. ابراهیمی

صورت با عنایت به مفهوم کلی «وصیت» در زبان های مختلف و با تعمق به ریشه اصلی کلمه نظرمابه این نکته معطوف می گردد که اساس و هدف اصلی از تنظیم وصیت نامه اجرا اراده موصی یعنی تنظیم کننده وصیت نامه است.

به همین لحاظ اصل حاکمیت اراده یکی از اصول مهم حقوقی است که در کلیه قوانین مدنی کشورها رعایت شده است. یابه کلام دیگر موضوع اصلی در انشاء هر سند قصد و رضا تنظیم کننده آنست و در این مورد خاص اراده، قصد و رضا شخص موصی در تنظیم وصیت نامه ملاک و ضابطه است.

از طرف دیگر مشخص بودن اراده موصی، مخصوصاً رسابودن جملات و عبارات حتی کلمات کمال اهمیت را دارد، زیرا متاسفانه در جامعه ما غالباً وصیت نامه موقعی تنظیم می شود که:

۱- موصی قدرت جسمانی خود را بر اثر

کهولت و یا بیماری از دست داده است.

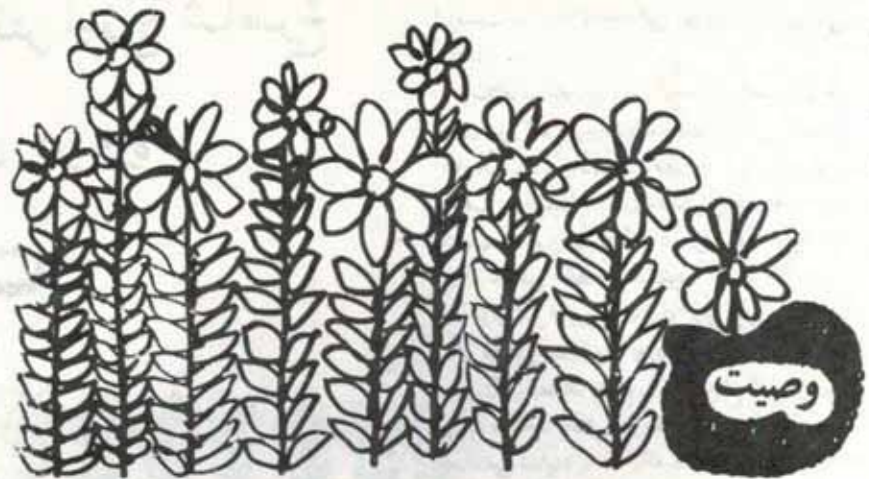
۲- موصی در مقابل خطراتی از قبیل حمله، تنزیر، فشار و یا احیاناً چاپلوسی اطرافیان واقع می شود.

۳- موصی (در مورد وصیت نامه خودنوشت) به علت عدم آشنایی به زبان و دستورات زبان چه فارسی و چه انگلیسی و یا نداشتن سواد کافی مطالب را به طریقی تنظیم می کنند که واقعی به مقصود نیست و احتمالاً هنگام ابراز در معرض تمایس و تقاسیری برخلاف آنچه نیت او بوده است ممکن است قرار گیرد.

۴- زیر اراده موصی در زمانی که خود او حیات ندارد مورد اجرا قرار خواهد گرفت، در این صورت نارسائی و ابهام جملات، عبارات و کلمات وصیت نامه خود منشاء سوء تعبیر و ایجاد اختلاف بین ورثه خواهد بود.

۵- چه بسا موصی بر اثر عدم آشنایی با قوانین چه عرف و چه شرع مرتکب اشتباهاتی نیز می گردد.

بنابراین برای تسهیل در تنظیم وصیت نامه، برای کمک به برادران و خواهران ارجمند آسان ترین و عملی ترین طریق اخذ فرم های چاپی مخصوص وصیت نامه است. هر فرد با ارسال ۵ دلار می تواند یک نسخه از آنرا (باتوجه به مورد) به ضمیمه ترجمه فارسی از دفتر فدراسیون کتباً تقاضا و اخذ نماید. ضمناً مشاوره حقوقی فدراسیون آقای Jeffrey Oberman وکیل دادگستری حاضر شده اند با اخذ مبلغ بسیار کمی حسب مورد مشاوره لازم را به ارباب نیاز به منظور پر کردن فرم مخصوص بدهند.



که سلامت و حیات بشر را تهدید می کند، ازدیاد اتومبیل، خطرات ناشی از مرگ های ناگهانی، امراض صعب العلاج یابه زبان دیگر خطراتی که بشر را به موازات پیشرفت تمدن به مرگ های غیر طبیعی تهدید می کند به اندازه ای رو به افزایش است که تصور آنرا حتی نمی توان نمود. نظری به آمار در این کشور نشان می دهد که میزان مرگ و میر بر اثر حمله های قلبی آتی نسبت به سایر حوادث و سوانح به کیفیت غیر قابل انتظاری رو به تزاید گذارده است.

بنابراین هر عنصری که عمیق فکرمی کند، قهراً به این واقعیت غیر قابل انکار ایمان دارد که مرگ امری حتمی، طبیعی و غیر قابل اجتناب بلکه یقین است. در این صورت به خود آمده و بدون فوت وقت پیش بینی و برنامه لازم را برای اموال، دیون، مطالبات خود همچنین حقوق ارثیه، ارثیه بازماندگان نسبت به زمان ممات طرح خواهند نمود.

بنابه مراتب مسأله تنظیم وصیت نامه مخصوصاً Estate Planning یکی از اساسی ترین مسایل اجتماعی، خانوادگی و فردی است. اجتماعی از این جهت که منافع اجتماع در آن ملخوظ است و نپایستی مخالف نظم عمومی تنظیم گردد. خانوادگی از این جهت که تنظیم وصیت نامه موجب فصل خصومت در خانواده و آسایش اعضاء آن خواهد شد. فردی از این جهت که فرد چه در دوران حیات و چه در زمان ممات وجدانش آرام و روحش آسوده خواهد بود.

به همین لحاظ است که وصیت در طول ادوار تاریخ حتی امروز یکی از مهمترین مباحث حقوق مدنی بوده وقتی کلمه «وصیت» از لحاظ معنای لغوی مورد تامل و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد مفاهیمی معادل اراده، میل، خواست، آرزو، نیت، قصد، اختیای امر، فرمان، فریضه نظرماراجلب می کند. در این

دردوشماره پیشین قسمت های اول و دوم سمینار «بحث و پژوهش درباره مسایل اجتماعی جامعه یهود ایران» درج گردید. اینک قسمت سوم سمینار در آغاز آقای مسعود هارونیان مطالبی به شرح زیر اظهار داشتند:

بنام خداوند بخشنده مهربان و با کسب اجازه از جناب حاخام یلیدیا شوفط رهبر محترم مذهبی یهودیان ایران، دکتر ایرج شاهرخ مهمان عالیقدر وکیل محترم دادگستری، خانم ها و آقایان: سومین سمینار بحث و پژوهش درباره مسایل اجتماعی جامعه را آغاز می کنیم. موضوع مورد بحث امروز درباره «وصیت» دور می زند.

قبل از آنکه آقای دکتر ایرج شاهرخ وکیل محترم دادگستری که بر ما منت گذارده، افتخاراً صرفاً به خاطر ایراد سخن درباره موضوع اشاره شده و پاسخگویی به سؤالات شما از سانفرانسیسکو به اینجا تشریف آورده و همین امشب هم مراجعت می فرمایند ایراد سخن فرمایند. اجازه می خواهد مقلد نامطالبی کلی به عرض حضار محترم برساند.

اصل غیر قابل تردید و انکار ناپذیر در قانون طبیعت بر این واقعیت استوار است که بنیاد زندگی بشر بر فغانهاده شده نه بر بقا. به عبارت دیگر می آیند برای آنکه بروند، موجود می شوند که معدوم گردند، بنابراین سرنوشت محتوم بشر بر قانون ازلی وابدی، یعنی قانون تولد و مرگ بنانهاده شده است.

به سخنی ساده تر هر عنصری که از مادرتولد می گردد خواه ناخواه روزی دست اجل گریبان او را گرفته به سرای جاوید سوق می دهد. علی الخصوص باتوجه به دنیای ماشینی امروز، باتوجه به تمدن عصر فضا، باتوجه به خطرات متعددی

ترجمه متن سخنرانی دکتر ایرج شاهرخ

وکیل دادگستری درباره

وصیت

بیوگرافی آقای دکتر ایرج شاهرخ، وکیل دادگستری



- ۱- دارای درجه دکتری حقوق از دانشگاه سانفرانسیسکو
- ۲- دارای درجه فوق لیسانس در بازرگانی
- ۳- عضو جامعه وکلای مدافع - کالیفرنیا
- ۴- عضو وکلای متخصص در امور مهاجرت امریکا
- ۵- عضو کانون وکلای دادگستری کالیفرنیا
- ۶- عضو کانون وکلای دادگستری سان ماتو
- ۷- به زبان های فارسی، فرانسه و افغانی آشنایی داشته و تکلم می نمایند.

رابخوبی نمی شناسند ولی در هر صورت با پدر داماد آشنایی پیدا می کنند اما در نفس امر نسبت به او علاقه چندانی در خود احساس نمی کنند.

بلافاصله روز بعد از انجام مراسم ازدواج، آقای بزرگمهر بعنوان چشم روشنی خانه ای کاملاً میله بانضمام دخترچه ای حاوی وجه کافی در حساب جاری دخترش بوی اهداء می کند، به این نیت که دخترش همه این هدایا را بنام خودش حفظ خواهند نمود.

در اواخر اولین سال ازدواج پریچهر دخترشان یک دوقلو بدنیا می آورد، آقای بزرگمهر در این موقعیت نیز بعنوان چشم روشنی مبلغ قابل توجهی نیز به حساب بانکی هریک از دوقلوهای نورسیده اهداء می نماید.

ولی ناگهان حادثه دلخراش غیرمنتظره ای رخ می دهد، متأسفانه پریچهر و شوهرش و دوقلوها در یک سانحه اتومبیل غفلتاً فوت می کنند. در بررسی امر پلیس گزارش می دهد که شوهر آخرین فردی بوده که در بیمارستان درگذشته است. هیچگونه وصیت نامه ای هم تنظیم نموده است.

در این مورد خاص، پدر داماد وارث منحصر بفرد تلقی و در نتیجه وارث خانه، اثاث البیت و وجه موجود در بانک بنام دوقلوها تلقی می گردد، زیرا بنابه اصل خون وی تنها خویشاوند نسبی شوهر بوده که حیات داشته است.

برای مزید اطلاع اجازه فرمایید اضافه کنم در صورتیکه کسی بدون تنظیم وصیت نامه در استان کالیفرنیا فوت نماید، حالات زیر برای ماترک او رخ خواهد داد:

۱- در صورتیکه متوفی ازدواج کرده باشد نیسی از اموال اشتراکی Community Property به همسرش انتقال خواهد پذیرفت و نیم دیگر را نیز قبلاً هم مالک بوده است. اموال اشتراکی عبارت از اموالی است که در دوران ازدواج عاید همسر گردیده از قبیل حقوق زن یا شوهر، و کلیه اموالی که از محل این درآمد خریداری شده باشد.

۲- اموال اختصاصی (مجزا) عبارت است از اموالی که هریک از زن یا شوهر قبل از ازدواج دارا بوده اند و یا آنکه در خلال زناشویی از طریق توارث و هبه (هدیه) عایدشان گردیده باشد.

۳- در صورتیکه شخصی با داشتن اموال اختصاصی فوت نماید دارای همسر و یک طفل بوده باشد ماترک او با تسویه بین همسر و طفل تقسیم خواهد شد.

۴- در صورتیکه متوفی مجرد و یا اینکه مطلق و یا مطلقه بوده فرزندی هم نداشته باشد، ماترک

دیگر حیات جاودانی داشته باشد، به یقین خیر. بمنظور روشن شدن اذهان عمومی و توجه به نقش پراهمیتی که وجود وصیت نامه در زندگی هر فرد بازی می کند بایستی بین آثار فوت نسبت به ماترک متوفی و وراثت وی در صورت وجود وصیت نامه و یا مرگ بدون وجود آن قائل به تفکیک گردید.

اگر شخصی بدون آنکه وصیت نامه ای تنظیم کرده باشد فوت کند، مقامات قانونی استان کالیفرنیا برای متوفی مبادرت به تنظیم وصیت نامه خواهند نمود - در این مورد قوانین و مقرراتی وجود دارد که مشخص کننده حقوق ارثیه بازماندگان است. این مقررات را Law of Interstate Succession می نامند. «قوانین ارثیه در مورد کسانی که مورث آنان بدون تنظیم وصیت نامه درگذشته باشد».

من باب مثال اجازه بفرمایید خانواده ای را نام ببرم که «بزرگمهر» نامیده می شود. پریچهر دختر زیبای این خانواده با جوان ظاهراً برازنده ای ازدواج می نماید که پدر و مادرش وی

هریک از شما محترم که امروز در این مکان مقدس حضور بهم رسانیده اید دارای «وصیت نامه» هستید. آری هر فرد اعم از زن و مرد یا طفل در این سالن دارای وصیت نامه است.

وصیت نامه بردن نوع است: نوع اول وصیت نامه ای است که بوسیله خود شخص تنظیم می گردد و نوع دوم عبارت از وصیت نامه ای است که بوسیله مقامات قانونی استان کالیفرنیا آماده می شود.

اکثر افراد به علت گرفتاری و اشتغال فکر مجال آنکه قبلاً در این باره اتخاذ تصمیم نمایند ندارند و حاضر نیستند با کمی صرف وقت تأمل و بررسی لازم را معمول دارند که در صورت فوت مایل ملک آنان در چه وضعی قرار خواهد گرفت. اینگونه افراد با وجود آنکه به خانواده خود و اعضاء آن نهایت علاقه را دارند معذک در حفظ حقوق آنان مسامحه رومی دارند.

آیا در این دنیا فردی پیدای شود که بتواند از مرگ احتراز نماید؟ آیا کسی یافت می شود که بتواند مرگ خود را پیش بینی نماید؟ یا عبارت

وی بالسویه به اولیاء وی (پدر و مادر) در صورت حیات خواهد رسید. در غیر این صورت به سهام مساوی بین برادران و خواهران وی تقسیم خواهد شد.

توضیح: نسبت به ماترک متوفایی که بدون تنظیم وصیت نامه فوت کرده باشد هرامستان حسب مقررات و قوانین خود عمل می نماید.

نکته شایان توجه این است که موصی باتنظیم وصیت نامه به منظور اعمال و اجراء اراده خود در باره افراد خانواده و سهم الارث هریک از آنان تصمیم مقتضی اتخاذ خواهند نمود.

برای مثال - اگر متوفی دارای سه فرزند رشید و بالغ بوده ولی یکی از آنان بعلت فساد اخلاق ناخلف و در نتیجه موجبات یاس، عدم اطمینان و نگرانی و پرا در حفظ ماترک فراهم کرده باشد، در این صورت می تواند باتنظیم وصیت نامه و حسب مفاد آن و پرا از ارث کاملاً محروم سازد. و یا اینکه بنابه علاقه شدید به یک دوست دیرین میل داشته باشد شئی و یا مال بخصوصی را به وی اهداء کند، در این صورت می تواند در وصیت نامه قید نماید که مثلاً قالیچه ابریشمی کاشان خود را به آقای هوشنگ اهداء می کنم.

نکات زیر در مورد وصیت باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- تنظیم وصیت
الف - نوعی که خود موصی تنظیم می نماید.

ب - وصیت نامه ای که استان کالیفرنیا برای شما تنظیم می نماید.

۲- اغلب اشخاص بعلت اشتغال به کارهای روزمره فرصت تنظیم وصیت نامه را ندارند.

۳- ضرورت ایجاب می کند که هر فرد بانحوه حفظ دارائی خود آشنایی داشته باشد.

۴- بعد از فوت، دارائی بدو صورت زیر انتقال می پذیرد:

الف - انتقال، بدون وجود وصیت نامه.

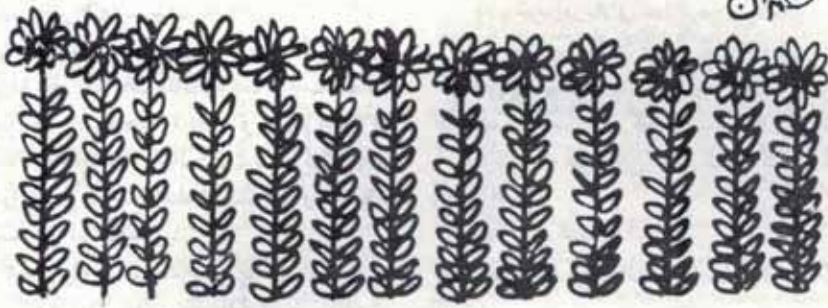
۱. هرامستانی در امریکا در این باره دارای مقررات خاصی است.

۲. استان کالیفرنیا نیز در این باره دارای مقررات مخصوص بخود می باشد.

ب - انتقال بوسیله وصیت نامه ای که صحیحاً تنظیم گردیده باشد.

۵- چه اشخاصی می توانند وصیت نامه تنظیم نمایند:

الف - اشخاصی که سن آنها از ۱۸ به بالا است.



مکان

الف - وصیت نامه قانونی.

ب - وصیت نامه خودنوشت.

ج - وصیت نامه رسمی که تهیه و ماشین شده است (در حضور شهود).

۱- مشکلاتی که بایستی از آنها احتراز نمود:

الف - تمامی مایملک بوسیله وصیت نامه قابل تقسیم نیست از قبیل:

۱. بیمه زندگی.

۲. حقوق بازنشستگی.

۳. مایملکی که احتمالاً بالوراثه به شما خواهد رسید.

۴. مایملکی که بصورت Joint Tenancy مالک هستید.

ب - طلاق وصیت نامه را فاقد ارزش نخواهد کرد ولی نیاز به تنظیم وصیت نامه جدیدی خواهد بود.

۹- تنظیم وصیت نامه موجب نظارت یک فرد بر دارائی اش خواهد بود بدین ترتیب که:

۱. مانع حدوث اختلاف در خانواده و بین وراث خواهد گردید.

۲. مانع خواهد شد که استان کالیفرنیا مایملک شما را حسب مقررات خود تقسیم نماید.

۳. اگر کسی دارای خویشاوندی نبوده و وصیت نامه ای هم تنظیم نکرده باشد کلیه ماترک او به استان کالیفرنیا تعلق خواهد گرفت.

ب - اشخاصی که دارای عقل سالم هستند.

ج - اشخاصی که ساکن کالیفرنیا می باشند.

د - تنظیم وصیت نامه ملازمه باتابعیت امریکارا ندارد.

۶- قبل از تنظیم وصیت نامه چه نکاتی بایستی درم نظر گرفته شوند:

الف - شخصی را که بعنوان «وصی» تعیین می نمایند.

ب - کسی را که بعنوان «قیم» تعیین می نمایند.

ج - کسی را که باید حصه مشخص خاصی را دریافت نماید.

د - اشخاصی که باقیمانده ماترک مستحق حق آنها خواهد بود.

ه - از لحاظ کفن و دفن چه نوع تشریفات تریجیح خواهد داشت؟

و - هرگاه همسر موصی قبل از خود موصی فوت نمود در این صورت تکلیف چیست؟

ز - در صورت وجود دارائی مشترک Complex Estate آیا نیاز به مشاوره با وکیل که متخصص در تنظیم طرح مربوط به اموال است Estate Planning خواهد بود؟

۷- انواع وصیت نامه - سه نوع وصیت نامه وجود دارد:

وصیت نامه رسمی استان کالیفرنیا

توجه امضاء کننده (موصی) این وصیت نامه را به نکات زیر جلب می نماید:

۱- به منظور تامین منافع خودتان بهتر است برای تنظیم این وصیت نامه بدو بایکی از وکلای دادگستری کالیفرنیا مشاوره بفرمایید زیرا مفاد آن آثار مهم قانونی نسبت به خانواده و مایملک شما پدید خواهد آورد.

۲- اموالی که از طریق قانون و یا قرارداد خاصی پس از فوت شما بپذیرد انتقال خواهد پذیرفت، بموجب این وصیت نامه قابل انتقال نخواهد بود. من باب مثال وصیت موجب انتقال سهم ناشی از Joint Tenance و یا سهم همسر از Community Property (مالکیت مشترک) نبوده و قهراً شامل درآمد حاصله از بیمه عمر و یا حقوق بازنشستگی نیز نخواهد بود.

۳- این وصیت نامه چایی به کیفیت تنظیم شده که برای تقلیل میزان مالیات ناشی از فوت و یا هرگونه مالیات دیگری قابل استفاده نیست. مسایل مربوط به مالیات را بایستی با متخصص ذیصلاح مالیاتی بحث و مشاوره بفرمایید.

۴- در متن این وصیت نامه هیچگونه تغییر، حذف (پاک کردن) و الحاق امکان پذیر نیست. می توانید یا وصیت نامه را باطل و یا متممی بر آن بیافزایید.

۵- اگر هر نکته ای از مفاد این وصیت نامه برای شما مبهم و یا نامفهوم است بایستی از طریق وکیل دادگستری رفع ابهام بفرمایید.

۶- متن کامل مقررات تنظیم این وصیت نامه رسمی کالیفرنیا، تعاریف و عباراتی که موجب انتقال اموال می گردد و همچنین عباراتی که اجباراً بایستی در مد نظر گرفته شوند در قسمت انتهایی این وصیت نامه به چشم می خورد و در مقررات Probate Code انحصار وراثت استان کالیفرنیا نیز وجود دارد.

۷- شهوداین وصیت نامه نبایستی از زمره کسانی باشند که نسبت به آن ذینفع و یا ذیسهیم بوده باشند. تشریفات مربوط به اقامه شهادت که در قسمت آخر این وصیت نامه ذکر گردیده بایستی با دقت کامل مطالعه بفرمایید. امضاء تنظیم کننده این وصیت نامه (موصی) بایستی با حضور شهود انجام پذیرد.

۸- این وصیت نامه بایستی در صندوق آهنی خودتان و یا در محل امن دیگر محفوظ گردد.

۹- مفاد این وصیت نامه در مورد اطفالی که بعنوان «فرزندخوانده» نیز انتخاب شده اند، عیناً بمثل «فرزند واقعی» لازم الاجراء است.

۱۰- هرآینه بعد از تنظیم این وصیت نامه

مبادرت به ازدواج مجدد و یا طلاق نمودید بایستی وصیت نامه جدیدی تنظیم بفرمایید.

۱۱- در صورتیکه فرزندان زیر سن ۲۱ سال دارید بایستی وصیت نامه ای توأم با «نصب امین» که نوع دیگری از وصیت نامه است تنظیم بفرمایید.

وصیت نامه رسمی استان کالیفرنیا اینجانب

.....

(نام خود را در بالای خط مرقوم بفرمایید)

ماده یک - اعلام: بدینوسیله اعلام می دارم که این وصیت نامه مربوط به اینجانب امضاء کننده زیر است. هرگونه وصیت نامه و یا متمم وصیت نامه که قبل از این تاریخ تنظیم گردیده لغو و بلا اثر است.

ماده دو - انتقال مالکیت.

قسمت ۱ - ۲ - اموال شخصی و اقلام اثاث الیت:

کلیه اثاثیه خانه، مبیل ها، اتومبیل و لوازم شخصی خود را به همسر در صورت حیات و گذار می کنم و در صورت فوت وی اثاث مذکور کلاً بالسویه بین فرزندانم که بعد از من در حیات هستند تقسیم خواهد گردید.

قسمت ۲ - ۲ - هدیه نقدی به شخص و یا به موسسات خیریه:

مبلغ مذکور در زیر (که هم با حروف و هم با رقم در قسمت مربوط قید گردیده) بعنوان هدیه به شخص خاصی و یا به موسسه خیریه اهدا می کنم. در صورتیکه در قسمت خاص مستطیل مربوط به این امر امضاء نکرده باشم، در این صورت اهداء هیچگونه هدیه ای صورت نپذیرفته است. در صورتیکه شخص ذکر شده (هدیه گیرنده) قبل از من فوت نمود و یا بنسنگاه خیریه از قبول هدیه استکاف و ورزید در این صورت هیچگونه هدیه ای صورت نگرفته و در نتیجه پس از مرگ من هیچگونه مالیاتی ناشی از پرداخت هدیه تعلق نخواهد گرفت.

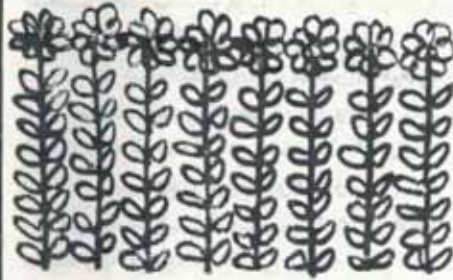
نام کامل شخص ذینفع در اخذ هدیه و یا موسسه خیریه که هدیه را بصورت نقد اخذ خواهند نمود.

فقط اسم یک فرد را با حروف درشت لفظاً مرقوم بفرمایید.

مبلغ هدیه به رقم دلار مبلغ هدیه به حروف دلار

امضاء موصی (وصیت کننده)

قسمت ۲ - ۳ - سایر اموال (اموال اضافی) در قسمت انتقال اموال با انتخاب یکی از مستطیل های چاپ شده و امضاء در داخل آن



نظریه خود را اعلام می نمایم. و در سایر مستطیل ها عبارت «مورد استفاده واقع نشد» را اضافه کرده ام. در صورتیکه بیش از یک مستطیل را امضاء نمایم و یا اینکه در هیچ یک از آنها امضاء ننمایم موید این است که دارایی اینجانب مشمول بند (ثی) از «قانون انتقال مایملک» قرار گرفته و بدین معنی است که وصیت نامه ای تنظیم نشده باشد.

عبارات حاکی از مالکیت: (یکی از عبارات زیر را انتخاب بفرمایید):

الف - به همسر انتقال می دهم و در صورت فوت وی به فرزندانم و بازماندگان هر یک از آنها.

ب - به فرزندانم انتقال می دهم و بازماندگان هر یک از آنها. در صورت حیات همسر چیزی به وی تعلق نخواهد گرفت.

ج - به کیفیت تنظیم گردید عیناً بمثل اینکه وصیت نامه ای تنظیم نکرده باشم.

ماده ۳ - نامگذاری (نصب) وصی و قیم.

قسمت ۱ - وصی (حداقل یک نفر را نام ببرید).

بدینوسیله شخص و یا موسسه ای که در مستطیل ماده ۳ قسمت یک نامبرده ام بعنوان وصی این وصیت نامه تعیین می نمایم. در صورتی که شخص نامبرده و یا موسسه یاد شده از قبول مسئولیت خودداری نمود، افراد دیگری را اسم خواهم برد که نامشان در سایر مستطیل ها ذکر گردیده.

وصی اول

وصی دوم

وصی سوم

ماده ۳ - قسمت ۲ - در صورتیکه اطفال کمتر از ۱۸ سال دارید بایستی حداقل یک قیم برای شخص طفل و حداقل یک نفر هم برای مایملک اوتعیین بفرمایید. قیم (سرپرست) طفل و یا اموالش ممکن است یک نفر بوده و یا نبوده باشد. یک فرد ممکن است هر دو سمت را عهده دار گردد. (یک سازمان می تواند اداره

وسر پرستی مایملک اور ابمهده بگيرد).

در صورت لزوم تعيين قيم براي فرزندانم، فردي كه نامش در مستطيل اول ماده ۳ قسمت ۲ ذكر گرديده تعيين مي نمايم كه سرپرست فرزندانم گردد. وهمچنين شخص و ياموسه اي كه نامش در مستطيل دوم مقيداست بعنوان سرپرست اموال وي مي گمارم. در صورتيكه فرد و ياسازمان مذكور حاضر به قبول همكاري نشند ساير افرادی كه به ترتيب نامشان ذكر گرديده انتخاب مي نمايم:

اولين قيم طفل
اولين قيم اموال
دومين قيم طفل
دومين قيم اموال
سومين قيم طفل
سومين قيم اموال

ماده ۳ - قسمت ۳ - اخذ تضمين: اعضاء من در مستطيل مقابل مويد آن است كه از شخص «وصي» و يا «قيم» نامبرده در اين وصيت نامه نيازي به اخذ تضمين نيست. در صورتيكه در مستطيل مقابل اعضاء نكرده باشم در اين صورت حسب قوانين انحصار وراثت از هر يك از آنان بايستي تضمين اخذ گردد.

نام خود را در اين وصيت نامه رسمي استان كاليفرنيا در تاريخ اعضاء مي نمايم. محل (شهر) استان اعضاء موصي اقامه شهادت: اعضاء وصيت نامه بايستي در حضور دو نفر شاهد انجام پذيرد. حضور سه نفر شاهد اصطلح است.

هر يك از اينجانبان (اعضاء كنندگان زير) با علم و اطلاع از قانون مجازات «شهادت كذب» اعلام مي داريم كه موصي اين وصيتنامه را در حضور اينجانبان اعضاء نموده و بنا به تقاضاي وي با حضور خود او و حضور ساير شهود ذيل اين سند رابه عنوان شاهد اعضاء و اضافه مي نمايم كه شخص موصي بدون اكراه (باطيب خاطر) و با سلامت فكر و بدون آن كه تحت تاثير هيچگونه عامل خارجي بوده باشد مبادرت به اعضاء اين وصيت نامه نمود.

اعضاء

نشاني محل اقامت:

نام خود را با حروف درشت مرقوم فرماييد:

اعضاء:

نشاني محل اقامت:

نام خود را با حروف درشت مرقوم فرماييد:

اعضاء:

نشاني محل اقامت:

نام خود را با حروف درشت مرقوم فرماييد:

متن سخنراني دكتور ايرج شهرخ و ترجمه وصيت نامه: از آقاي مسعود هارونيان

خلاصه اي از سخنراني

آقاي دكتر استفن بيلي

Stephen Baily, Ph.D.

۱- براي اينكه والدين بتوانند روي فرزندان خود نفوذ داشته باشند بايد اعتماد آنها رانسبت به خود جلب نمايند. جلب اعتماد فرزندان مستلزم آن است كه اوليا از داروهاي مخدر و اثرات آنها اطلاع كافي داشته باشند. اين امر لزوماً به معني آن نيست كه والدين تمام اصطلاحات كوچه و بازار را بدانند و با فرزندان خود جلسات بحث و بگومگو داشته باشند. به احتمال قوي نوجوانان مساعي شمارا در اين جرو بحث غير واقعي وغير صادقانه تعبير و تلقى خواهند كرد. بهتر آن است كه حقايق را در مورد مواد مخدر بطور آموزنده و يادلسوزي و دوزار عصبانيت و هيجانان ناموزون با فرزندان خود درميان گذاريد. به اين ترتيب شما براي فرزند خود منبع موقوت و مطلعي خواهيد بود كه به احتمال قوي مي توانيد نفوذ فوق العاده روي اعضا داشته باشيد.

۲- والدين بايد آگاهانه آثار اعتبار دار فرزندان خود را تشخيص دهند. پي بردن و كشف استفاده از ماده مخدر Pot كار آساني نيست مگر آنكه شما با بوي مطبوع و شيرين آن از قبل آشنائي داشته باشيد. چون معتادان از مواد برطرف كننده بوي عطري اسانس و سيگار معمولي براي مخفي نگاه داشتن اعتياد استفاده مي كنند، اين امر خود اشكالاتي بوجود مي آورد. بوي مواد مخدر نمي تواند مانند بوي الكل هنگام نفس كشيدن مشخص باشد. از آنجايي كه دود اصولاً تحريك كننده مي باشد معمولاً رنگ چشم معتادين قرمز است ولي اين علامت تعيين كننده و قطعي نيست چون خستگي و آلرژي همچنين همان علايم و آثار را از خود بجاي مي گذارند. بنا بر اين شاخص درستي براي تعيين اعتياد به Pot («مري جوانا») وجود ندارد. علاوه بر دست يافتن به مكان و وسايل استفاده از مواد مخدر پرارزش ترين شاخص تغييرات مسلمي است كه در وضع عمومي نوجوانان در موارد زير بوجود مي آيد:

الف - کاهش ميزان و كيفيت انجام تكاليف درسي. نوجوان علاقه خود را نسبت به

انجام تكاليف درسي از دست مي دهد. كمتر دروس خود را مطالعه مي كند و علاقه چنداني ندارد كه نيروي زيادتري براي انجام تكاليف مدرسه مصرف كند.

ب - سلامتي خود را رفته رفته از دست مي دهد. دفعات سرما خوردگي، سرفه و خستگي عمومي او افزايش پيدا مي كند.

ج - از اجتماع كناره گيري مي كند. نوجوان بيشتر وقت خود را در اطراف خود مي گذراند و به جز رفت و آمد با معتادين با ديگران زياد معاشرت نمي كند و علاقه او بطور كلي کاهش پيدامي كند.

د - دچار گرگوني حالات روحي، و تنند مزاجي شده و احساس مي كند ديگران در فكر اذيت كردن او هستند. والدين و معلمين نوجوان كه به تغييرات روحي نوجوان پي برده اند مساعي مي كنند او را تشويق كنند تا رفتار او را در خود راعوض كند و از روي ناچاري از او خنده مي گيرند. اين امر خود بر ميزان تنند مزاجي و تغيير حالات نوجوان مي افزايد و دائماً اين وضع به ضرر او تكرر مي شود.

۳- بايد يك وضع عقلائي و عاطفي را سخ اتخاذ كنيد. هنگامي كه رابطه بين شما و فرزندان خوب و دوستانه است (ونه زماني كه ناراحت و عصباني هستيد) با او بنشينيد و وضع خود را در مورد استفاده از مواد مخدر در خانواده درميان گذاريد. به او مصراً بگويد كه ميل داريد هر دو نفر شما از آخرين اطلاعات و حقايق موجود در اين زمينه مطلع باشيد. نگراني واقعي خود را ازديد روانشناسي و بهداشت نسبت به مسايلي كه اعتياد (به مواد مخدر) بوجود مي آورد يادآور شويد. مقرر قلمداد كردن و بحث اخلاقي نسيانده بايد پايه مذاكرات شما را تشكيل دهد زيرا اثر اين رويه از اثرات اطلاعات جامع و معقول داشتن كمتر خواهد بود.

۴- موقعيت خود را ياد نظر گرفتن عواقب روشن و مسلم آن حفظ كنيد. اطمينان حاصل كنيد كه شما خواستار و قادر به انجام (نظرات) خود هستيد. اگر در موقعيتي كه اتخاذ کرده ايد ترديدی بخود راه دهید فرزند شما چنين نتیجه می گیرد که گفته ها و عمل شما با هم مغایرت دارند و هیچ چیز بطور جدی صورت نخواهد گرفت. بخاطر داشته باشید که باید والدين مصمم و نيرومند باشيد و از فرزندان خود بيم نداشته باشيد. از بدترين عواقب استعمال مواد مخدر از دست دادن امتيازات شخصي است. چون امتيازه معني قبول مسؤليت است و فرد معتاد شخص مسؤلي نمي تواند باشد.

«لگدمال» كردن فرزند، قدغن كردن رفت

وآمد شبانه او و محدودیت ایجاد کردن، متداول ترین روش هایی است که نشان می دهد فرزند با مسئولیت عمل نمی کند.
اگر این روشها بازموثر واقع نشوند صلاح برای است که از مشاور حرقه ای خانواده کمک بطلبید.

۵- ببینید خود شما چگونه در مقابل این داروهای مخدر عمل می کنید و راههای باریکی را که باعث سرایت پیدا کردن آنها به فرزند شما شده رسیدگی نمایید.
مسلماً اگر شما فکر می کنید استعمال مواد مخدر بصورت تفریحی و تفتنی چندان زیان آور نیست و خود شما از آن در میمانیها استفاده می کنید چنانچه برای فرزند خود استعمال آنرا منع کنید فرزند شما عمل شمارا یا کارانه تلقی خواهد کرد. همچنین اگر در مواقعی که تحت فشار روحی هستید قرص های آرامش بخش استعمال کنید باید انتظار داشته باشید که فرزند شما نیز برای برطرف کردن ناراحتی های خود از همان رو به شما پیروی کند. در نتیجه نوجوان شما برای مقابله با ناراحتی های روزانه خود به الکل و قرصهای مخدر پناه می برد. بطور کلی نکته مهم این است که رفتار شما نباید دوگانه و مغایر باشد بلکه وضع و موقعیت شما باید روشن و یکنواخت باشد.

۶- با والدین دوستان فرزند خود جلسه تشکیل دهید. این جلسات باب مذاکره رابین والدین بازمی کند و این امکان را بوجود می آورد که بهتر بتوانید برای فرزندتان در مورد استفاده از مواد مخدر در گرد همایی ها و فعالیت های دسته جمعی چاره اندیشی کنید. این امر همچنین به شما امکان خواهد داد راه هایی علیه عواقب استفاده مواد مخدر بصورت گروهی پیدا کنید.
هر چه بیشتر آمادگی برای حل مشکلات راداشته باشید احتمالاً بیشتر در کار خود توفیق خواهید یافت. در بعضی موارد عاقلانه خواهد بود که والدین با اولیاء مدرسه به منظور پیدا کردن یک خط مشی مشترک همکاری داشته باشند تا معلمین و مدیران بتوانند راه مناسبی برای مقابله با معتادین شناخته شده و مشکوک در محیط مدرسه پیدا کنند.

طریقه شناسایی افرادی که مواد مخدر استعمال می کنند

علائم عمومی:

تغییر ناگهانی نسبت به حضور در محل کار و مدرسه، کیفیت کار کردن، نمرات، انضباط و بازده کار.

عصبانیت و از جاد رفتن های غیر عادی.
شانه خالی کردن از مسئولیت.
پیداایش تغییرات کلی در وضع عمومی شخص.

دگرگون شدن چهره و وضع آرایش.
استفاده از عینک دودی در مواقع غیر ضروری
تا اینکه توسط فرد یا گروه محصلین شناخته نشود.
پوشیدن لباس با آستین بلند بطور مداوم
بمنظور این که محل تزریق مواد مخدر در بدن او شناخته نشود.

تماس و رفت و آمد با استعمال کنندگان سرشناس مواد مخدر.
قرض گرفتن پول از والدین و دوستان بطور غیر عادی.
دزدی اقلام کوچک از خانه، مدرسه و محل کار.

معتادین سعی می کنند رفتار و صورت ظاهر خود را غیر عادی جلوه ندهند تا اینکه مورد سوء ظن و توجه دیگران قرار نگیرند.

بدون دلیل و بی جهت به محل های غیر عادی مثل انبارخانه، رخت کن ها، و زیرزمین سرمی زنده تابستوانند از مواد مخدر استفاده کنند.

مواد مخدر بودار مانند چسب مایع یا سایر محلول هایی که گاز از آنها متساعد می شود:

نفس و لباس شخص معتاد بوی مواد مخدر می دهد.

چشم و بینی او آب زیاد ترشح می کند.
عضلات بدن رانمی تواند خوب کنترل کند.
مستی و حالت بیهوشی براوغلبه می کند.
ترجیح می دهد بایک گروه باشد تا اینکه تنها بماند.

در خانه، مدرسه یا محل کار او پاکت های کاغذی، پلاستیکی و پارچه ای که محتوی سیمان پلاستیکی خشک یا سایر مواد حل کننده می باشند می توان یافت.

مواد مخدر که ایجاد افسردگی می کند مانند انواع داروهای آرامش بخش:

آثار مستی در معتاد مشاهده می شود با این تفاوت کلی که نفس او بوی الکل نمی دهد، آثار گیجی و لغزش در او مشاهده می شود.

بدون دلیل به خواب فرو می رود.
سست و آلوده خواب است بطوریکه ظاهراً نمی تواند جهت یابی کند.
نسبت به مدرسه و فعالیت های خانوادگی بی اعتناست.

مواد مخدر تحریک کننده (مانند کوکائین، اسپید و غیره)

هنگامی که به مقدار زیاد از آن استفاده شود شخص ممکن است سست و کند شود. دهان و بینی او خشک می شود، نفس تنگی بروزی کند، و شخص باز زبان خود به دفعات لبهای خود را لیس می زند.
مدت طولانی نه خوراک می خورد و نه خواب می رود.

زیاد فعالیت می کند، تند عذاب است، جربو بحث می کند، عصبانی است و نمی تواند راحت بماند.
مرتب میگاری می کشد.

اگر مواد مخدر تزریق کند ممکن است قطره چکان چشم یا سوزن را در میان اثاث خود پنهان کند.

مواد مخدر: (مانند هروئین و مرفین)

حالت بیحالی و خستگی بوجود می آورد.
اگر گرد هروئین استعمال کند در اطراف سوراخ های بینی قرمزی و پوست رفتگی بجا می گذارد.

پلک های چشم بهم فشرده می شوند و تحت تاثیر نور قرار نمی گیرند.

تزریق هروئین روی بازو و آرنج از خود اثر بجا می گذارد گویانکه معتاد سعی می کند سوزن را در محل هایی از بدن تزریق کند که دیگران نتوانند به سهولت جای سوزنها را ببینند.

معتادان غالباً سوزن، قاشق خم شده، سربطری، قطره چکان و نخ و سوزن را در دو لایه پچه خانه یا مدرسه پنهان می کنند.

معتادین به مری جوانا:

در مراحل اولیه مسمومیت (مستی از مواد مخدر) شخص معتاد ظاهراً بشاش است با صدای بلند صحبت می کند و فقهه و خنده سر می دهد.

در مراحل بعدی خواب آلود و گیج است. محصلین معمولاً سست و کند می شوند، بوی نفس و لباس معتاد شبیه بوی طناب سوخته می شود.

بوی باقیمانده «مری جوانا» بصورت دود نشده یا نیم سوخته در اثاث و لباس معتاد به مشام می خورد. این وضع در مورد فردی که بین یک گروه می باشد تازه اعتیاد پیدا کرده مشاهده می شود.

معتادین «مری جوانا» رابه آسانی می توان شناخت و تشخیص داد مگر در حالتی که ماده مخدر روی معتاد اثر گذارده باشد. اشخاصی که گاه بگاه «مری جوانا» استعمال می کنند

ویدیونما

بامدیریت کیوان بروخیم
یک تصویر تازه از صنعت عکس و ویدیو.

عکاسی، فیلم برداری و ویدیوتیپ
از مجالس بر میتصوا و جشن های
خصوصی

تلفن ۴۰۰۷-۲۴۶

دکتر مهدی جندقی

متخصص و جراح بیماریهای زنان
وزایمان

رزیدنت سابق دانشگاههای کرنل
و جرج واشینگتن با سابقه ۲۰ سال طبابت
در امریکا

16661 Ventura Blvd., No. 225
Encino, CA 91436

Tel: (818) 905-0007

پذیرایی باتعین وقت قبلی

و وحشت زده می شوند و آنچنان خوفی بر آنها
مستولی می شود که سعی می کنند از جمعیت
فرار کنند.

حس بینائی، شنوائی، لامسه، مفهوم اندام
و درک زمان در نظر آنها دگرگون می شود.
حالت و رفتار آنها بر حسب موقعیت مکان
و وضع روحی و عاطفی آنها تغییر پیدا می کند.
حوادث گذشته حتی بدون استفاده از این
قبیل مواد مخدر بطرز پیش بینی نشده ای در مغز
آنها نقش می بندد.

تبصره:

احتمال نمی رود که معتادین در محیط
مدرسه، کارخانه که احتمال دیده شدن آنها
زیاد می باشد به استعمال این قبیل مواد مخدر
دست بزنند. در مراحل اولیه استفاده از این مواد
بصورت گروهی و تحت شرایط مخصوص به
منظور تسریع اثرات آنها روی افراد صورت می
گیرد. ماده LSD بی بو، بی طعم و بی رنگ
است و ممکن است در بدون تزریق شود، ولی
معمولاً می توان با تزریق این ماده در مکهب های
قند، شیرینی و بیسکویت از آن استفاده نمود.

آثار و علائم اعتیاد رانمی توان در آنها مشاهده
کرد.

«مری جوانا» از توتون سیگار سیزتر است.
این نوع سیگار «مری جوانا» اصطلاحاً
Sticks

Joints یا Reefers نامیده می
شوند و ضخامت آنها دو برابر سیگارهای معمولی
است. طول آنها از درازای سیگار معمولی
کمتر است و کاغذ دوسر سیگار یا پیچ خورده
و یا بطرف بالا جمع شده است. ته سیگار
دور انداخته نمی شود و دفعات بعد از آن استفاده
می گردد. «مری جوانا» رادر پیپ هم می توان
دود کرد و کشید و در بیسکویت و سایر شیرینی ها
مخلوط نمود.

معتادین مواد مخدر به اسامی

LSD-STP-DNT-THC

معتادین به اینگونه مواد معمولاً بحالت نشسته
یا تکیه زده آرام در یک وضع خلسه و جذبه (انزود
بیخود شدن) فرو می روند. معتادین هراسان

خبادهاوس ایرانیان

خبادهاوس ایرانیان برای پنجمین سال متوالی در دوشب اول پسخ مراسم
سدر برگزاری می نماید. علاقه مندان می توانند برای رزرو جابا تلفن شماره
۲۰۸-۷۵۱۱ ربای هر فصل ایلولیان تماس حاصل نمایند.



כולם בספר אחד

THE ISRAELI BUSINESS DIRECTORY
GOLDEN PAGES IN U.S.A., INC.
DAPEI ZAHAV™
16610 VENTURA BLVD., SUITE 10
ENCINO, CA 91436

- THE LARGEST IN CIRCULATION (AMONG HEBREW PUBLICATIONS)
- ANNUAL RATES PAYABLE IN 4 MONTHLY INSTALLMENTS
- DESIGNED FOR THE ISRAELI COMMUNITY OF SOUTHERN CALIFORNIA

YOU CAN ADVERTISE
FOR AS LOW AS \$75
(ANNUAL RATE)

שלח עוד היום או התקשר ל-789-9902

CALIFORNIA EDITION 1984

PLEASE SEND ME "THE ISRAELI BUSINESS DIRECTORY"
FREE OF CHARGE.
I WOULD LIKE TO HAVE MORE INFORMATION ABOUT PLACING
MY ADVERTISEMENT IN "THE ISRAELI BUSINESS DIRECTORY"

מעוניין לקבל מדריך דפי-זהב
 מעוניין לקבל אינפורמציה בקשר לפרסום

NAME _____ שם ושם משפחה
ADDRESS _____ כתובת
CITY _____ ZIP CODE _____
TEL.: () _____

ישלח חנינם
לכל דורש

ایساقک

اینهم قصه ای از غصه های ما

پس خداوند موسی را خطاب کرده گفت: وقوم را بگو که برای فردا خود را تقدیس نماید تا گوشت بخورید چونکه در گوش خداوند گریان شده گفتید کیست که ما را گوشت بخوراند زیرا که در مصر ما را خوش می گذشت پس خداوند شما را گوشت خواهد داد تا بخورید. نه یک روز و نه دو روز خواهید خورد و نه پنج روز و نه ده روز و نه بیست روز، بلکه یک ماه تمام تا از بینی شما بیرون آید.

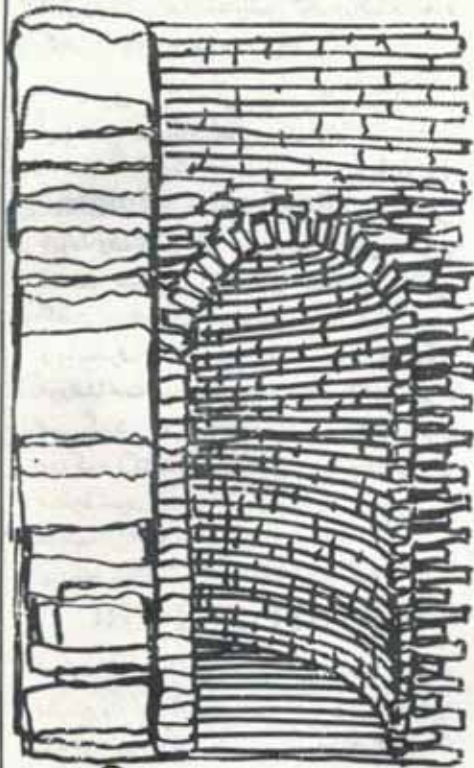
سفر اعداد - باب یازدهم

ایزاک آخرین جرعه را بالا کشید و گilas خالی را بارتبردارد و گفت: «انادر پلیر». آنگاه مائزده دیده به نقطه ای نامعلوم دوخت. سومین گilas که به نیمه رسید دست در جیب شلوار کرد و تمام پولی را که به همراه داشت در آورد و شمرد. چهارتا اسکناس و چندتا سکه. جمعا چهار دلار و هفتاد و دو سنت. دوباره شمرد. چهار دلار و هفتاد و دو سنت. بار اول خیال کرده بود یکی از یک دلاریها، پنج دلاری است. دفعه سوم، چهارم و دهم: چهارتا یک دلاری بود، دوتا کوارتی، یک دایم و دوازده تایک سنتی. پول مشروبش بیشتر از این می شد. صدای تپش قلبش را شنید. یک دزدی آشکارا آنها را این ولایت غریب و بادزد زبان ندانی. عیبی نداشت. و کیسل می گرفت تا به زندان نیاندازندش. اما با کدام پول دیگر. آنچه اندکی موجب آرامش خیالش می شد این بود که از بورلی هیلز و سانتامونیکا و بولوار و پلشر و پاتوق های هم وطنانش بدور بود. جایی بود که ایرانیهای دیگر برای حفظ آبروشان هم شده از آنجا عبور نمی کردند. هر اتفاقی می افتاد لااقل آبروی او پیش آنها می که او را می شناختند نمی رفت. امانه، همانشب ماجرای که به سرا آمده بود در اختیار محلی تلویزیون پخش می کردند و همه می دیدند که آقای «راز پرور» به چه فلاکتی گرفتار آمده. درست همان فلاکت زمان

کودکی. فلاکتی که در سراسر زندگی اش مثل یک کابوس، مثل یک بختک، حلقوم اورا فشار می داد.

برای یک لحظه چشمانش را بهم گذاشت و خودش را در همانجا و در همان حال دید. توی انباری مدرسه اتحاد در خیابان ژاله تهران؛ درون زیرزمینی که گونی های زغال سنگ را بایک مشت آت و آشغال های دیگر روی هم انباشته بودند و فقط در بالای دیوارش روزنه کوچکی بود با چند تامله آهنی. و او باقیافه گریان، چشم از آن روزنه بر نمی داشت و بادست های بیخ کرده اش از بچه هایسی که در حیاط مدرسه، در کنار همان روزنه دولامی شدند و سرک می کشیدند کمک می طلبید. اما بچه ها اورا می دیدند و هراسان می گذشتند و او همچنان لابه و استغانه می کرد و می گریست. فقط یکی از همکلاسی هایش که با او هم محله هم بود به صدای بلند ازش پرسید: «ایساقک نت می دونه؟» و ایساقک سر تکان داد و زاری اش بیشتر شد. و عصر که مادرش از ماجرا مطلع شده بود، توی کوچه پهلوی دروهمسایه اول دو بامی بر فرق اوزد و بعد محکم به تخت سینه خودش کوبید و فریاد کشید که: «الهی جز جگر بزی. الهی که نت به عزت ببنشینه بچه. بحق خدا که تن لشت رو رو تخت مرده شورخونه ببینم. از اون پدر صدیق و میسوا کاروتو پسردزد! آخه این چه خاکی بود تو سورت ریختی» و او هق و هق با صورت خاک زغالی اش گریسته بود و اشک برسیمای سیاهش دوشیار بلند و ناموزون کشیده بود.

صبح آنروز که از خانه اش راه افتاد بین راه لقمه نان سنگک بیاتی را که مادرش با کمی گوشت کوبیده شب مانده برای ناهار بدستش داده بود، آرام آرام به نیش دندان کشیده بود. ظهر که شد بچه های دیگر در ناهار خوری مدرسه که رو بروی همان انبار زیرزمینی، اما هم کف سکوی بزرگ بود، یاروی سکو، و یاروی پله های حیاط گره دستمالهای ناهارشان را باز کردند و شویو به خوردن کردند. بعضی هانان و حلوا ارده، نان و تخم مرغ پخته، نان و پنیر نان و لوبو داشتند و بعضی دیگر که بیشترشان در ناهار خوری جمع شده بودند پلو و عدس، پلو کشمش و پلو باقلا. ایساقک کنار در ناهار خوری ایستاده بود و با حسرت غذا خوردن بچه های دیگر را تماشا می کرد. او پیش از آن چند بار دیده بود که سلیمان، فراش مدرسه که کت و شلوار گل و گشادی می پوشید و کلاه کهنه لبه داری به سر می گذاشت و با کفش های مندرس زخمتش خرت و خرت راه می رفت، همینکه بچه ها ناهار خوری را ترک می کردند او به بهانه تمیز کردن میز و نیمکت های



۱۲۰

چوبی وارد ناهار خوری می شد و ته مانده خوراکیها را در یک کاسه می ریخت و با ولع چند مشت پلوی قاطمی رامی خورد و بعد کاسه را در دستمال بزرگی می پیچید و کنار می گذاشت. ایساقک گمان کرد که آنروزمی تواند ز رنگی کند و روی دست سلیمان بزند. همینکه ناهار خوری را خلوت دید وارد میدان شد. اما لقمه دوم در دهانش بود که سلیمان پیشش را گرفت و با خشم گفت: «مال مردم رامی خوری؟» ایساقک لقمه دهان را جوید و ناچار دیده قورت داد و گفت: «مال خودم بود» و بزورخواست خودش را خلاص کند اما سلیمان گفت: «ارواح بابات. تو گفستی و منم باور کردم» و او را به دفتر مدرسه کشاند. الم شنگه ای بیپاشد. یک پسرک یهودی فرمان «دزدی مکن» را نادیده گرفته بود. آنها هم در مدرسه اتحاد که اگر خبر به گوش «مسیوکوهنکا» می رسید مدرسه رامی بست و بچه ها را از درس خواندن محروم می کرد. نیم ساعت بعدش ایساقک در هلفدون، در انبار زغال سنگ، زندانی شد.

آیا این اطفاکک نیمه تاریک و مخرو به ایکه ایزاک الان در آن نشسته بود و عرق می خورد همان انبار زغال سنگ مدرسه نبود. پس همزبانهایش کجا بودند؟ یک مرد یغور که ظاهراً راننده کامیون بود و بازوهایش خالکوبی رنگارنگ داشت وارد شد. سر ددستش را بکمراگرل فرزندش حلقه زده بود و دختر که زیبا بود و چشمانی آبی داشت یک شلوار جین پاره

پوشیده بود و نفاش پیدا بود. هر دوروی صندلی های بلند بارنشستند و هر کدام سیگاری آتش زدند. ایزاک پیداد دختر خودش گیتی افتاد که دوهفته می شد از او بی خبر بود. گیتی همان قدوقیافه راداشت، منتهی سبز و بانمک، باچشمهای درشت و گیسوان سیاه.

گیتی که بدنیآآمد دنیا دنیای آقای راز پرور بود، زندگی او بکلی از این رو به آن روشده بود. باشاه پالوده می خورد. از سه چهارسال پیش از آن بخت به او آورده بود. تازه «هتل رو یال هیلتون» را تاسیس کرده بودند و عروسی اقدس خانم با آقای «کاوس راز پرور» یکی از اولین جشن هایی بود که در این هتل بهیامی شد. سبدهای گل سراسر صحن مجلس را پوشانده بود. هنگامه ای بود. در میان مدعوین آدم های سرشناس بچشم می خوردند اما آنکه در جمع آنان به حساب نمی آمد پدر پرورنچور داماد «ملا مراد» بود که وقتی ایساق به مدرسه می رفت اودر خانه ها، برای رحمت در گذشتگان تورا سیدور می خواند و از این راه گذران زندگی می کرد. خیلی ها نمی دانستند که اسم محلی آقای کاوس راز پرور «اسحق ملا مراد» بود و او باچه مکافاتها بعدها موفق شده که اسم قامیلش را عوض کند و در شناسنامه اش بنام «اسحق راز پرور» نامیده شود.

در روز تولد گیتی، از عمر یکی از کارخانه های بزرگی که او از سهامداران عمده اش بود یک سالی می گذشت. آنروز اعلیحضرت برای بازدید آن تشریف فرما شده بودند. راز پرور بیش از یک ساعت باشاه قدم زده بود، دوش بدوش او یکبار شاه از او پرسیده بود «محصولات کارخانه رابه خارج هم صادر می کنید» و اودر حالیکه مؤدب ایستاده بود و دست روی دست گذاشته بود جواب داده بود: «بله قربان. عمدتاً به افغانستان و کویت».

زنک امریکایی گیلان مشروب سرخ رنگ رادرمشت داشت و میان پک های سیگارش آنرا مزه مزه می کرد. نگاه ایزاک حرکات دست آن زن رادنبال می کرد و عشو شراب رامی دید که زن رابیسازی می گرفت. در شب عروسی، باشکوهترین و پرراز و رمزترین لحظه برای ایزاک آن دم بود که لیوان زیبا و ظریف شراب را، به آرامی از دست رها کرد و نقش آنرا بر زمین دید که همچون گل سرخی می شکفت و بازو خندان می شد و محو و ناپدید می گردید. همچوقت ندانست و هرگز از کسی نپرسید که معنای این کار چیست؟ آیا مفهوم آن این بود که روزی زندگی، لااقل زندگی زناشویی، همچون جام شیشه ای شراب خواهد شکست. آقای راز پرور اینجا چه می کرد. چه کس

یاچه چیز او را به اینجا کشانده بود. نمی دانست. مگر خودش خواسته بود که در آن سیاه چال مدرسه اتحاد زندانی بشود. دایره کامل شده بود. دورزندگی تمام شده بود. اصلاً او که بود شخصیتش در کدام قالب شکل گرفته بود. اسمش چه بود. ایساق؟ اسکات؟ کاوس؟ ایزاک؟ اسحاق ملا مراد؟ ایزاک راز پرور؟ گدا بود؟ پولدار بود؟ موفق بود؟ شکست خورده بود؟ خودساخته بود؟ بازیچه دست روزگار بود؟ همه اینها؟ هیچکدامش؟ نمی دانست. نمی دانست. فقط یک چیز برایش مسلم بود و آن اینکه همه جا مثل یک مقلد عمل کرده بود. دیده بود دیگران چه می کنند و او هم دنبالشان افتاده بود. دیده بود دیگران چه می گویند او هم گفته بود. یک موجود خالی از شخصیت بود. یک تقلیدچی بود. از همان موقع که از کار سلیمان فراش مدرسه تقلید کرده بود تا الان همه اش در این مسیر پیش رفته بود. آیا الان هم میخوارگی او یک ادا اتوار پوچ، یک تقلید مسخره از فیلم های درجه سوم چهارم امریکایی نبود که مرد بازنش بگومگویی کند و بعد به میخانه پناه می برد!

ولی آیا آنچه بسرا آمده بود یک بگومگویی ساده بود؟ اقدس دومه پیش آخرین پنج هزار دلاری رادرقمارخانه های لاس و گاس ساخت. به دنبالش آن جنگ و دعوا بین زن و شوهر چنان بالا گرفت که هر چه ازدهانشان درآمد بهم گفتند و خوب همدیگر را شستند و کنار گذاشتند. اول اقدس قهر کرد و رفت و بعدش هم گیتی و سهراب پدر راتنها گذاشتند. اکنون در این لحظات تاریک زندگی، ایزاک همانجاست که سالها قبل بود. تک و تنها در یک زندان تاریک. اصلاً چه شده که او از لوس آنجلس سردر آورد. او را به این خراب آباد چه. تمام آن پولهای نازنین رانفهمیده و نسنجیده بیاد داد. دریغ! همان اول به عیال گفته بود که می شود با سود معمولی اش یک زندگی عالی داشته باشند اما زنش به او خندیده بود و گفته بود: «مگر دست اینجوری شده که بنشینم خانه و از پول نزول زندگی کنی. چشمات را واکن بین مردم دیگه چه می کنند تو هم بکن. برو زمین بخر، بساز بفروش کن، بیزنس وازکن، کارخونه بخر، به دلار بگذار ده دلار وردار». و او خام و نادانسته خیال کرد اینجا هم همان خاک پاک است که زمین رادر چاله خرگوشی یا جاهای دیگر که اصلاً نمی دانست کجا هست، متری یک قران می خرید و می فروخت متری دوتومن و ده تومن و بیست تومن و کارخانه دنبالش کارخانه بازمی کرد و یک پاپاسی مالیات به دولت نمی داد. رفت دار و ندارش را روی مستغلات و بیزنس گذاشت

و همه رامفت ازدست داد. بهمان آسانی که پولها روی هم انباشته شده بود بهمان سادگی نیز پردر آورده و رفته بود. اما در تمام این مدت، در تمام این سالها، مستر راز پرور نتوانست آن احساس گرسنگی کذایی رافر اموش کند که موجب گرفتار شدنش در مدرسه گردید. همیشه گرسنه بود. همیشه ولع خوردن داشت و همیشه حس می کرد گدا و نادار است. گرچه روزی که به این دیار آمد آنقدر خورده بود که داشت بالا میزد و ای باز خودش را همان ایساق مدرسه اتحاد می دید.

در همان بحبوحه پولسازیش که شماره و ینلایهای شخصی اش در داخل و خارج به پنج رسیده بود وقتی که از طرف «انجمن» به سراغش رفتند و به او گفتند بعلی آشکار و روشن احتیاج به کمک فوری هست، او شروع کرده آه و ناله و به «امت» قسم خوردن که سفته هایش دارد نکول می شود و برایش اخطار مالیاتی دوازده هزار تومانی آمده و از این قماش حرفها. و دست آخر با اکراه و بی میلی دست کرد جیبش و یک چک دو بست تومانی نوشت و کلی هم احساس بخشش و بزرگ منشی و گشاد دستی کرد. اما فرداشیش که بخاطر چهارمین سال تولد سهراب بزمی در خانه بپا کرده بود به خانم گوگوش، در جوار پاداش چند هزار تومانی، سه سکه طلای زر ز شایاش داده بود.

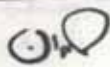
ایزاک باسکه های دستش بازی می کرد و آنها را از این کف دست به آن کف دست می ریخت. توی عالم خودش بود و سرش پایین. زندگی برای او یک خواب و خیال می آمد. خوابی و خیالی که بیشتر با کابوس و وحشت همراه بود تا یک رویای آرام خمار آور. در قایق زندگی، با پایین و بالا شدنهای شگفت و ناخواسته ای که پشت سر گذاشته بود اکنون لااقل باید آنطرف ساحل باشد ولی او حس می کرد همان همانجاست که در خردسالی بوده. در همان نقطه، با همان احساسها و همان موقعیت. تنها عمری از او گذشته. چشمها را چند لحظه متوالی بهم مالید. آیا واقعاً خواب نمی دید. آیا همه آنچه دیده بود و بر او گذشته بود واقعیت داشت.

آن مرد خالکوبی شده مابقی پولش را که از بارتندر گرفت، دودلاره او پس داد و دست گرل فرزندش را گرفت و از میخانه بیرون رفت. ایزاک به ساعتش نگاه کرد. درست دو ساعت تمام می شد که روی آن صندلی نشسته بود و عرق خورده بود و فکر کرده بود. یکباره دلهره اش رفت و لبخند مرده ای بر لبانش نشست.

ساعت طلایش رامی توانست پیش صاحب بار و دیعه بگذارد تا مابقی پول مشروبش رافر دا بیاورد.

هوشنگ ابرامی

وخدازن راآفرید...



خداوند با جلال و جبروت کبریائیش بر کرسی بلند و عالی خود نشسته، ششمین روز آفرینش را آغاز می کرد. آسمان ها و زمین، ستارگان و ماه و خورشید، حیوانات و پرندگان و خزندگان و ماهی ها و خلاصه همه و همه چیز را آفریده بود. «آدم را شبیه به خود آفرید و گفت خوب نیست آدم تنها باشد و باید برایش شریکی موافق خودش بسازم».

آفریدگار بزرگ تمام حیوانات صحرا و پرند های آسمان را نزد آدم آورد تا ببیند که چه نام خواهد نهاد و هرگونه «آدم» آنها را خواند همان نامشان شد، ولی هنوز برای آدم «معاونی موافق» یافت نشده بود. بزودی ششمین روز آفرینش به شب می گرایید، این آخرین روز شمار می رفت و خالق متعال می خواست موجودی بیافریند که هم حسن ختام کم نظیری برای آفرینش بشمار رود، هم شریک مناسبی برای آدم باشد و ضمناً موجودی با لیاقت و پرتوان و فداکار بنام مادر که ذره رادر بطن خود پرورش دهد، اورا بدنی آورد و از وی یک انسان بسازد. فرشته ها که خداوند را برای مدتی طولانی در تفکر و تعمق دیدند نزدیک شدند و گفتند: «این چه تافته جدابافته ایست که برای آفرینش اینهمه وسواس و تفکر لازم است؟»

خداوند باری تعالی پاسخ داد: «من می خواهم مادر «جمع زندگان» را بیافرینم از اکنون تا ابدیت، هر چه احتیاط و تفکر کنم باز کافی نیست، زیرا که او باید جمع اضداد باشد. به ظاهر لطیف و ظریف و شکننده تا جلب توجه آدم را بکند و در او اشتیاق به تولید مثل و تشکیل خانواده را برانگیزد، باشد که آدم با علاقه و عشق این

مسئولیت را بپذیرد و زندگی او و خودش و فرزندانشان را اداره کند. این موجود باید در عین حال بقدری سخت و محکم باشد که تمام زحمات همسری و مادری او را از پادر نیاورد. بهمین دلیل باید گاه چون برگ گل لطیف و آسیب پذیر و زمانی چون کوه، سخت و خدشه ناپذیر باشد. از آنجا که سرخ زندگی خانوادگی را در دست داشتن و اداره فرزندان دشوارترین مسئولیت ها است این موجود بیش از هر موجود دیگری از تمام اعضای بدنش کار خواهد کشید. مغز و قلب و روح و استخوانها و خلاصه تمام وجود او مرتباً باید در حال فعالیت باشد، گاه حتی یک لحظه غفلت هم مقدر نیست».

یکی از فرشته ها بانگرانی گفت: «اگر چنین است گمان کنم بهتر باشد که این موجود با قطعات یدکی آفریده شود. چون اگر یکی از اعضای بدنش آسیب ببیند فرصتی برای از کار بیکار شدن ندارد».

خداوند جواب داد: «این فکری نیست ولی چون نمی خواهم آدم دچار حسادت شود نمی توانم شریکش را با اعضای یدکی بیافرینم، در عوض برای اجرای این منظور مادر را چنان جان سخت و قوی می آفرینم که به هر حال و روزی بود بتواند خود را بکشد و شوهر و بچه هایش را اداره کند».

فرشته ها به جنب و جوش افتاده بودند، مجسم کردن موجودی بنام مادر با این خصوصیات ضد و نقیض آنها را دچار هيجان کرده بود. هر کدام سعی می کرد پیشنهاد جالب و سازنده ای بدهد تا شاهکار آفرینش با وجود موجودی استثنائی و کم نظیر بنام مادر تکمیل شود. فرشته دیگری پیشنهاد کرد: «این موجود

اگر هیچ عضو یدکی نداشته باشد اشکالی نیست ولی اگر مثل آدم فقط دودست داشته باشد مطمئناً دچار مسأله می شود، ای کاش شش جفت دست می داشت، چون گاهی اوقات همه بچه ها و هم چنین شوهرش تماماً از اوتوقع کار و رسیدگی خواهد داشت، در چنین صورتی بهر کدام برسد دیگری ناراضی می شود، پس بهتر است شش جفت دست داشته باشد».

خداوند پاسخ داد: «همانطور که گفتم اگر چنین استثنائی قائل شوم «آدم» دچار بغض و حسد می شود. تازه همین که این موجود زندگی بخش خواهد بود به اندازه کافی آدم را با حسادت بی خود آگاه دست بگریبان خواهد کرد، نباید این حسادت را افزایش داد. البته می توانم به دست های او قدرتی در حد و توان شش جفت دست بدهم. در هر حال دستها برای من مسأله ای نیست، مسأله اصلی مسأله چشم ها است، برای اینکه کارها را روند عادی داشته باشند مادر حد اقل به سه جفت چشم احتیاج دارد. یک جفت چشم برای انجام کارهای روزانه، یک جفت چشم برای پشت سرش تا آنچه را که بچه هاش می خواهند مخفیانه انجام دهند ببیند و یک جفت چشم هم لازم دارد تا بتواند بچه هارا از پشت درهای بسته کنترل کند...»

یکی از فرشته ها اضافه کرد: «بنظر من چهار جفت چشم بهتر است، چون وقتی مادر مثل یک شعبده باز این چنین درگیر بچه ها است آدم ممکن است احساس تنهایی و بی حوصلگی کند و سراغ زیباروی دیگری برود تا از محبت بیشتر برخوردار شود. چهارمین جفت چشم برای کنترل شوهر در خارج از خانه لازم است».



دکتر ایرج دردشتی

دارای بردتخصصی بیماریهای داخلی

فوق تخصص در بیماریهای قلب و عروق
عضو کادر پزشکان بیمارستان سیدرسانای

تلفن ۹۲۰۰-۵۵۲ (۲۱۳)

2080 Century Park East
Suite 1010, Los Angeles

دکتر شیرزاد ابراهیمیان

Shirzad A. Abrams M.D.

جراح و متخصص بیماریهای استخوان

مفاصل، ستون فقرات و شکستگیها

DIPLOMATE AMERICAN BOARD OF
ORTHOPEDIC SURGERY

501-5326

تلفن ۵۳۲۶-۵۰۱

16311 Ventura Blvd. Suite 520
Encino, Ca. 91436

در منطقه انیسینو

دکتر بیژن بروخیم



جراح و متخصص بیماریهای زنان

زایمان و نازائی

Diplomate American Board of
Obstetrics and Gynecology

تلفن: ۶۷۷۵-۵۰۱

16311 VENTURA BLVD.
SUITE 745
ENCINO, CA 91436

9024 BURTON WAY
BEVERLY HILLS, CA. 90211

نگه میدارد».

خداوند توضیحات بیشتری در مورد این موجود داد، یکی از فرشته ها گفت: «باید موجود زیبا و لطیفی باشد».

خداوند اضافه کرد: «ولی سخت و محکم و قوی است، بگذارید کارم تمام شود تا بی ببرید که از چه قدرتی برخوردار است، چه کارهایی از دستش برمی آید، چه پوست کلفت و صبر و طاقت پایان ناپذیری دارد».

فرشته ها متفقاً گفتند: «حتماً باید دو صفت آخری را بیش از حد دارا باشد و گرنه نیمه کاره از مقام خود استعفاء می دهد».

یکی از فرشته ها سؤال کرد: «آیا این موجود مثل آدم قدرت تفکر دارد؟»

خالق یکتا پاسخ داد: «قدرت تفکر که دارد ولی در مصالحه و سازش هم بی نظیر است، و با همه می تواند کنار بیاید».

خداوند از طرحی که به نظرش آمده بود بی نهایت راضی بنظر می رسید. چنان کرد که خوابی عمیق بر آدم مستولی شود، سپس یکی از دنده های او را گرفت و گوشت درجایش پر کرد و از آن دنده زن را آفرید.

یکی از فرشته ها پرسید: «چرا زن مثل مرد از خاک آفریده نشد؟»

خداوند پاسخ داد: «گفتم که زن باید بظاهر لطیف و دراصل موجودی محکم و سخت باشد، خاک ماده نرمی است، استخوان محکم تر و مقاوم تر است. از طرفی همین گرفتن دنده از آدم سبب خواهد شد که او همه کس خود را ترک کرده به زن خویش بپیوندد تا یک تن شوند».

فرشته ها مات و متحیر به یکدیگر نگاه کردند، همگی محو شاهکار خداوند بودند.

یکی از فرشته ها گفت: «عجب خالق خوش سلیقه ای!»

فرشته ای که بوسه شفا بخش را پیشنهاد داده بود گفت: «عجب نبوغی، خداوند فکر همه چیز را کرده است، اگر زن را از دنده آدم نمی آفرید، آدم راحت طلب در دروازه خانه و خانواده و تأمین معاش را بخود نمی داد، ولی حالا چاره دیگری ندارد باید به جفتش بپیوندد» (تا یک تن شوند».

خداوند با همه خستگی راضی و خوشحال بنظر می رسید، ششمین روز آفرینش رو به پایان می رفت و پروردگار با رضایت خاطر پذیرای روز استراحت و آرامش می شد.

•••

توضیح نویسنده: الهام بخش من در نگاشتن این مقاله، یک طنز کوتاه امریکایی بوده است.

نوشته: گیتی بروخیم (سیمانتوب)

خداوند سری تکان داد و گفت: «اینها همه فکرهای مناسبی است ولی عملی نیست، «آدم» دو چشم هرگز موجودی را با چهار جفت چشم نمی پسندد. باید به مادر هم دو چشم بدهم ولی دو چشمی که قدرت و مشخصات تمام چهار جفت چشم ذکر شده را دارا باشد».

فرشته زیبارویی جلو آمد و با صدای لطیف گفت: «این طور به نظر می رسد که شریک «آدم» نباید تفاوت های ظاهری چندان محسوس با خود آدم داشته باشد پس باید قدرتهای اضافی در اختیار او گذاشته شود که به چشم نخورد ولی احساس شود...»

یکی از فرشته هادستی به کمرش زد و گفت: «پیشنهاد بخصوصی در نظر داری زودتر بگو و گرنه با اظهار نظرهای عجیب و غریب کار را دشوارتر نکن، بزودی شب می شود و هنوز این موجود آفریده نشده».

فرشته قبلی باز با همان صدای لطیف و ظریف گفت: «بله من پیشنهادی دارم چطور است بوسه های مادر شفا بخش آفریده شوند، بوسه هایی که قادر باشند یک دست شکسته را به همان خوبی شفا دهند که قلب شکسته را، بابوسه مادر اگر زخم هابه ظاهر شفا نیابند، حداقل دردشان از میان برود، به این ترتیب معجزه بوسه مادر به چشم نخواهد خورد ولی قابل احساس خواهد بود».

پیدا بود که پیشنهاد آخری صد درصد مورد پسند خداوند واقع شده، چون با همه خستگی لیختی بر لب آورد، نگاه نحسین آمیزی به فرشته مزبور کرد و گفت: «باز هم پیشنهادهایی از این قبیل داری؟»

فرشته گفت: «من در طول مدتی که شما وظایف طاقت فرسای این موجود را شرح می دادید در فکر بودم، به عقیده من اگر از چهار خاصیت دیگر برخوردار نباشد کارش با اشکال مواجه می شود. یکی حوصله عجیب و غریب، یکی گذشت فراوان، سوم حس پیش بینی بسیار قوی تا خوب و بد فرزندش، دوست و دشمن او و آنچه را که برایش مناسب یا مضر است تشخیص دهد. و بالاخره کلامی جادویی و نفوذ پذیر تا بتواند فرزندش را متقاعد کند».

خداوند با تکان دادن سر موافقتش را با تمام این پیشنهادها ابراز می کرد و بالاخره گفت: «به خلق آن موجود ایده آل و مورد نظر بسیار نزدیک شده ام. این موجود حتی با جسم بیماری تواند وظایفش را انجام دهد، بابوسه اش رنج و درد فرزندش را کاهش می دهد، با هیچ و پوچ غذای خوش طعم و بویی رو براه کرده، شکم چند بچه را سیر می کند، در عین حال نازک نارنجی ترین عضو خانواده یعنی آدم را هم خوشحال و راضی

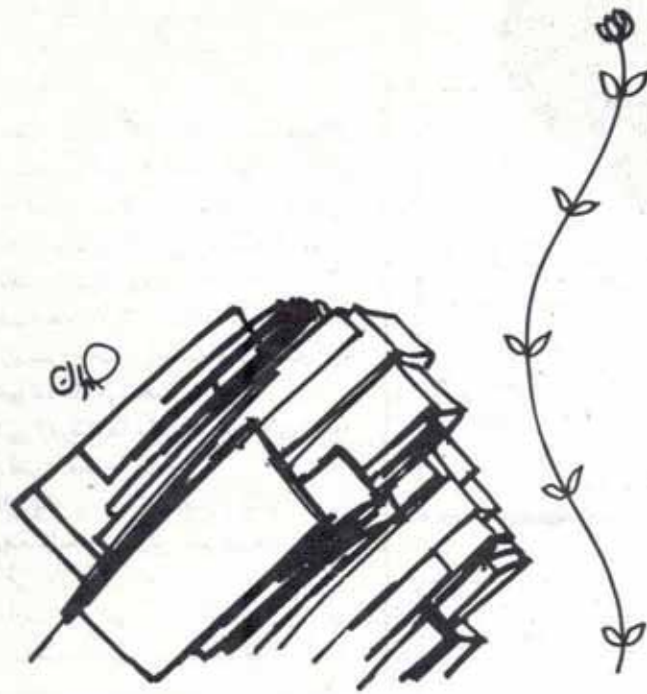
میسرات گرانبهای نیاکانم، آنهم در این دیار غربت، برای فرزندانم می خواستم بیادگار بگذارم. موضوع وقتی حالت جدی بخود گرفت که طرف عصردخترم بعد از یک مکالمه تقریباً کوتاه تلفنی، ورودیک میهمان «غریبه» اما بقول خودش «آشنا» را بمن اطلاع داد. جمعه شب بود دختر بزرگم باشوهرش طبق معمول شام منزل مادعوت داشتند. بوی چلوخورش ایرانی درآپارتمان کوچک افتاده ونورلرزان شمع های شب شنه اتمسفر خاصی درفضا ایجاد کرده بود. هنگامی که زنگ درمنزل به صدا درآمد دخترم تروتازه چون گل وشاد وسبکبال چون پروانه به طرف دررفت ومیهمان را بدرون دعوت کرد.

بادیدن طرف فیلم حدس بزنی «چه کسی برای شام می آید» درنظرم زنده شد. البته من نه هنر کاترین هیسبون رادارم ونه چون اودرو بیلابی رویایی زندگی می کنم، امانی دانم چرانبظرم آمد که شوهرم دارد وارد جلد اسپنسرتریمی می شود. دراین فکر بودم که برای جلوگیری ازوقوع هرنوع فاجعه ای ازدختر بزرگم ودامادم طلب استمداد کنم. میهمان جمعه شب من یک پسر طلایی رنگ ژاپنی بود! باچشم های بادامی ولبخندی آرامش بخش. ابتدا مشروبوی راکه باخود آورده بود به طرف من دراز کردوگفت:

شراب کاشراست مخصوص شب شنه. درتمام مدت صرف شام هواسم پیش شوهرم بود که مبادا کاری کند تا دخترم از کوره در رود هر چند مطمئن بودم که چنین کاری نخواهد کرد! چون بین خودمان باشد مردان ایرانی اصولاً مثل چراغ های نشون هستند که فقط مقابل خود را نورروشنایی می بخشند اما از طرف داخل که نگاه کنی جز تاریکی ودوده سیاه چیزی نمی بینی! امیدوارم حقیقت تلخ آزارشان ندهد اما مردان ما دراین جور موارد بسیار خوش برخورد وآداب دان هستند وعکس العمل خود را یک جاچک می کنند! شوهر منم با طرف سرگرم خوش وبش بود وصحبت بر سر زیبایی های ژاپنی وهمینطور گفتگویشان حسابی گل انداخته بود. اما چشمستان روزید نیند تا میهمان چشم بادامی من پایش را ازخانه بیرون گذاشت شوهرم درست مثل بمب ساعتی حاضر وآماده وبدون تأخیر منفجرشد:

بفرما، توی اینهمه گرفتاری دلداد بودائی کم داشتیم که آتم از دولت سرشما، دختران یعقوب نصیبم شد! البته روی سخنش ومخاطب خشم وغضبش من بودم! درست مثل اینکه با دخترم شریک جرم بوده ودرا انتخاب او سهیم بوده ام. پسرم خواست موضوع را از دید شوخی بگیرد به همین دلیل گفتم:

بابا، تو که حمام ژاپنی دوست داشتی! اما



«دختر من و... مردان خارجی»

سینه اش بزنی! وبعد مردانه وار آنهم ایرانی وار! بادی به غیغب فروانداخت وافزود حالا دیدی مردهای خارجی چند مرده حلاجند، نه محبت زن وبچه سرشان می شود ونه مسئولیت زندگی زناشویی. هروقت دلشان هوای دیار دیگر کرد به آسانی به همه چیز پشت پا می زنند. دخترم آمد وکنار برادرش نشست. دستها راستون چانه کردودرحالی که نگاه نافذش رابه اودوخته بودگفت:

اخوی جان! باید به عرض مبارک برسانم که محبت مردخارجی نسبت به فرزندانش بی شیله و پیله است وبدون چشم داشت چون اودر وجود جوانه ظریف فرزند چوب محکم عصای پیری رانمی جوید! عشق وعلاقه اش هم نسبت به زنش بدون تکلف است ونخالی از ریا. چون در وجود زن لذت مالکیت برایش مطرح نیست. اگر تو مسأله مالکیت رابه مسئولیت اشتباه کرده ای حق داری که مردان ایرانی را واقعاً مسئول بدانی! آندو باشور وهیجان زیادی به بحث خودادامه دادند ومن با آنهم آشتنگی روحی وفکری با احساس خاص مادری متوجه شدم که دخترم نه از حق خود بلکه از قماش مردان خارجی وشاید هم یک مردخارجی بخصوص دارد دفاع می کند! وازاین فکر ناگهان دلم لرزید. چرا که من مذهب وملیت رادردر

درآپارتمان که پشت سر «شیرغزان» خانه بسته شد دخترم جوانترم از اطاقش بیرون خزید وبالحسنی دلداری دهنده گفت: واقعاً که مردها هم، شوهرش رادرا آورده اند. زن بیچاره از صبح بقول معروف بخرد، بپزد وبسازد وبچه بزرگ کند وچرخ زندگی را بچرخاند تازه اینهم دستمزدش باشد. جداً که مامان خیلی صببروطاقت داری من یکی که فکر نکنم اهلش باشم. من امکان نداردم مردی اجازه دهم چنین رفتاری بامن داشته باشد. من... سعی کردم خشم خود را فرودهم امامتاسفانه بیهوده بود وآواری که شوهرم سزاوارش بود بر سر دخترم فروریخت: آنقدر من ومن نکن. منم ازاین غلط هاز یاد می کردم اما وقتی که وارد گودشدم دیگر راه فراری باقی نمانده بود. زندگی همین است وبرای من وتوهم ابداع نشد، بنابراین از حالا بخودت وعده ووعدیدی خودی نده. دخترم بامثالت خشم وعصبانیت مرابجان خرید وبالبخند فیلسوفانه ای گفت: نه مامان اشتباه می کنی زندگی همینطور «بود» اما این چنین «نخواهد» ماند. حداقل برای من. چون من زن مرد ایرانی نمی شوم. پسرم که گوشه هال مشغول سروکله زدن بایک وسیله برقی بود با زیرکی گفت:

حالا بگذار یک ازجان گذشته برای خواستگاری توقدم بچلو بگذارد آوقت دست رده

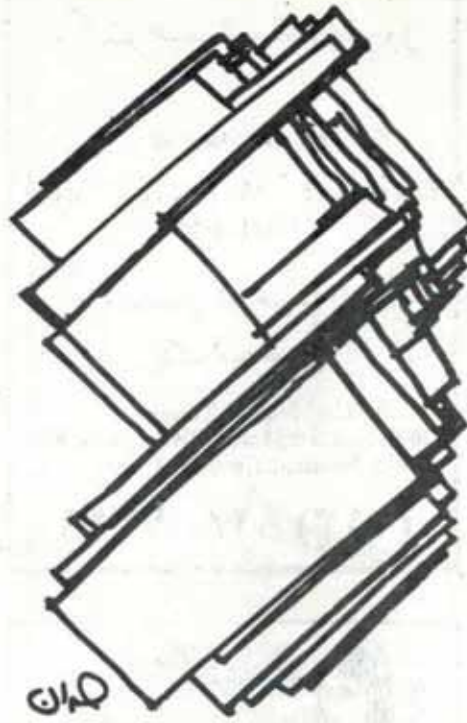
شوهرم تلخ تر از آن شده بود که باین شوخی هامالایم شود. وهیمنظور داشت غرولند می کرد. دخترم که مشغول جمع آوری میزشام بود بامثباتت وصبرکه کاملاً اجباری ومشهود بود گفت:

بابا، تومارازتهران برداشتی وآوردی روی دامنه های هالیوود، اما توقع داری که مثل تهران زندگی کرده وتنها باایرانیها معاشرت داشته باشم؟ قبول کن که غیرممکن است. وانگهی چطوروقتی که پسرنازنینت رادرجوار دخترهای جورواجور ورننگارنگ خارجی می بینی نیست تابناگوش بازمی شود وکیف می کنی وبعد هم باخنده وشادی به پسرمت می گویی باباجان ازاین تیکه هابرای بابات هم درنظر بگیر. خوب منهم یک دوست وهمکلاس دانشکده ام رادعوت کرده ام. گناه کبیره مرتکب نشده ام تاسزاواراین طوفان نوح باشم. اماشوهرم طبق معمول نه تنها منطبق سرش نمی شد، به کسی هم فرصت نمی داد تامشکل رامورد بررسی قرار داده وراه حل عاقلانه ای پیدا کند. هیمینطور مشغول گردوخاک بود. دامادم، سعی کرد غیرمستقیم مثلاً به کمک اوشتابد. این بود که بالحن ملایمی گفت:

منظور بابا این است که باوجود این همه جوان پرهنر وخوب یهودی ایرانی توچرا بایک ژاپنی دوست شده ای؟ ودخترم حاضر وآماده گفت: بله، اینهمه جوان ایرانی. اما اینها تنها آب وخاکشان راعوض کرده اند وگرنه هنوز هم طرزفکرو رفتارشان درمورد زن مثل بابابزرگشان است. خودشان هفته ای یک دوست دختر عوض می کنند اماتامادخترها رادرکناریک پسر می بینند خدایم داند چه افکاری از مغزشان می گذرد. نخبیر من تصمیم دارم زنی مستقل باشم چه دررل زن خانه وچه درحرفه خودم. من آزادی واستقلالم رادرگرو قباله ازدواج نخواهم گذاشت. وتاصورت سرخ شده چون انار پدروبرادر وشوهر خواهرش رادید بانندان های فشرده افزود:

صحبت از آزادی مسکن نمی کنم که اینطور ترش کردید. شدیکبار زنی حرف از آزادی بزند وشما مردها بدتعبیر نکنید؟ دراینجا دختر بزرگم وارد معرکه شد. وشاید برای اینکه «کمپلماتی» به شوهرش کرده باشد گفت:

من باتوموافقی هستم امامثل توبدین نیستم. همه رانباید به یک چوب رانند. پسر خوب وروشنفکر زیاد است وآنوقت عاشقانه دست بدورگردن شوهرش انداخت. اما دختر جوان ترمن که صراحت ورک گویی رازمادری پروریش به ارث برده بود وآنشب تصمیم داشت دراین مورد سنگ تمام بگذارد بادلخوری گفت:



خوبه. خوبه. شوهر دادن ترا اگر امامان زیاد برده باشد من فراموش نکرده ام. یادت هست که برای جهیزیه ومهریه چقدر بابا و پدر شوهرت باهم کمیسیون تشکیل دادند؟ یادت هست که توی این دیار غربت وباین خانه های قوطی کبریتی ازهیچیک از مراسم بی شمار قبل وبعد از نامزدی وعروسی چشم پوشی نشد. از مسایل دیگر حرفی نمی زنیم چرا جایش نیست، اما هر کس بمن نصیحت کند توی یکی ساکت باش. ای دادو بیداد. جنگ داشت مغلوبه می شد وآتش آن دامنگیر دختر ودامادم. جایز نبود بیش ازاین رل شونده رابازی کنم. ویاتما شایچی ظاهراً بی طرف باشم. می خواستم وارد جریان صحبت شوم بدون اینکه مستقیم اظهار نظری کرده باشم. درضمن میل نداشتم به هیچ وجه مطلب رادرز گرفته ویامیرش رابیندم. چاره ای نبود. می بایستی شوهرم رامورد حمله قرار دهم وازاین بابت چندان هم متأسف نبودم. توو یا هم چنان تو که به یهودیت اعتقاد دارید وسنگ مرد ایرانی رابه سینه می زنید، برای به اثبات رساندن نظریه خودتان هم که شده حداقل سعی کنید جلوه های خوب آنرا بیشتر ارائه دهید. وگرنه بی مایه فطیر است. هرگز به فکر شما خطور کرده است که دختران ماتصویر مردان آینده خود رادر وجود پدروبرادر ومردان خانه ویاقامیل می بینند؟ معیار قضاوت دختران مادرباره مرد آینده آنها شما هستیو... قیافه مردان حاضر درهم رفت! اما چهره دخترم ازهم شکفت. جان گرفت. می دانست که با الوهر مرز هم سنگر نشده ام. برایش مسلم بود که بی چون وچرا تسلیم نظریه اش نشده ام.

چون مرا خوب می شناخت. آنچنان که اگر در جبهه مخالفش می دید تعجب نمی کرد اما چشم در چشمانم دوخت. خطر تنها ماندن، واز دست دادن پشتیبانی چون مرابجان خرید وصادقانه گفت:

مامان حرفت راتمام کن ودرضمن عقیده ات راهم بگو! به خشکی گفتم: من وقتی نظرم رارائه می دهم که حائز اهمیت باشد وگرنه ترجیح می دهم برای خودم نگاهش دارم. واو یک لحظه هم تردید بخود راه نداد ومصصمانه گفت: وتو خوب می دانی ارزش گفته هایت را، وقدرت سازندگی انتقاد را. دلم آرام گرفت. هنوز از دستش نداده بودم. نه این حقیقتی است انکار نکردنی. مازن های ایرانی، بخصوص یهودیان ایرانی اگر جسم وجان، مال ومنال، فکرو روان، و خلاصه همه وجودمان در بست درگرو مردی بنام شوهر است اما صاحب بچه هایمان هستیم - البته این شمشر دولیه باعث دردسرهای بسیار نیز هست که بحث آن در اینجا جایز نیست. اما کدام زنی است که باغورور در خلوت خود به این موضوع نیندیشیده باشد؟ راستی که چه موهبتی است. اما اینهمه چون مواهب دیگر نه تنها رایگان بدست نمی آید بلکه بسا خود خسارت هایی نیز دارد. ویکی از خساراتش مسئولیت بیشتر مادراست. درست است که من از شوهرم ومردان خانه ویاقامیل توقع دارم که چهره ای خوب وراستین از مرد یهودی به دخترم ارائه دهند اما زنی بودن، آنهم زن یهودی بودن راجز در دامان من جایی دیگر نخواهد آموخت. قوایم راجمع کردم. گلدان بلوری کنار اطاق رابه دخترم نشان دادم وگفتم:

این گل های قشنگ در کنار هم یک دسته گل «همهانگ» ودلپذیر رابوجود می آورند اما هرگز قابل پیوند به یکدیگر نیستند چون هر یک از آنها در نوعی از خاک بخصوص رشد کرده وبه مقدار معینی از آب ودرجه حرارتی متفاوت نیاز دارد. من فکر می کنم، نه اطمینان دارم که تو امشب تنها یک دوست رابخانه آورده ای چرا که اگر توبه نظرم ایمن داری منم به تربیتی که بتو دادم اعتماد دارم. امیدوارم که هیمینطور باشد واشتباه نکرده باشم، در غیر این صورت خطای اصلی از من است وهمیشه خود را از این بابت سرزنش خواهم کرد. دخترم ظرف هایی راکه برای بردن به آشپزخانه جمع کرده بود در دست گرفت نگاهی تقریباً اشک آلود به من کرد وآب دهانش رافرو برد، شاید هم بغضش رافرو خورد! سپس روبه پدرش کرد وباتأسف گفت:

حالا فهمیدم چرا شما مردها همه اش داد وفریاد می کنید، خودراخته می کنید. نینا استوار



دکتر آونر منظور

جراح و متخصص بیماریهای زنان،
زایمان و نازائی از امریکا

Ceder Sinai Medical Offices
Suite 440 East
8631 W. 3rd St.
Los Angeles, CA 90048

Tel: (213) 855-7071

دکتر جمشید بهار ور

Dr. Baharvar
Internal Medicine and
Geriatrics

متخصص امراض داخلی
چک آپ عمومی

St. John's Medical Tower
2001 Santa Monica Blvd., Suite 980
Santa Monica, Ca 90404

(۲۱۳) ۸۲۸-۷۳۴۱

دکتر ژاک بهفرین

متخصص زنان و زایمان از امریکا
دارای فوق تخصص نازائی و غدد از امریکا

انتقال مطب خود را به 6317

Wilshire Blvd., نزدیک ساختمان

JEWISH FEDERATION

به اطلاع هموطنان و همکیشان می رساند

تلفن ۶۵۱-۵۵۴۲

پذیرایی با تعیین وقت قبلی

وکیل در امور مهاجرت

Aron Hasson

دفتر درست و ود

10850 Wilshire Blvd., Suite 800
Los Angeles, CA 90024

(213) 475-4779



The Equitable Life
Assurance Society of
the United States

دفتر خدمات بیمه

الیاس و ژوبین اسحقیان

بیمه های درمانی، پس انداز، و عمر

Eshaghian, Elias & Joubin

16055 Ventura Blvd.
Suite 600
Encino, CA 91436

986-5200
872-2613 تلفن های:

906-3666 مستقیم:

«اسحقیان»

راهنمای صدیق شما در امور «بیمه»

شرکت ساختمانی ابکو

به مدیریت مهندس فریدون بهفرین

آمادگی خود را برای مشارکت در زمین شما

و اجرای پروژه های ساختمانی شما

اعلام می دارد

ABCO Builders Corp.
8500 Wilshire Blvd., No. 923
Beverly Hills, CA 90211

Tel: (213) 659-7070

Nationwide Tax Consultants INC.

JOSEPH BOODAIE B.S., M.B.A.
Tax Consultant

یوسف بودائی

مشاور امور مالیاتی و حسابداری

افتتاح دفتر جدید رابه اطلاع می رساند

16311 Ventura Blvd.
West Coast Bank, ساختمان:
Suite 640
Encino, CA 91436
(818) 789-6969

دفتر مرکزی (انسینو)

10850 Wilshire Blvd.
Suite 800
Los Angeles, CA 90024

دفتر درست و ود

(213) 470-0111

جویای کار هستند دعوت می شود که از طریق تلفن های فوق الذکر بانشریه شوفار تماس گرفته و اطلاعات لازم را در اختیار دفتر فدراسیون قرار دهند تا ترتیب ارتباط آنان با صاحبان مشاغل داده شود.

خواننده وفادار و باذوق بانو نصرت ساقیان قطعه شعر جدیدی برای شوفار ارسال داشته اند تحت عنوان «بهار» که در بیت آن در اینجا نقل می گردد:

دشمنان در دوطن بردل مابنهادند
مابنا کامی و آنها همگی دلشادند
گل و گلزار و بهاران همه یکجا و منم
زندگی میدهد و جان دوباره به تنم
خواننده گرامی و باذوق دیگر، آقای یوسف عبرانی نیز قطعه شعر راتحت عنوان «شاخه گلی» ارسال داشته اند که چند بیتی از آنرا در اینجا می خوانید:

هرگز بسفکر نبوده ام که از شاخه
جدا باشی
حیف باشد که تو این گونه سر برآه باشی
یوسفی گفتا که تو آبا فرشته خدا باشی
چون نیک نظر کردم دیدم در همه
جا باشی

دوست و خواننده ای که مایل نیست نامش برده شود یا ردیگراز شوفار خواسته است بنویسیم که افراد از بردن اشیاء و لوازم متفرقه بعنوان چشم روشنی خودداری نموده و این عادت پسندیده را پیشه کنند که بجای آن شیشی یک پاکت حاوی قطعه کوچکی به هر مبلغ که مایلند برای شخص مورد نظر بعنوان هدیه ببرند و مطمئن باشند که میزبان خود را بیشتر خوشحال خواهند کرد زیرا اولاً او را از نگهداری و یا احتمالاً فروش دوباره اجناس مشابه و متعددی که مورد نیازش نیست معاف خواهند کرد و ثانیاً به او این امکان رامی دهند که وجوه دریافتی را یکجا به مصرف احتیاج واقعی خود برساند.

شوفار نظر این خواننده راتایید می کند، به ویژه که این عمل گامی خواهد بود در راه از بین بردن چشم وهم چشمی های بیهوده و مضر.



ماوشما

دوستان عزیز:

توجه داشته باشید که در این صفحه تنها به نظرات و نامه هایی اشاره میشود که نام نویسنده و یا گوینده نظر، آدرس و شماره تلفن آن دقیقاً ذکر شده باشد. از چاپ نامه های بدون امضاء و یا پاسخ به تلفن های بی نام خودداری میشود. در صورت تمایل نام شما نزد ما محفوظ خواهد ماند.

تلفن تحریریه شوفار ۷۷۳۰-۶۵۵ (۲۱۳) است و آدرس ما پشت مجله چاپ شده است ■

چراغی که به منزل حلال است به مسجد حرام است

از همکیشان گرامی صاحبان مشاغل و فروشگاه ها که احتمالاً احتیاج به فروشنده، صندوقدار، حسابدار، مسئول امور دفتری و یا هر نوع کارمند دیگر دارند تقاضا می شود در وهله اول با تلفن های ۶۵۵-۷۷۳۰ و ۶۵۵-۷۷۳۱ با دفتر نشریه شوفار تماس گرفته و سعی کنند از وجود جوانان با استعداد و خواهران و برادران هم میهنی که حاضر به خدمت و همکاری صادقانه می باشند و فهرست آنان در اختیار دفتر فدراسیون یهودیان ایرانی هست استفاده فرمایند.

ضمناً از خوانندگان گرامی که

قابل توجه خوانندگان

دوستانی که در نهایت لطف و مرحمت برای شوفار مطلب و مقاله می فرستند لطفاً باین نکات توجه فرمایند:

- از هر دوروی کاغذ برای نوشتن استفاده نکنید.
- یک روی آنرا خالی بگذارید.
- یک خط در میان بنویسید.
- لطفاً خوش خط و خوانا مرقوم فرمائید و در صورت امکان مطلب راتایپ کنید.
- مقالات و مطالبی که به دفتر هیأت تحریریه می رسد متعلق به شوفار خواهد بود و در صورت لزوم تصحیح و تلخیص می شوند. اصل مطالب به صاحبان آنان مسترد نمی گردد. بهمین علت بهتر است فتوکپی نوشته خودتان را برای ما بفرستید. از چاپ مطالبی که با هدف کلی نشریه و موازین و اصول مورد قبول هیأت تحریریه مغایرت داشته باشد معذوریم.

کسانی که مایل نیستند نوشته هایشان مورد جرح و تعدیل و تلخیص یا تصحیح قرار بگیرد این نکته را در نامه خود تذکر بدهند. در صورتیکه انجام این نقاضا امکان پذیر نباشد از چاپ مطلب خودداری خواهد شد.



مرکز کاربایی یهودیان

وابسته به فدراسیون یهودیان امریکایی
درلوس آنجلس بزرگ

بخش مخصوص خدمت به یهودیان ایرانی
وابسته به مرکز کاربایی یهودیان امریکایی
گماکان درصد کمک به افرادجویای
کار و معرفی آنان به بازار کار است. این ماه
نیز تعداد دیگری از دوستان ایرانی جویای
کار در مجله شوفار به صاحبان مشاغل معرفی
می شوند تا در صورت لزوم از این گروه
متخصصان استفاده کنند.

چندین مشاور در دو مرکز لوس آنجلس و سن
فرناندو و ولی نام و نشانی و تخصص
افراد جویای کار را در دست دارند که از طریق
مجلات مختلف بنظر امریکایی های صاحب
شغل می رسانند. نشریه شوفار ضمن تجلیل
از این خدمت ارزنده هر هفته صفحه ای
در اختیار این مرکز غیرانتفاعی می گذارد تا به
معرفی افراد جویای کار بپردازد. در ستون
مقابل به ترتیب تخصص هر شخص، نام او
(از ذکر نام خانوادگی خودداری می شود)
سابقه کار و مهارت های او درج شده است.
در داخل برانتز حروف اول اسم مشاور که
شخص جویای کار را یاری می دهد ذکر شده
است. در مقابل برخی از اسامی مشاوران سه
حرف (اس. اف. وی.) نیز چاپ شده است
که محل کار آن مشاور را که در منطقه سن
فرناندو و ولی است مشخص می کند. بدین
ترتیب صاحبان مشاغل می توانند که فرد مورد نیاز
خود را در میان گروه معرفی شده می یابند می
توانند با دفتر لوس آنجلس تلفن ۶۵۵-۸۹۱۰
و در صورتی که سه حرف (اس. اف. وی.)
در مقابل حروف اول نام مشاور نوشته شده
باشد با دفتر ولی تلفن ۹۰۷-۵۵۰۶ تماس
بگیرند.

امیدواری ما اینست که دوستان
عزیز ایرانی با مرکز کاربایی و همچنین نشریه
شوفار در این زمینه همگامی و همراهی مثبت
بکنند تا به آن تعداد از دوستان نیازمند
کار خدمت ارزنده ای شود ■

سازمان جوانان مجتمع فرهنگی یهودیان ایرانی (کنیسای ولی)

— در تاریخ یکشنبه ۲۶ فوریه، سازمان اقدام به برگزاری یک مجلس جشن و گردهمایی نمود که
مورد استقبال کم نظیر جوانان همکیش ایرانی سراسر لوس آنجلس و اطراف قرار گرفت. این
گردهمایی با همکاری دسته موزیک آماتور سازمان جوانان با شرکت جوانان هنرمند و بانوق آقایان
آلبرت مرادی، بیژن دختانیان، فریور مین و منصور تاپاسی از تیم شب ادامه داشت. متجاوز از ۳۰۰ تن
از جوانان شرکت کننده با خاطر ای خوش و تقاضای تجدید اینگونه مجالس که هدفی جز آشنایی
و نزدیکی بی شائبه جوانان ندارد از یکدیگر جدا شدند.

برنامه های آینده گروه جوانان مجتمع فرهنگی یهودیان ایرانی (سازمان ولی)

- یکشنبه ۱۱ مارس ۱۹۸۴:
- پیک نیک به سولوانگ — این برنامه دستجمعی با شرکت حدود ۴۰ جوان با موفقیت انجام شد.
- یکشنبه اول آوریل — ۷/۳۰ شب در تالار معاریو تمپل: شب هنرمندان آماتور.
- ۵ شنبه پنجم آوریل: جشن سالگرد گروه جوانان مجتمع فرهنگی.
- ۴ شنبه ۲۵ آوریل: سخنرانی در تالار معاریو تمپل.

برنامه گروه پیوند

برنامه گروه پیوند سومین جلسه گردهمایی خود را در تاریخ دوشنبه ۲۶ مارچ در ساختمان جوشیش
قدریشن، شماره ۶۵۰۵ و پلشر بولوار سالن ای. برگزار خواهد کرد. میهمان این جلسه دکتر جمشید
شوقی خواهد بود.

اطلاعیه سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا (سیاهک)

بدین وسیله به اطلاع عموم می رساند کادریات امنای این سازمان در انتخابات روز ۱۲ فوریه
۱۹۸۴ تایید گردیده است.

فهرست هیأت امنای انتخاب شده به قرار زیر می باشد:

- ۱- آقای مهندس مهرداد کامران
- ۲- آقای دکتر سالار نیکو
- ۳- آقای بهروز میمند
- ۴- آقای دکتر باروخ بروخیم
- ۵- آقای دکتر ایزک نورمحمدی
- ۶- آقای کامییز کتیرایی
- ۷- آقای پرو یزشایان

برنامه سازمان جوانان هیلل ایرانیان

شنبه ۱۷ مارچ — جشن پوریم همراه با ارکستر ایس آیلند. ۷/۳۰ قرائت مگیلا — جشن ساعت ۹
شب.

یکشنبه ۲۵ مارچ — دیدو بازدید عید ساعت ۷/۳۰ بعد از ظهر.

جمعه ۳۰ مارچ — شام شب شبات خانوادگی — ساعت ۷ بعد از ظهر. این برنامه فقط بازررو
قبلی می باشد از ورود اشخاصی که قبلاً بازررو نکرده اند معذوریم. آخرین مهلت برای رزور جا
چهارشنبه ۲۸ مارچ می باشد.

یکشنبه اول آوریل — سخنرانی و فیلم معجزات زندگی.

همراه با سخنرانی دکتر اردشیر بابک نیا — شروع ساعت ۷ بعد از ظهر.

شنبه ۷ آوریل — پارتی. مکان و قیمت بلیط بعداً به اطلاع می رسد.

یکشنبه ۱۵ آوریل — بازدید از باغ ژاپنی ها — حرکت از هیلل.

یکشنبه ۶ مه — نمایشگاه نقاشی هنرمندان ایرانی در هیلل.

شنبه ۱۹ مه — موسیقی و عرفان همراه بانوازندگی مایکل شاپرو

انجمن هاوسازمانها

برنامه کمیته مشترک جوانان سیامک و نصخ اسرائیل

۵ شنبه ۱۵ مارچ - نمایش فیلم Dr. Strange Love

۵ شنبه ۲۲ مارچ - سخنرانی خانم ریچل برنن از American Cancer Society

۵ شنبه ۲۹ مارچ - بحث آزاد - چه هستیم؟ یهودی ایرانی یا ایرانی یهودی؟

محل برنامه هاکنیسای بت جیکوب - شروع ساعت ۸ بعدازظهر. برای اطلاعات بیشتر باتلفن های زیر تماس بگیرید:

۶۵۲-۷۹۶۰ - ۶۵۳-۷۰۴۷ - ۶۵۹-۷۳۴۴

برنامه سازمان بانوان یهود ایرانی مقیم کالیفرنیا

گروه فرهنگی و مذهبی وابسته به سازمان بانوان سمیناری در ۱۶ ژانویه در فدراسیون یهودیان برگزار کرد که مورد استقبال واقع شد. موضوع این سمینار جنبه های معاشرت یهودیان ایرانی با جامعه یهودیان امریکایی بود. سخنرانان این سمینار عبارت بودند از خانم طوبا کارو بیان، خانم تافل اتل از خدمات خانوادگی یهودی و آقای دکتر باروخ بروخیم.

در این بحث آزاد جنبه های مثبت و منفی آمیزش با جامعه امریکایی و سوابق سایر مهاجرین یهودی به امریکا مورد بحث قرار گرفت.

گردهمایی ماهیانه سازمان طبق معمول در روز چهارشنبه ۷ مارچ برگزار شد. آقای میروس حلاوی سخنرانی جالبی راجع به مملکت اسرائیل کرده و اسلایدهای زیبایی از آنجا نشان دادند.

دوستاناران ایرانی سیتی آف هوپ

گروه جوانان وابسته به سیتی آف هوپ در روز یکشنبه ۴ مارچ مهمانی ناهاری ترتیب داده اند که با استقبال فراوان و با حضور ۲۷۰ نفر از جوانان برگزار شد. این گروه در نظر دارد که برای آشنایی بیشتر جوانان یهودی بایکدیگر این قبیل برنامه ها را هر سه ماه یکبار تکرار کند.

مجمع عمومی دوستاناران سیتی آف هوپ در روز ۲۷ مارچ ساعت ۹ تا ۱۰ در آرمی تئاتر کتابخانه سانتامونیکا نبش خیابان ششم سانتامونیکا تشکیل می گردد. برنامه این جلسه تجدید انتخابات هیأت مدیره و مراسم دیدو بازدید و هفت سین عید نوروز خواهد بود.

اطلاعیه

بدینوسیله به اطلاع همکیشان عزیز می رساند عده ای سودجو با استفاده از کلمه «ذبح حلال» گوشت و مرغی را که طبق موازین شرع یهود ذبح و آماده نشده است به همکیشان عزیز ارائه کرده و تبلیغات در رسانه های گروهی سعی دارند همکیشان عزیز را گمراه سازند.

طبق شرع یهود اصولاً گوشت کاشر و غیر کاشر را نباید در یک محل به معرض فروش گذاشت و حتی فروشگاه هایی که گوشت کاشر می فروشند می باید زیر نظر راب های صلاحیتدار اداره شوند.

بنابراین ذبح حلال برای ماهمان ذبح غیر کاشر با تغییر نام است. به عموم برادران و خواهران توصیه می شود از ابتیاع گوشت از این گونه فروشگاه ها خودداری کرده و اجازه ندهند سودجویان به مقدسات و سنت های دیرینه ما توهین روادارند. برکت الهی به وفور بر طایمان فرامین او و همه همکیشان عزیز مقدر باد.

حاخام دیدید یا شوفط - حاخام یهوشوع نتن الی - راب داوید شوفط



JEWISH VOCATIONAL SERVICE
of LOS ANGELES

S.F.V. 907-5506

L.A. 655-8910

Budgeting/Accounting, Mehrdad M: Good English. Very motivated. (SS)

General Office, Nahid M: Clerical typing and filing experience. (SS)

Dental Assistant, Fereydoun Y: Anxious to work. (SS)

Antique Shop Experience, Nasser A: Wants same. (SS)

Sales, Shlomo M: Degreed, very bright; articulate. In U.S. 9 1/2 years. Fluent English.

Will take any good opportunity which offers straight salary or guaranteed base plus commission. (LS)

Graphics and/or Drafting, Shila Y: New to L.A. Several years experience in both fields in Iran. Young, stable. Looking for a career. (LS)

Kitchen Help, Eshagh K: Mature man, good English. Skills very sharp, quick thinking.

Owned his own business in Iran for 24 years. Can also be handyman. (LS)

Architectural Drafter; Helen A: 7 Yers of U.S. experience. Excellent references, fluent in English.

Computerized office worker; Evline: 40 wpm typing, word processing, good office manner. (GW)

Mechanical Engineer, Hamid Y: Design/Drafting of mechanical and electrical equipment.

Mechanical Engineer, Morris S: Computer aided design. Also can service HVAC systems. (GW)

Tutor; Flora K: Lived many years in France. Has good talent with children, good English. (MK-SFV)

Chemist (BA)/Environmental Engineer (MS); Eliza R: Local experience in New York. Is willing to do anything within these fields. (MK-SFV)

Retail Store Manager; Kamran Y: Has a BA degree in Business Ad. Local experience in management. Excellent English. (MK-SFV)

Office Wrok or Retail Sales; Victor S: ESL fair. Many years of experience in business. Does little typing. (RB-SFV)

Computer Sales; Kavos F: Career seeking, programmer background. Would like to transfer to computer sales. (RB-SFV)

Hospital related, Shahbaag D., M.D: has completed Flex and ECFMG. Looking for related hospital work. F/T or P/R, would be interested in visiting or fellowship doctor positions. ESL good. (RB-SFV)

Any type job, Shaboh A: ESL minimal, some experience in electrical assembly. Also trained as armed guard thru Guard School. Will consider any work with limited English ability. (RB-SFV)

General Office, Flora H; Good office skills; likes a challenge. Nice appearance, an asset to any business. (BE)

Asst. Bookkeeper, Nasser N: Banking education and work experience. Looking for a career. Accounting clerk, clerical.

وقایع تاریخی و مذهبی یهودی

ماه آدارشنی ۵۷۴۴

(برابر بادوشنبه پنجم مارس تادوشنبه دوم آوریل ۱۹۸۴)

توضیح: همانطوری که در شماره قبل متذکر گردید، سال عبری جاری سال کبیسه و یابه اصطلاح سیزده ماهه است و به همین علت، آخرین ماه سال را که سیزدهمین ماه می باشد «آدارشنی» و یا آداردوم می نامند.

— یکشنبه سو، ام آدارریشون ودوشنبه اول آدارشنی (برابر باچهارم و پنجم ماه مارس ۱۹۸۴)، دوزاول روش خودش آدارشنی.

— سوم آدارشنی (برابر باهفتم ماه مارس ۱۸۹۹)، هشتادو پنجمین سالگرد تأسیس اولین مدرسه آلیانس ایزرانگیت اونیورسل درتهران تحت عنوان «مدرسه اتحاد» که هزاران نوجوان یهودی و غیریهودی درآن مؤسسه و در سایر مدارس اتحاد در ایران به تحصیل پرداخته و زنان و مردان مفید و مثمر ثمری برای زادگاه خود ایران شدند. تأسیس این مدارس نتیجه سال ها مذاکره بین مسئولان کمیته مرکزی آلیانس در پاریس باشاه قاجار هنگام سفرهایش به فرانسه بود که منتج به کسب موافقت شاه با گشایش مدارس اتحاد و حمایت وی از یهودیان ایرانی که درآن هنگام مورد آزار و اذیت هم میهنان غیریهودی خود قرار می گرفتند شد.

— یکشنبه هفتم آدارشنی ۲۳۶۸ و ۲۴۸۸: سالروز تولد و سالگرد درگذشت حضرت موسی که ۱۲۰ سال تمام عمر کرد و چون تولد و درگذشت او هر دو مقارن باروز هفتم آدارمی باشد هیچگونه مراسمی به مناسبت این دو واقعه برگزار نمی گردد.

— دوشنبه هشتم آدارشنی ۵۷۳۰: چهاردهمین سالگرد درگذشت استاد فقید سلیمان حییم مؤلف دانشمند و نامی فرهنگ های انگلیسی، عبری و فرانسه به فارسی.

— پنجشنبه یازدهم آدارشنی: تعنیت استر (توضیح: رسم بر این است که روز سیزدهم آدار که روز ماقبل پوریم است افراد روزه می گیرند و تعنیت خودرا شب پس ازتغیلاهی عربیت و شیدن براخا و قرائت مقیلا بازمی کنند. ولی هرگاه پوریم مانند سال جاری مصادف باروز یکشنبه باشد، چون گرفتن تعنیت در روز شبات مجاز نیست، استثنائاً تعنیت را روز پنجشنبه برگزار می کنند). تعنیت از ساعت ۱۲ شب شروع و تا غروب روز پنجشنبه ادامه دارد.

— یکشنبه چهاردهم آدارشنی ۳۴۰۵: جشن پوریم، به یاد رهایی یهودیان ایران ازتوطئه شوم هامان وزیر دربار خشایار شاه در ۲۳۳۹ سال قبل، در اثر از خود گذشتگی و درایت و کاردانی استر ملکه و عموزاده اش مردخای.

— یکشنبه چهاردهم آدارشنی (برابر با ۱۸ مارس ۱۹۳۱): پنجاه و سومین سالروز درگذشت اتووالاش، دانشمند و شیمی دان یهودی اهل آلمان که در سال ۱۸۴۷ دیده بدنیا گشود و در سال ۱۹۱۰ جایزه شیمی نوبل را از آن خود ساخت.

— چهارشنبه هفدهم آدارشنی (برابر با ۲۱ مارس ۱۹۸۴): نوروز باستانی و اول فروردینماه سال ۱۳۶۳ شمسی.

— سه شنبه سوم آوریل ۱۹۸۴: مصادف با اول ماه نیشان ۵۷۴۴، روز روش خودش.

تهیه و تنظیم: الیاس اسحقیان

دکتر جهانگیر جانفزا



متخصص درکابروپراکتیک

— طب سوزنی

معالجه دردهای عصبی، سردرد، گردن درد، کمردرد، و صدمات ناشی از تصادفات انومیل و سایر حوادث بدون نحو بزدارو. بیمه های درمانی پذیرفته میشود

9301 Wilshire Blvd. Suite 611
Beverly Hills, Ca. 90210

تلفن ۲۴ ساعته ۸۴۹۴-۸۵۹ (۲۱۳)

15301 Ventura Blvd. Suite 300
Sherman Oaks, Ca. 91403
Tel: (213) 907-8566

دکتر بهرام کشفیان

دندانپزشک

Bahram Kashfian D.M.D.
Prosthodontist

Century Medical Plaza
2080 Century Park East, Suite 1201
Century City
Tel: (213) 553-1578

پذیرائی باتعین وقت قبلی

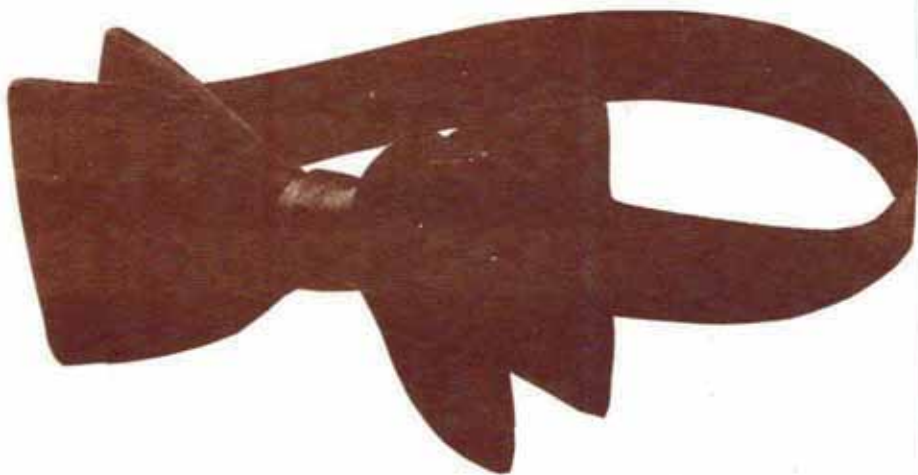
دکتر پرویز پیرنظر



متخصص بیماریهای زنان و زایمان

10921 Wilshire Blvd. Suite 1110
(Westwood Medical Plaza)
Los Angeles, Ca. 90024
Tel: (213) 824-0049

اطلاعیه



فدراسیون یهودیان ایران بمناسبت اعیاد پوریم و پسخ جشن
باشکوهی در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۸۴ در سالن مجلل سنچوری
پلازا هتل برقراری نماید

شروع: ساعت ۸ بعد از ظهر

بذیرایی - کوکتل

باشرکت هنرمندان:

خانم حمیرا - خانم فتانه - ستار - معین و محمود

برای تهیه بلیط لطفاً باتلفن های زیر تماس بگیرید:

۹۰۶-۳۶۶۶	دفتر خدمات بیمه اسحقیان	۶۵۵-۷۷۳۰	دفتر فدراسیون
۲۷۴-۱۱۹۰	خانم یونسی	۳۴۲-۳۳۲۶	خانم الیاسیان، ولی
۳۹۳-۴۹۷۷	آقای نظریان	۶۵۲-۴۵۸۲	آقای زرگریان
۲۷۶-۰۶۵۴	چاپخانه ای.بی.سی.	۷۸۹-۰۵۵۸	شرکت کتاب
۲۷۳-۰۸۶۲	ایلات مارکت	۶۵۹-۵۱۴۷	ورلدا ف ویدنو
۷۴۶-۸۰۴۱	آقای ابی، داوون تاون	۳۶۸-۵۳۹۲	آقای لقمان سخانی
۲۷۱-۸۱۹۱	آقای نظریان، لوس آنجلس	۶۵۴-۳۰۵۲	باشگاه ایرانیان، آقای ناصر بنایان
		۲۷۶-۳۴۹۱	رستوران کوچینی

ضمناً فدراسیون لازم می داند مراتب زیر را به استحضار همکیشان محترم برساند:

- ۱- کلیه کسانی که در برگزاری یا فروش بلیط های جشن هافعالیت می نمایند این خدمت اجتماعی را افتخاراً انجام می دهند و هیچگونه پاداشی به هیچ وجه من الوجوه دریافت نمی نمایند.
- ۲- آقای الیاس اسفندی که از خدمتگزاران صدیق جامعه می باشند بنابه تصمیم هیئت مدیره فدراسیون سر پرستی کمیته جشن ها را افتخاراً تقبل نموده و ضمن سپاسگزاری از خدمات بی شائبه ایشان از علاقه مندان تقاضا می شود هرگونه نظری در مورد جشن هادارتند با ایشان تماس حاصل نمایند.

بدون مخارج اولیه

بدون مخارج اولیه

Law Offices of

Denise Breakman Naghi

291 S. La Cienega Blvd., No. 210
Beverly Hills, CA 90211

دفتر و کالت دنیس ناگی

• تصادفات اتومبیل (۲۱۳) ۶۵۷ ۲۸۲۵ • مهاجرت و تابعیت



در دفتر حقوقی دنیس ناگی اول: حق شما دریافت می گردد، بعد
شما حق الوکاله می پردازید.

در امور تصادفات اتومبیل، میزان حق الوکاله ای که به دفتر حقوقی ما می پردازند
نسبت به حق الوکاله معمول در امریکا فوق العاده کمتر است

برای کسانی که این تبلیغ را یادآوری نمایند
باهمکاری مترجم
فارسی زبان

تلفن ۲۴ ساعته
(۲۱۳) ۶۵۷-۲۸۲۵
مشاوره اولیه رایگان است

شب ها و روزهای آخر هفته،
باتعیین وقت قبلی

BULK RATE
U.S. POSTAGE
PAID
Van Nuys, Ca.
Permit 431

IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048
ADDRESS CORRECTION
REQUESTED:

SHOFAR